

چامسکی و جهانی سازی

چامسکی و جهانی سازی؛ تقابل های پسا مدرن، جرمنی فاکس؛ مترجم مزدک انوشه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱، ۹۶ صفحه.



کتاب حاضر پدیده جهانی سازی را در گستره اقتصاد بررسی می کند و بویژه پیامدهای آن را در جهان سوم و کشورهای روبه توسعه بر می شمارد. در این میان، مؤلف در نقد و بررسی این فرایند، بیش از همه بر آرا و اندیشه های نوام چامسکی، زبان شناس، منتقد سیاسی و اندیشمند بلند آوازه آمریکایی، تکیه دارد.

طلوع عشق

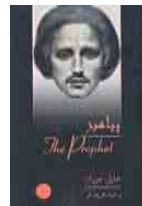
طلوع در عشق، پروین رحیم زاده، نشر البرز، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۲۱۰۰ تومان. رحیم زاده نویسنده این رمان در اغلب آثارش نظریات روانشناسی و فلسفی بویژه فلسفه مشرق زمین را به کار می گیرد.

رمان حاضر داستانی واقعی بر اساس خاطرات، اعترافات و احساسات عاشقانه زنی است که جوانی و زیبایی اش به حراج گذاشته می شود. رویدادهای اثر، خواننده را به سال های قبل یعنی زمان وقوع حوادث زندگی این زن می برد و دورنمایی از زندگی اقتدار نیمه مرده جامعه را ترسیم می کند.

هشتمین ترجمه از پیامبر

پیامبر، جبران خلیل جبران، وحید فریدر، نشر نقطه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۸۰۰ تومان.

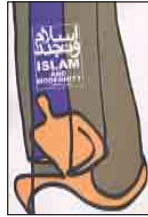
کتاب حاضر هشتمین ترجمه از منظومه حماسی و مطرح خلیل جبران شاعر عرب است که به فارسی ترجمه و منتشر می شود. پیامبر، شاهکار خلیل جبران در سال ۱۹۲۳ برای اولین بار منتشر شد و به عنوان غزلی مثنوی و نمادین و یکی از زیباترین آثار جاودانه کلاسیک قرن بیستم به شمار می رود.



نصیری و اسلام و تجدد

مهدی نصیری، انتشارات کتاب صبح، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۴۰۰ صفحه، ۱۸۰۰ تومان.

نویسنده با استناد به شاخص ترین منابع اسلامی و از زاویه کتاب و سنت به نقد دیدگاههای رایج درباره تجدد و سنت می پردازد و معتقد است با فرض حضور حاکمیت دین - به معنای جامع و حقیقی آن - هرگز تمدنی از نوع تمدن جدید ظهور نخواهد کرد.



چه گوارا



من هم چه گوارا هستم، گلی ترقی، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم: ۱۳۸۱، ۱۰۰۰ تومان. کتاب حاضر مجموعه هشت داستان کوتاه از گلی ترقی است که ابتدا در سال ۴۸ چاپ و منتشر شده بود. نویسنده در مقدمه چاپ دوم می گوید: این داستان ها متعلق به دوره جوانی من است و جوانی دنیایی پیچیده و آشفته است. جالب این است که پرسش از مرگ، عصیان بر علیه زندگی و تردید در حقانیت هستی، اغلب در این دوران است که یقه آدم را می چسبد.

پوران فرخزاد و سه کتاب تازه

زنان همیشه، پوران فرخزاد، انتشارات نگاه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۴۸۰۰ تومان.

زنان همیشه، گزیده اشعار کلاسیک، نیمایی و آزاد شاعران زن ایران به انتخاب پوران فرخزاد در ۷۵۲ صفحه است که گردآورنده با بهره گیری بخش هایی از اشعار زنان نیم قرن اخیر و معرفی نمونه هایی از آثار آنان، کتابی فراهم آورده تا علاقمندان شعر و پژوهش با این چهره های فعال در عرصه ادب کشور آشنا شوند. «سه های ناتمام» کتاب دیگر فرخزاد که نگرشی نو در شعر زنان از زاویه تافروغ است توسط کتابسرای تندیس قبلاً منتشر شده و کتاب «کارنامهی زنان کارای ایران» از دیروز تا امروز از وی توسط نشر قطره به بازار آمد، که در برگزیده زندگی نامه زن ایرانی، از والا ترین نماد مادینه آریایی، آناهیتایی، سبستانی، تا گروه عظیمی از زنان بیدار، هوشیار و ارجمند ایران امروز چه در داخل و چه در خارج در رشته های اجتماعی، سیاسی، ادبی و هنری است.

خاطرات

خاطرات شعبان جعفری، هما سرشار، نشر ثالث، چاپ دوم: ۱۳۸۱، ۲۸۰۰ تومان. خاطرات شعبان جعفری معروف به شعبان بی مخ که یکی از عوامل چماق دار در جریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ بود، در مدت دو روز پس از انتشار به چاپ دوم رسید. این کتاب که گفت و گوی مفصل و طولانی هما سرشار روزنامه نگار ایرانی مقیم آمریکا با شعبان جعفری است، چندی پیش ابتدا در آمریکا منتشر شد. جعفری در این گفت و گوها بسیاری از رویدادهای پشت پرده و بازی های سیاسی سردمداران رژیم گذشته را شرح می کند و زوایای تاریک بخشی از تاریخ ایران برای خوانندگان و علاقمندان روشن می شود. این کتاب همراه با عکس هایی از دوران مختلف زندگی سیاسی - ورزشی شعبان جعفری به بازار آمد.

در خط مبارزه

سنگ قیصر، پیر بالدوکی - بهرام شیرازون، جمشید ارجمند، نشر ورجاوند، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۱۰۰ تومان.

چارچوب کتاب حاضر جست و جوی عنصر قداست است که البته جست و جویی طولانی و دشوار و مستلزم دقت و باریک بینی بسیار و گاه در سینمای کیمیایی نیازمند مسامحه. چرا که کیمیایی از «قیصر» تا «اسفرنگ» راهی دراز را پیموده و درونمایه آثارش تحولی ژرف در خط مبارزه را نشان می دهد. نویسنده گان این کتاب در جست و جوی هدف خود، با نگاهی تازه به آثار کیمیایی از طریق تعمق در کوچکترین جزئیات صحنه ها، زاویه ها و حرکت ها را مد نظر قرار داده اند.

داستانی در تکريم فوتبال

فوتبال در آفتاب و سایه، اودارد و گالانو، اکبر معصوم بیگی، نشر دیگر، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۲۰۰۰ تومان.

عشق نویسنده به فوتبال البته عشقی یک سویه، کوردلانه جنون آسا و بلاهت آمیز نیست. در تعهدی که نویسنده به واقعیت فوتبال در عریان ترین شکل آن دارد، به فراسوی نمای ظاهری بازی نظر دارد و برخلاف بسیاری از همتایان و دوستان چپ گرای خود هم از آغاز در برابر فوتبال موضعی عبوس، تلخ و شکاکانه ندارد و فوتبال را سرسراسر توطئه ای برای دور کردن طبقه کارگر از مبارزه اجتماعی نمی شمارد.



خاطرات شعبان

خاطرات شعبان جعفری، هما سرشار، نشر آبی، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۳۳۰۰ تومان.

خاطرات شعبان جعفری که گفت و گوهای مفصل هما سرشار روزنامه نگار ایرانی مقیم آمریکا با این فرد است، در ۴۶۶ صفحه منتشر شده است. شعبان جعفری که به شعبان بی مخ معروف است، یکی از چهره های مطرح رژیم پیشین بوده که در اکثر جریان های سیاسی و اجتماعی آن دوران بویژه در جریان کودتای ۲۸ مرداد به عنوان سمبل لمبیتسم یک ایرانی نقش فعال به عهده داشته است. خاطرات وی می تواند گوشه های تاریک یک مقطع از تاریخ ایران را برای علاقمندان و پژوهشگران روشن کند.

پروانه و دکتر

پروانه روی سینه آقای دکتر، مرضی حقیقت، نشر چشمه، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۲۰۰ تومان.

پروانه روی سینه آقای دکتر رمانی از مرضی حقیقت است که نویسنده رویدادهای دوران جوانی اش را به زبان اول شخص روایت می کند. نویسنده در این اثر خیالی و واقعیت را در هم می آمیزد ولی وجه غالب روایت در فضایی رئالیستی در جریان است. راوی ساعت ده و نیم صبح روایتش را در انتظار سهراب شروع می کند و در انتها با مرگ مادر و تنهایی زن را روایت پایان می گیرد.



شاهدی در آسمان

«شاهدی در آسمان» و «خانه سبز عسل» عنوان دو رمان تازه از مهدی اعتمادی است که از سوی انتشارات علمی هفته دیگر راهی بازار می شود.

نبرد میمک

«نبرد میمک» خاطرات رزمندگان از حوادث تلخ و شیرین دوران دفاع مقدس است که به اهتمام احمد حسینیبا توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی در آینده ای نزدیک منتشر خواهد شد.

جلد دوم مجموعه آثار

جلد دوم مجموعه آثار شاملو، اختصاص به شعرهایی دارد که شاملو از شاعران جهان در طول عمرش ترجمه کرده است. این اشعار به صورت پراکنده در نشریات و بخشی نیز در کتاب «همچون کوچه ای بی انتها» چاپ شده بود. همچنین متن کامل غزل غزل های سلیمان نیز در این کتاب آمده است. ناشر آن مؤسسه انتشارات نگاه خواهد بود.

سروده های کویین

«می خواهم رها شوم» عنوان مجموعه شعری از کویین است که با ترجمه تابان خواجه نصیری توسط انتشارات کاروان بزودی راهی بازار خواهد شد.

میانی ادبیات کودک

کتاب «شناخت پایه و مبانی ادبیات کودک» به اتفاق هفت چهره از مترجمان خوب ادبیات کودک چون خانم راعی، قول ایاغ، رضی هیرمندی، حسین ابراهیمی، زهره قاینی و ابراهیم اقلیدی ترجمه شده و با همکاری محمدهادی محمدی از سوی نشر چستان در تدارک انتشار قرار دارد.

سرود نیلونکن

«سرود نیلونکن» کتابی است که توسط انتشارات سروش بزودی منتشر می شود. سرود نیلونکن را اسماعیل سعادت به فارسی برگردانده است.

بهرام صادقی

از مجموعه چهره های قرن بیستمی که انتشارات قصه منتشر می کند، کتاب «بهرام صادقی» به قلم محمدرضا اصلانی (همدان) در تدارک انتشار است. از این مجموعه به تازگی سهراب سپهری به قلم سعید شیری منتشر شده است.

هویت ملی و جامعه مسلمان

کتابی با عنوان «آذربایجان روس (۱۹۰۵-۱۹۲۵)» شکل گیری هویت ملی در یک جامعه مسلمان اثر تادئوس سوتو خوفسکی با ترجمه کاظم فیروزمند را نشر شادگان در دست انتشار دارد. همین نشر چندی پیش کتاب «فرهنگ ادبیات و نقد» از جی. ای. کادن را با ترجمه فیروزمند به بازار فرستاده بود.

خاطراتی دیگر

«خاطرات ایرج زهری» نویسنده و کارگردان تئاتر در دهه های چهل و پنجاه را نشر معین در دست انتشار دارد. عنوان این کتاب «یادها و یادبودها» خواهد بود که قبلاً در آلمان منتشر شده و اکنون با ویرایش سیدعلیرضا میرعلینی به چاپ خواهد رسید. مقالات بسیاری از زهری که در نشریات پیش از انقلاب چاپ شده نیز قرار است در جلدی مستقل تدوین و منتشر شود.

ناگفته های موسیقی

خاطرات هنری استاد مهدی کمالیان و دیدگاههای او درباره موسیقی به کوشش بهروز مصری گردآوری شده و توسط نشری در تدارک انتشار است. کمالیان سازنده و نوازنده برجسته تار و از ممتازترین رجال موسیقی معاصر است.

نسیم شمال

«زندگی و شعر نسیم شمال» هفدمین کتاب از مجموعه چهره های شعر معاصر ایران است که توسط نشر ثالث منتشر می شود. این کتاب به اهتمام دکتر فریده کریمی مغاری تألیف و تدوین شده است.

دوشس و جواهر فروش

«دوشس و جواهر فروش» عنوان داستان کوتاه طنزی از ویرجینیا وولف است که همراه با چند داستان طنز دیگر از نویسندگانی چون مارک تواین، توماس هاردی، بولگاکف و... در هیأت کتابی با همین نام توسط نیره توکل به فارسی برگردانده شد و توسط نشر نیلوفر به بازار می آید.

چون و چرای درویشیان

«چون و چرا» عنوان مجموعه مقالاتی در نقد و بررسی آثار ادبی و فرهنگی به قلم علی اشرف درویشیان است که از سوی نشر اشعاره منتشر خواهد شد.

مزرعه سفید

داستانی برای کودکان و نوجوانان با عنوان «مزرعه قله سفید» اثر برلی دورهرتی با ترجمه شیدا رنجبر را نشر چشمه در دست انتشار دارد. همین ناشر رمان «پرنده گان» از تاربه و سوس را با ترجمه اسفندیاری بزودی منتشر می کند.



پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کتاب یکی از مؤثرترین و باارزش‌ترین رسانه‌ها در حوزه فرهنگ‌سازی و رشد فکری جامعه بوده است. علی‌اصغر رمضانپور معاون فرهنگی وزیر ارشاد در گفت‌وگو با ایسنا ضمن اعلام این مطلب، گفت: معتقدم نباید مشکلاتی را که هر از گاهی در حوزه نشر پیش می‌آید، به معنای یک بن‌بست یا انسداد رشد و تعالی کتاب دانست و پدیده‌ای که در چند ماه اخیر اتفاق افتاده، گونه‌ای از اختلاف نظر بین برخی معترضان به سیاست صدور مجوز نشر کتاب و وزارت ارشاد و یکی از شعب قوه قضائیه بود. وی افزود: در قضایای اخیر که تنها در یک مسأله با قاضی دادگاه اختلاف نظر داشتیم، ما معتقد بودیم که مسؤولیت صدور مجوز بر عهده وزارت ارشاد است و نباید

مهاجرانی: اثر استاد سحاب از دقیق‌ترین آثار فرهنگ و تمدن اسلامی است

«هنر خوشنویسی از آغاز تا امروز» جلد دوم مجموعه بیست جلدی اطلس چهارده قرن هنر اسلامی با حضور دکتر عطاءالله مهاجرانی، رییس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها و جمعی از پیشکسوتان ادب و هنر در شرکت پکا معرفی شد. این کتاب حاصل بیش از نیم قرن تلاش مرحوم ابوالقاسم سحاب و زنده‌یاد مهتدس عباس سحاب است که توسط مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب چاپ و منتشر گردیده است.

در این مراسم دکتر مهاجرانی در خصوص انجام کارهای منحصربه‌فرد و مؤثر در جامعه گفت: اشخاصی که در طول زندگی کارهای بزرگ انسان‌ساز انجام می‌دهند، انسان‌هایی هستند که به زندگی درست نگاه می‌کنند و افراد معدودی هستند که با کارهای بزرگ خود نام ماندگاری را از خود به جای می‌گذارند.

مهاجرانی تصریح کرد: خانواده سحاب جزء خانواده‌هایی است که کاری بزرگ را با اندیشه‌ای درست، ساماندهی کرده است و هنر اسلامی را در چهارده قرن معرفی نموده است. ادامه چنین راهی بدون یاری سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و دولتی میسر نخواهد بود و واقعاً اعتقاد دارم این کار از دقیق‌ترین و موفق‌ترین کارهای علمی-پژوهشی در معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی است. ما نیز به عنوان مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها در حد توان و محدودیت‌ها، در ادامه این حرکت مشارکت خواهیم کرد.

رییس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها در خاتمه گفت: اگر قرار باشد ملت‌های تمدن‌ساز شناسایی شوند، قطعاً ما یکی از ملت‌های شاخص در ساخت تمدن، چه در بعد و چه در قیل از اسلام هستیم. اما متأسفانه اکنون به علت گرایش به استفاده از تکنولوژی، نوانسنت‌ایم شناخت درستی را از گذشته خود داشته باشیم. در طول برگزاری جلسه محمدرضا سحاب، فرزند عباس سحاب نیز به تشریح عملکرد و نحوه فعالیت پدر خود پرداخت و برخی از مشکلات خود را در روند چاپ این مجلد عنوان کرد.

در پایان این آیین، به دست‌اندرکاران چاپ و انتشار کتاب «هنر خوشنویسی از آغاز تا امروز» لوح تقدیر اهدا شد و از گروهی از مدرسان و اعضای انجمن خوشنویسان تهران تقدیر به عمل آمد.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

همه بار مسائل فرهنگی بر عهده وزارت ارشاد نیست

کارشناسی که به عنوان مشاور وزارتخانه و بررس کتاب اظهار نظر کرده است یا نویسنده‌ای که مجوز چاپ کتاب از ما گرفته است، مورد تعرض قرار گیرد. رمضانپور در ادامه اضافه کرد: در هر صورت اختلاف نظر ما با کسانی که نسبت به این کتاب با اعتراض داشتند، همچنان به جای خود باقی است، البته اختلاف نظر در یک مسیر طبیعی، قابل بررسی و حل است. اما تأکید می‌کنم که ماهیت بررسی کتاب و ارزیابی محتوایی آن یک فعالیت فرهنگی است و نباید آن را با فعالیت سیاسی یا حقوقی درآمیخت. رمضانپور اظهار داشت: باید به این نکته نیز اشاره شود که همه وجوه نشر در کشور ما به مسأله بررسی و ممیزی خلاصه نمی‌شود. وی تصریح کرد: اگر چه اعمال نادرست سیاست ممیزی و برخورد سلیقه‌ای با آن می‌تواند نویسنده‌گان و مخاطبان کتاب را نگران کند، اما در چند سال گذشته سعی دستگاه فرهنگی کشور بر این بوده است که از اظهار نظر غیرقانونی و ممیزی سلیقه‌ای بپرهیزد و کتاب‌ها با یک سلامت و آزادی بیان مطابق قانون منتشر شوند. رمضانپور درباره قیمت کتاب در ایران گفت: قیمت کتاب در ایران به نسبت سایر کالاها و هم سایر کشورها ارزان‌تر است. یکی از دلایل ارزانی کتاب هم سیاست‌های حمایتی است که دولت از طریق اعطای یارانه به صورت فیلم و زینک، خرید کتاب و دیگر موارد اعمال می‌کند. وی افزود: در ایران نیاز به کتاب آف‌درد جدی تلقی نمی‌شود که مردم

تکذیب تیتروژنامه توسعه

روابط عمومی معاونت امور فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نامبری که رونوشت آن به دفتر کتاب هفته ارسال شد، تیتروژنامه‌ی ایسنا با علی‌اصغر رمضانپور مدیر در شماره ۳۵۱ ژورنال توسعه را به این شرح تکذیب کرد: **جناب آقای قلی شیخی، مدیر مسؤول محترم روزنامه توسعه با اهدا، سلام**

روزنامه توسعه در شماره ۳۵۱ برای مصاحبه آقای علی‌اصغر رمضانپور با خبرگزاری ایسنا در کمال تأسف تیتروژ به نقل از ایشان انتخاب کرده است که به هیچ عنوان از سوی ایشان بیان نشده است. در تیتروژ مورد توجه آمده است «رمضانپور: حذف برخی نویسندگان طبیعی است» در حالی که ایشان چنین جمله‌ای را بیان نکرده‌اند و از مطالب بیان شده نیز تیتروژ منتشر شده استنباط نمی‌شود. ایشان در توضیح مطلب خود ادامه داده‌اند: اگر بروی کتابی نام یک نویسنده ناشناس باشد، حساسیت‌ها برانگیخته نمی‌شود و در نتیجه بررسان توجه بیشتری به این نوع کتاب‌ها نشان نمی‌دهند و برعکس بذل وقت نسبت به مطالب برخی از کتاب‌ها و نویسندگان امری طبیعی به نظر می‌رسد. لذا خواهشمند است، بر اساس قانون مطبوعات این اشتباه را با همان تیتروژ در نخستین شماره روزنامه یادآور شوید.

کارگاه‌های فرهنگی از معافیت مالیاتی برخوردار خواهند شد

وزیر کار و امور اجتماعی گفت: طبق قانون جدید مالیات‌ها، کارگاه‌هایی که کارگران آنها فعالیت‌های فرهنگی و هنری دارند از معافیت مالیاتی برخوردار خواهند شد. به گزارش ایسنا سید صفدر حسینی وزیر کار و امور اجتماعی به مراسم تقدیر از کارگران برگزیده نخستین جشنواره فرهنگی-هنری کارگران گفت: کمیسیون مشترک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت کار و امور اجتماعی در حال بررسی این بند از قانون مالیات‌هاست تا با پذیرش آن کالای فرهنگی در سبد مصرفی کارگران از معافیت‌های مالیاتی بهره‌گیرند. وی وظیفه زمینه‌سازی برای این اقدام را به عهده معاون امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کار و امور اجتماعی دانست. احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این مراسم با بیان این که امروز اوقات فراغت افراد و نحوه گذراندن آن در دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد، تصریح کرد: تمام کشورهای که در دو دهه اخیر رشد دو رقمی را در اقتصاد خود تجربه کرده‌اند بخش ویژه‌ای برای اوقات فراغت کارگران خود در نظر گرفته‌اند.

اهدای بیش از ۷ هزار جلد کتاب به مراکز فرهنگی افغانستان

هفت هزار جلد کتاب علمی، دانشگاهی و فرهنگی چاپ ایران به کابل انتقال یافت تا به‌طور رایگان به مراکز علمی، دانشگاهی و فرهنگی افغانستان اهدا شود. بخش فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل با اعلام این خبر افزود: به دلیل سال‌ها جنگ در افغانستان تمام امکانات علمی و کتابخانه‌ای مراکز علمی، دانشگاهی و فرهنگی افغانستان نابود شده و ایران به سهم خود آماده‌ی جبران بخشی از این خسارات فاجعه‌بار است. این منبع در ادامه آورده است: قبل از این نیز جمهوری اسلامی هزاران جلد کتب دانشگاهی در اختیار



وزیر ارشاد: نام و آثار دکتر نجفی با فرهنگ جاویدان ایران و اسلام پیوند خورده است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارسال نامه‌ای درگذشت هنرمند و نویسنده کشور محمداقبر نجفی را به‌خاندان ایشان و عموم فرهنگ دوستان تسلیت گفت. احمد مسجدجامعی در این نامه نوشت: میراث گرانبهای مرحوم نجفی در طی عمر گرانبارش، تألیف قریب به ۶۰ اثر از جمله مدینه‌شناسی، دین‌نامه‌های ایران، دیوان شعرای الحسینی و ائمه معصومین (ع) و خوزستان در منابع ایران‌شناسی است که در همه آنها نشانه‌های روح تحقیق، جست‌وجوگری، دقت و امانت عملی به چشم می‌خورد. وزیر ارشاد در بخش دیگری از این نامه آورده است: بی‌تردید هجرت ابدی این محقق و دانشمند فرانزه که در پی وقوع جنگ تحمیلی و انهدام کاشانه خود در خرمشهر، رنج درون سوز غربت را تجربه کرده، هنرمندی که نام و آثارش با فرهنگ جاویدان ایران و اسلام پیوند خورده است، ضایعه‌ای بس اسفبار است که جبران آن میسر نیست.

انتخابات تعاونی ناشران و کتابفروشان برگزار شد

اعضای جدید مجمع عمومی، هیأت مدیره و بازرسان شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان تهران انتخاب شدند.

نوبت دوم مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان تهران هفته گذشته تشکیل و طی آن علیرضا گنج‌دانش به سمت رییس، محمد فؤاد به عنوان منشی و احمد عطایی و حسین محبوب به سمت ناظران مجمع معرفی شدند.

در این جلسه که با حضور ۱۱۶ نفر از اعضای شرکت تعاونی تشکیل شد، محمد شریف‌زاده ۱۹۵ رأی، داود موسایی ۱۷۷ رأی، محمد مهدی داودی پور ۱۵۹ رأی، ارشد عین‌اللهی ۱۵۹ رأی و نادر قدیانی ۱۴۹ رأی به عنوان اعضای اصلی و منوچهر اشرف‌الکتابی، ۵۲ رأی به عنوان عضو علی‌البدل برای مدت سه سال برگزیده شدند.

همچنین داود رمضان شیرازی با ۱۶۶ رأی، جلال فهیم هاشمی با ۱۵۲ رأی و مرتضی آخوندی با ۱۱۷ رأی به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب شدند.

در این جلسه گزارش هیأت مدیره و بازرسان شرکت تعاونی و نیز بیان مالی سال ۸۰ برای اعضای مجمع قرائت و رؤس بودجه جاری سال ۸۱ برای اعضا مطرح شد و به تصویب رسید.

همچنین برابر تصویب مجمع عمومی مقرر شد که سود خالص به سرمایه‌های اضافه‌شده و برگ سهام به نام آنها صادر گردد.



دایرةالمعارف جامعه‌شناسی بزودی منتشر می‌شود



انتشارات سروش جزء پرکارترین ناشران بخش دولتی است. در این انتشاراتی که برای چاپ و انتشار کتاب‌های پیکسی قانون تعیین کرده است، شش شورا با نام‌های دین و فلسفه، هنر، کودک و نوجوان، ادبیات، جامعه و سیاست و ارتباطات و رسانه‌ها فعالیت می‌کنند. در این شوراها برنامه‌ریزی‌های سالانه برای آثاری که در آن سال قرار است توسط انتشارات سروش منتشر شود، صورت می‌گیرد. از بین این شوراها، شورای «سیاست و جامعه» و «ارتباطات و رسانه» درباره انتشار کتاب‌های حوزه علوم اجتماعی تصمیم می‌گیرند. درباره نحوه انتخاب کتاب و فعالیت این دو شورا با امیرمسعود شهرام نیا، معاون فرهنگی انتشارات سروش گفت‌وگو کوتاهی انجام داده‌ام که در ذیل می‌آید.

نحوه فعالیت شورای‌های «سیاست و جامعه» و «ارتباطات و رسانه‌ها» را توضیح دهید.

ابتدا باید عرض کنم دو دسته کتاب در انتشارات سروش به طبع می‌رسند، دسته اول کتاب‌هایی که توسط انتشارات سروش به نویسندگان و مترجمان پیشنهاد داده می‌شود که حدود ۷۰ درصد کار را در بر می‌گیرد. دسته دوم که ۳۰ درصد باقی را شامل می‌شود نیز آثاری است که به طرق مختلف به انتشارات پیشنهاد می‌شود و بعد از بررسی درباره انتشار یا عدم انتشار آن تصمیم گرفته می‌شود که البته در بین این کتاب‌ها آثار بسیار خوب و باارزشی نیز یافت می‌شود. در این شوراها کتاب‌ها دو بار کارشناسی می‌شود و اگر با اولویت‌های ما سازگار بود برای انتشار انتخاب می‌شود.

ملاک و معیار این شورا برای انتخاب کتاب‌ها چیست؟ در ابتدا مخاطبان اصلی کتاب‌ها دسته بندی شده است و به ترتیب استادان، دانشجویان و پژوهشگران حوزه ارتباطات، دست‌اندرکاران حرفه‌ای نهادها و سازمان‌های ارتباطی، مدیران، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران حوزه ارتباطات و در آخر عموم دانش‌آموختگان این رشته و حوزه را شامل می‌شود.

ولی جهت‌گیری‌های اصلی این شوراها برای انتخاب کتاب بدیع بودن اثر و غنای علمی خود اثر و صاحب اثر است، یافتن مخاطب نیز جزء مواردی است که می‌تواند تأثیر فرهنگی خودش را در این حوزه بگذارد. متأسفانه در بازار فعلی کتاب ناشران ابتدا به فروش کتاب‌ها توجه می‌کنند ولی برای ما انتخاب کتاب فروش کتاب ملاک درجه دویاسه است. برای ماغای علمی و اهمیت آن در بین مخاطبان اهمیت دارد که البته این سیاست ما به دلیل دولتی بودن انتشارات سروش است و طبیعی است که یک ناشر خصوصی به بازگشت سرمایه خود اهمیت می‌دهد.

اعضای این شوراها چند نفر هستند و یک کتاب چگونه در این شوراها بررسی می‌شود؟
در این دو شورا مجموعاً پانزده نفر فعالیت می‌کنند که جزء استادان درجه اول حوزه علوم اجتماعی هستند. وقتی کتابی به انتشارات پیشنهاد می‌شود - که البته به دلیل شناخته شدن نام انتشارات سروش تعداد آن کم هم نیست - ابتدا واحد کتاب آن را بررسی می‌کنند زیرا که برخی از کتاب‌ها در همان وهله اول مشخص می‌شود که ارزش انتشار دارد یا خیر. آن کارهایی که ارزش بررسی بیشتر دارد در شورا مطرح می‌شود. در آن صورت

کتاب (۱)



فعالیت در کتاب هفته، آن هم از همان ابتدای کار که به شکل هفته‌نامه درآمد، باعث می‌شود که انسان در جریان بسیاری از مسائل و موضوعات مربوط به حوزه کتاب قرار

گیرد. نویسنده، مترجم، ناشر، موزع، مخاطب، مراکز فعال در این حوزه و... هر یک با مسائلی روبه‌رو هستند که کتاب هفته در تعریف خود، لازم بود به آنها بپردازد. طبیعی است در چنین شرایطی یک عضو تحریریه، اطلاعات فراوانی که کاملاً هم تخصصی هستند به دست آورد. یادداشت‌هایی که از این پس در این ستون خواهد آمد حاصل همین موقعیت است. یادداشت‌هایی که سعی خواهد داشت گفته‌های پراکنده فعالان عرصه کتاب را آنجا که ممکن است منظم و منسجم در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگر کتاب را کلاهی فرهنگی بدانیم، تولید آن فرایندی دارد که آغاز آن نویسنده است. به همین دلیل، سخن گفتن از کتاب را از پدیدآوردن اثر و مسائلی که با آن روبه‌روست شروع می‌کنیم.

نویسنده/حرفه‌ای نبودن

در ایران، نوشتن حرفه‌ای نیست و یا نویسندگی یک حرفه به حساب نمی‌آید. در این صورت، دست به قلم بردن نمی‌تواند منبع درآمد باشد و بنابراین نویسنده برای تأمین زندگی باید به فعالیت‌های دیگری که شغل او محسوب می‌شوند بپردازد تا به حداقل‌هایی برای امرار معاش دست یابد. عوارض این وضع کاملاً مشخص است؛ بخش اعظم دغدغه‌های نویسنده امور مربوط به شغل او می‌شود، شغل، زمان بسیاری از نویسنده می‌گیرد، نویسنده امکان افزایش تجربه را از دست می‌دهد و... این پدیده یک قاعده است و استثنایی که بر آن یافت می‌شود، نویسندگان پیشکسوتی هستند که نویسندگی منبع درآمدشان است، اما نباید فراموش کرد که این طیف سال‌های متممادی از راههایی به جز نوشتن، زندگی خود را تأمین کرده‌اند و صرفاً پس از سال‌ها و در دوران کهنسالی توانسته‌اند نوشتن را به یک حرفه برای خود تبدیل کنند.

نویسنده‌گی حتی در نگاه جامعه هم، غیر حرفه‌ای است، یعنی در جامعه ما مردم نویسنده را شخصیتی فرهنگی می‌بینند و سخن گفتن درباره «حق‌الزحمه» گفت‌وگو، یادداشت، مقاله و... نوعی بی‌حرمتی نسبت به نویسنده قلمداد می‌شود.

همه اینها در صورتی است که نویسنده سخت‌صبر بگویم - به پول نیازمند است تا بتواند نیازهای اولیه خود را تأمین کند. انگار همه چشم می‌بندند تا واقعیتی را که اثبات آن محتاج هیچ دلیلی نیست، نبینند.

وضعیت نشر کتاب‌های علوم اجتماعی در هفته گذشته

۶۴ عنوان کتاب در حوزه علوم اجتماعی به شمارگان ۱۷۴ هزار و ۵۰۰ جلد از تاریخ ۱۸ تا ۲۵ تیر منتشر شده است.

از میان این کتاب‌ها ۹ عنوان ترجمه و ۵۵ عنوان تألیف بوده است که سهم ناشران شهرستانی از این کتاب‌ها ۹ و ناشران تهرانی ۵۵ عنوان بوده است. همچنین در این هفته ۲۷ عنوان کتاب از میان کل کتاب‌های چاپ شده در حوزه علوم اجتماعی، چاپ اول بوده است.

یا اعضای شورا و یا کارشناسانی که توسط شورا معرفی می‌شوند دوباره کتاب را بررسی می‌کنند و در جلسه بعد کتاب در شورا به بحث گذاشته می‌شود و در صورت تأیید کتاب انتخاب شده و در چرخه انتشار قرار می‌گیرد. در این دو شورا چطور برنامه‌ریزی چاپ کتاب در سال صورت می‌گیرد و چگونه نیازسنجی می‌شود؟

تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی توسط همین اعضای شورا صورت می‌گیرد. ولی ما نیز دو دریچه ورود اطلاعات برای آگاهی از نیازهای جامعه داریم؛ یکی مراکز پژوهشی است که در آن نیازسنجی می‌کنند. ضمن اینکه در رشته علوم اجتماعی اساتیدی که در آن رشته‌ها تدریس می‌کنند، از مباحث روز اطلاع دارند. واحد کتاب نیز از طریق اینترنت اطلاعات تازه‌های کتاب جهان را به طور مرتب می‌گیرد. همچنین بعد از شرکت مادر نمایشگاه فرانکفورت، بلونیا و... ناشران خارجی بروشورهای خود را مرتب برای ما ارسال می‌کنند. به این ترتیب ما هم از تازه‌های جهان مطلع می‌شویم و هم از نیاز جامعه خبر خواهیم داشت.

آخرین کتاب‌هایی که انتشارات سروش در حوزه علوم اجتماعی زیر چاپ دارد کدام‌هاست؟

یکی از کتاب‌های ما کتاب دایرةالمعارف جامعه‌شناسی است که پیش از انقلاب توسط دکتر آشتیانی، امیرحسین آریابور و ابوالحسن صدیقی کارگرداوری آن آغاز شد ولی به دلایلی متوقف شد. امسال ما تصمیم گرفتیم که دوباره این طرح را اجرا کنیم ولی این کار تنها برعهده دکتر آشتیانی است که فکر می‌کنم برای سال آینده به بازار عرضه شود. از دیگر آثار ما «جامعه‌شناسی شناخت» است که آن نیز از آثار دکتر آشتیانی است.

کتاب‌های اقتدارگرایی از دکتر آشنا، تلویزیون در جهان از مسعود اوحدی، شیوه تحلیل پیام‌های رسانه‌ای از دکتر مهدخت بروجردی، قوه قاهره از دکتر محسن اسماعیلی و... از آثاری هستند که امسال به بازار عرضه خواهد شد.

دو کتاب خوب برای دانشجویان علوم ارتباطات

سروش به بازار عرضه شد. هر دو جزء کتاب‌های کلاسیک هستند که رابطه بین رسانه‌های جمعی و امور سیاسی را بیان می‌کنند. در کتاب «تلویزیون و گستره عمومی» پتر گالگرین به بررسی تئوری‌های مختلف مربوط دموکراسی و نقش رسانه‌های جمعی در ایجاد دموکراسی در نظریات هارماس و دیگر دانشمندان می‌پردازد. این کتاب با بررسی نقش و اثر تغییرات فنی به وجود آمده در عرصه پخش تلویزیونی، تأثیر ژانرهای برنامه‌سازی و بویژه تفریحی در زیربرنامه‌های خبری سیاسی در تلویزیون و رویکرد مخاطبان و میزان آگاهی آنان به فرآیندها و نهادهای سیاسی را مورد بحث قرار می‌دهد. در کتاب رسانه‌های جمعی و مدرنیته هم تامل‌سوز به بررسی نقش رسانه‌های جمعی در ایجاد جوامع مدرن از اختراع چاپ و روزنامه‌ها تا کتاب، به وجود آوردن جماعت‌های کتابخوان و تکنولوژی‌های جدید مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره و... می‌پردازد.

این دو کتاب و چند کتاب دیگر می‌تواند منبع خوبی برای مطالعه جنبی دانشجویان رشته ارتباطات بخصوص درس ارتباطات سیاسی باشد. ولی به دلیل نواقصی که در ترجمه این کتاب‌ها وجود دارد در کشور ما تاریخ استفاده طولانی ندارد. آگاهی دانشجویان از محتوای کتاب‌هایی که دارای سابقه زیادند کم است. در معادل‌گذاری‌ها ترجمه این کتاب‌ها مانع درک صحیح دانشجویان می‌شود.

مترجمان معمولاً معادلاتی که انتخاب می‌کنند سلیقه‌ای است و آنها به دلیل عدم آشنایی با ذهنیت مخاطبان، حتی اگر هم توان برگردان متن کتاب را داشته باشند توفیق چندانی در قابل فهم ساختن مطالب برای خوانندگان به دست نمی‌آورند.

مطالعه آن توسط دانشجویان مباحث مختلف با حضور استادان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که البته اولین دوره آن در سال تحصیلی آینده برگزار می‌شود پس از آگاهی از این مطلب از وی درباره آخرین کتابی که در حوزه ارتباطات مطالعه کرده سؤال کردیم که پاسخ آن را در ذیل می‌خوانید:

آخرین کتاب‌هایی که مطالعه کردم «رسانه‌ها و مدرنیته» و «تلویزیون و گستره عمومی» بود که هر دو، سال ۱۹۹۵ نگاشته شده است ولی در سال ۱۳۸۰ توسط انتشارات



آیا می‌توانید از amazon.com کتاب بخرید و در ایران تمویل بگیری؟

- انتقال سبکات متون و مقالات
- لایحه نگارش کتاب به زبان فارسی
- هفتاد و یک مرکز پژوهشی، استادان، دانشجویان

موسسه فرهنگی-تربیتی

www.kalibank@parital.com

۰۲۱-۸۸۳۳۶۹۹ - ۸۶۱۱۲۲۶ - ۸۸۳۳۶۹۹ تلفن

به بهانه دادها...

هر گاه که نام شهرستان به میان می آید، سیل آه و ناله و گلایه هم سرازیر می شود. اما تا کی با همین گلایه ها می توان سر کرد؟ تا کی سرگرم این مباحث پیش پا افتاده حاشیه ای باشیم؟

آیا مباحثی همچون بحران نسل جوان و فقر فرهنگی را می توان با همین گلایه و شکایت ها به سرانجامی رساند؟

از مسائل مهم و مهمی که در دهه گذشته تا به حال گریبانگیر جامعه ایران بوده، هجوم مردم شهرستان یا بهتر بگویم همان محبت پیچیده فرار مغزهاست که حالا در مقیاس کوچکترش گریبانگیر مردم شهرستان های ایران شده است. کوچ بی رویه به مرکز و چرا مرکز؟

یکی از دلایل اجتماعی اش کاربایی و ورود به فضای آشناتر با دنیای مدرن است، واژه ای که امروز برای هر تجددطلب با رویه ای بابی رویه ای به کار می رود. و آیا اگر زیرساخت های فرهنگی و سنت گذشته یک قوم در پرده ای از ابهام نمانده و بکر به دست نسل دیگری رسیده باشد، باز هم این واقعه نامحسوس اما هولناک رخ می داد؟

حالا اگر نسخه معدودی هم از دیرباز مانده باشد، امروز براحتی تن به چاپ و نشر می دهد. اما آیا تا به امروز کسی این دغدغه ها را داشته؟

قطعاً داشته و شاهدش محققان و پژوهشگرانی است که دست به گردآوری این خرده فرهنگ ها زده اند. با تمام رنج هایی که ناشر و مؤلف به جان می خردند تا این پروسه طاقت فرسا به سرانجامی برسد. با توجه به آمارهای به دست آمده تا سال ۱۳۸۰ از تعداد ۲۱۷۲ ناشر در کل کشور ۱۶۸۹ ناشر، حیطه فعالیتشان در مرکز است و تنها ۴۸۳ ناشر شهرستان های کشور حضور دارند هر گاه نام یا یاد از آنها می شود، خروارها خروار گله و شکایت و داد و فریاد...

فریادهای در سینه مانده مؤلف به ناشر و ناشر به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا هر سیستمی که باید پیرو سیاست های گام بردارد. یا بالعکس. در پایان دعوت از فرهنگسازانی که هر کدام گوشه ای از این خاک به کار کنند و سنگ فرهنگ را به سینه می زنند. حالا شاید مجالی برای گفت و شنید تمام عناصر سازنده این جریان- از مؤلف و ناشر گرفته تا مسوولان امر- باشد. پس این صفحه را اصلاً به همین بهانه باز کرده ایم، به بهانه دادها...

تحت پوشش عکاسان

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با آگذاری وام های کم بهره با بازپرداخت دراز مدت به ناشران شهرستانی، می تواند آنها را در راه اندازی چاپخانه های مدرن کمک کند.

عبدالرحیم محمودی مدیر انتشارات کردستان ضمن بیان این مطلب در مورد چگونگی تفویض امتیاز صدور مجوز نشر کتاب در ادارات کل استان ها گفت: از سال گذشته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به اداره کل استان ها اختیار صدور مجوز برای چاپ کتاب ها را داد که البته این تفویض اختیار فقط در مورد کتاب هایی است که به زبان محلی چاپ می شوند و نه همه کتاب ها که البته به عقیده من بهتر است این کار در خود وزارتخانه انجام شود. چون در ادارات کل تا حد زیادی با کارها

سلیقه ای و تعصبی برخورد می شود. وی در مورد چگونگی امکانات چاپ و نشر در استان کردستان گفت: ما در اینجا مشکلات زیادی در زمینه چاپ داریم، نه چاپخانه مدرنی هست، نه تعاونی و نه صحافی. کار صحافی کتاب در این استان هنوز به شیوه سنتی انجام می گیرد. متأسفانه ما برای چاپ کتاب هایمان به تهران مراجعه می کنیم. البته قبلاً کتاب هایمان را در قم چاپ می کردیم و همین مسأله هزینه هایمان را بالا می برد.

یادی از ما فراموش شده ها

گفت و گو با جلال خسروی - شاعر برازجانی



ببخشید، برای دومین بار است که این اصطلاح را به کار می برید. بیشتر از این فردیت تعمیم یافته بگویید؟ یعنی آن فردیت که در مورد هر مخاطبی صدق کند و در ضمن منجر به ایجاد چالش درونی بین اثر و خواننده اش شود.

آیا منظور از این چالش و ارتباط، همان حس همذات پنداری نیست؟ دقیقاً یعنی وقتی شما شعر من را می خوانید، شعر باید بخشی از تجربه شخصی شما در زندگی شود. باور کنید من با این شعرهای فردی نمی خواهم خودم را منزوی کنم. نیاز مخاطب امروز را در چه مباحث و مسائلی می بینید؟ صداقت، تنها صداقت و تنها صداقت.

آیا به رسالت شعر معتقدی؟ هر چه که بخواید از محیطی خارج از هستی شاعر، بر وجودش تأثیر بگذارد و یا حتی فرمان دهد... نه نه گریز منم.

اصلاً چرا شعر می گویید؟ به این خاطر که اگر شعر نگویم نمی توانم برای زندگی ام معنایی قائل شوم. خوب حالا کمی آه و ناله کن.

چه بگویم، در این شهر تنها یک کتابفروشی وجود دارد و دیگر اینکه پیش هر ناشری که می روی انگار ایستاده ای تا با بقال محل صحبت کنی. تنها صحبت از جنس خوب و پول خوب است و نه هیچگونه شعری، چه خوب، چه بد.

از همشهری هایت بگو. فضای شعر و شاعری و شاعران و دیگر انصاف در دشتستان بسیار جالب توجه است. گرایش های متفاوت شکلی و زبانی وجود دارد و اینها نشانه های خوبی است و قطعاً چهره هایی شاخص که نه تنها در این استان - بلکه در کل کشور- ظهور خواهند کرد.

و دیگر چه؟ چه عجب یادی از ما فراموش شده ها کردید.

من با حال و هوای مدرنیته به سمت فردیت تعمیم یافته ای حرکت می کنم

ببینید شاعرانی مثل لورکا با تأکید بر آداب و رسوم و فرهنگ های قومی خود توانستند آثاری برجسته در ادبیات دنیا خلق کنند، از نمونه های دیگرش می توان بورخس، مارکز، جویس و بسیاری دیگر...

ببینید امروزه جریانات عوض شده، مسائل جدیدی مطرح می شود. مثلاً همین دنیای پست مدرن. ما در شعر لورکا ایمازهای بسیار می بینم ولی حالا در دهه ۸۰ ... گمان نمی کنید اینگونه که شما نگاه می کنید، بیشتر باعث پس رفت می شود و نه پیشرفت؟! من با حال و هوای مدرنیته به سمت فردیت تعمیم یافته ای حرکت می کنم. منظور از حال و هوای مدرنیته برای من نگاههای تحلیلی، نگارشی قرن بیستم است. قرن مدرنیته. ببینید زندگی و شعر من در یک محیط فردی است. چه به لحاظ برخورد های اجتماعی و چه شرایط جغرافیایی من دیگر قادر نیستم به سوی طبیعت بروم.

پس این دنیای جادویی ساخته ذهن خود است و نه جغرافیای اطراف تا با آن همه پیشینه تاریخی - فرهنگی؟! من نمی دانم... اگر شما رد پای از این جغرافیا و تأثیرش را در شعر من دیده اید، بگویید و گرنه این جهان من است بدون هیچ تعلقی به این تاریخ و فرهنگی که شما می گویید.

بله، البته فردیت تعمیم یافته.

با محمد صدیقی، مدیر مسؤل نشر آصف (فرخ شهر) (استان کهگیلویه و بویراحمد)

همین تأخیرها...



بخش نشدم. تا امروز تمام این وعده ها از حرف و سخن فراتر نرفته. ما می خواهیم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جدی تر و موثکافانه تر این مسائل را پیگیری کند. کتاب هفته را چگونه می بینید؟

به نظرم کاری که در کتاب هفته انجام می شود معقول و مقبول است. اما ایرادی که بر آن وارد است این است که در برخی شماره ها گاهی از یک ناشر به صورت وسیع تبلیغ می شود و از ناشران دیگر اصلاً نام برده نمی شود.

از پروژه های جاری و آتی نشرتان بگویید. دیوان شعری داریم به نام ندیم الشعراء، «فرهنگیان

شاهد» که در ۳۶۰ صفحه چاپ می شود. «حکایت شمع» به روایت پروانه ها شامل مجموعه جملات شهدای استان در رابطه با حضرت امام است و تعریفی از ولایت و امامت را ارائه داده و در آخر کتاب چهل حدیث را در برنام کاریمان داریم.

است. ناشران این استان هنوز نتوانسته اند دور هم جمع شوند و به اتفاق نظری برسند تا اتحادیه تشکیل شود. ارتباطمان بیرون از استان بیشتر با استان اصفهان و قم است. از نهادهای دولتی کمکی به نشر شما می شود؟

از هیچ نهاد دولتی تا به حال به ما کمکی نشده است. اما در مورد کاغذ فقط یک بار از طریق بازرگانی استان توانستیم سهمیه مان را دریافت کنیم و مجبوریم کاغذ مصرفی مان را از بازار آزاد تهیه کنیم. باور کنید حمل و نقل کاغذ از تهران به اینجا واقعاً هزینه بر است. خوب، بیشتر از این مشکلات بگویید.

مشکل ما در اینجا عدم وجود چاپخانه مدرن و مجهز است که به طور حرفه ای کار چاپ را انجام دهد. نبودن صحاف و ویراستار حرفه ای و مهمترین مسأله، پخش و توزیع و فروش کتاب هاست.

مشکل دیگرمان اختصاص کاغذ به ناشران شهرستانی است. همیشه به دلیل اینکه ناشر شهرستانی مجوز چاپ کمتری دارد، سهمیه کاغذ کمتری نیز به او اختصاص می دهند، در صورتی که ما کتاب ۸۰۰ صفحه ای چاپ کرده ایم که تعداد بند کاغذ قابل توجهی لازم دارد. اما هیچ توجهی به این حجم ندارند.

آیا شما به مسوولان امر درخواستی داده یا پیگیری کرده اید؟ بله. در وزارت ارشاد بخشی هست با عنوان «وام اهل قلم» کلی به ناشران و نویسندگان عده و وعید دادند که وام به شما تعلق می گیرد اما بنده، هفت عنوان کتاب منتشر کردم و موفق به دریافت کوچکترین وامی از این

آمنه فرخی

از سابقه نشرتان بگویید و اینکه چه تعداد کتاب منتشر کرده اید؟

از سال ۱۳۷۵ در نشر آصف مشغول به کار شدیم و در حدود ۴۰ عنوان کتاب منتشر کرده ایم. چه تعداد از این کتاب ها با چرخه نشر در گردشند؟ مجموعه شعر «خورشید در آتش»، «علی الگوی جوان» تألیف احمد رضا بسینج به چاپ دوم رسیده است. دلیل اصلی آنکه به کار نشر پرداخته اید چه بود؟

من طلبه هستم و مشغول کارهای علمی و فرهنگی. چندین بار به ناشرهای متفاوت برای چاپ کتاب هایم مراجعه کردم، اما متأسفانه هر بار به هر دلیلی کار ما متوقف می ماند و همین تأخیرها در چاپ کتاب هایم باعث شد که خودمان دست به کار شویم و کار نشر را شروع کنیم.

شاخه تخصصی فعالیت شما چیست؟ به خاطر اینکه تحصیلات حوزوی داشته ام بیشتر کتب مذهبی را مورد توجه قرار دادم اما از کتاب های هنری بخصوص خوشنویسی هم استقبال می کنیم.

ارتباطتان با شرکت تعاونی ناشران چگونه است؟ متأسفانه در شهر کرد اتحادیه نداریم. بنابراین خودمان به طور مستقل تسهیلات وزارت ارشاد را می گیریم. در استان چهارمحال بختیاری با فقر فرهنگی مواجه هستیم. بعد فرهنگی در کار ناشران بسیار ضعیف

به چه دلیل در ذهنیت فرهنگی جامعه ما ویرایش امری حاشیه‌ای تلقی می‌شود؟

دلایل متعددی دارد که مهمترین آنها نداشتن شناخت نسبت به کار ویرایش است. یکی از مدیران یکی از مراکز فرهنگی-انتشاراتی عقیده‌ای دارد که ظاهر عقیده عده‌ای است. او معتقد است که ویراستار بسیار راحت است، کاری ندارد متن حاضر و آماده را به او می‌دهند و او روی آن کار می‌کند، اما زحمت اصلی را مؤلف یا مترجم کشیده، تا متن وجود نداشته باشد، ویراستار هم نیست. اگر این نظر را بپذیریم در مورد بسیاری از مشاغل و رشته‌ها باید همین گونه فکر کنیم؛ تا زبان نباشد، زبان شناس هم نیست؛ تا کالبد نباشد، کالبدشکاف هم نیست؛ تا بیمار نباشد، طبیب هم نیست؛ تا مجرم نباشد، دستگاه قضایی هم نیست و... این نظر به خودی خود نظر درستی است. اما نتیجه‌ای که از آن گرفته می‌شود و ارزشگذاری‌ها، نادرست است. این نتیجه‌ای که ویراستار و زبان شناس... اهمیت ندارد چون تابع وجود چیز دیگری هستند. همین نظر در مورد نقد ادبی هم وجود دارد، یعنی نقد را هم مثل ویرایش، «مصرف کننده» می‌دانند نه «تولیدکننده» و چون در مواردی ویرایش با نقد، هر دو مشترک دارد، دلایل حاشیه‌ای ماندن هر دو یا به حاشیه ماندن هر دو، به هم نزدیک است. این، سنت فکری عده‌ای است؛ فضل تقدم، حال اگر متن به وجود آمده، مهیج، دچار ضعف تألیف و تکرار و بیپوده گویی و درازگویی و اغلاط املائی و نشایی و تناقض و اشکالات دیگر باشد و ویراستار آن را به متنی منیع و پاکیزه و بسامان و روان تبدیل کند، از نظر «فضل تقدمیان» مهم نیست. ویرایش، فیلی است اندر تاریکی که هر کس بنا به تجربه محدود خود با بخش کوچکی از آن مواجه می‌شود در درباره کل آن نظر می‌دهد. متأسفانه فرهنگ نادرستی در مورد نظر دادن به وجود آمده و آن این است که در مورد چیزهایی که نمی‌دانیم نظر می‌دهیم. در مورد سیاست، اقتصاد، فیلم ندیده، کتاب نخوانده، آدم نشناخته، تأثیر چه بر چه و... (کافی است به گزارش‌های تلویزیونی نگاه کنیم)، ویرایش در عرصه نشر ایران حضور دارد.

پشت‌صحنه

گفت‌وگو با سیاره مهین فر، سرپرست بخش ویرایش بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ناشر دانشنامه جهان اسلام

تعریف ویرایش نیاز به خرد جمعی دارد



دارای سنت و تاریخچه شده، مراکز آموزشی دارد، درباره آن کتاب و مقاله نوشته یا ترجمه می‌شود، علاقه‌مند دارد، ولی همچنان ناشناخته است. حتی برای صاحبان نشر، اشخاص دورتر از این حوزه که جای خود دارند. بی‌تردید جهل نسبت به ویرایش، مثل هر جبهه دیگری، تبعات خودش را دارد.

در مورد ویرایش تصورات نادرستی وجود دارد. برخی کار ویراستار را دست کم می‌گیرند و مثلاً می‌گویند ویراستار، «قطه»، «انقطه» ویرگول و «هی باشد» را «است» می‌کند. باید دید منشأ این دست کم گرفتن چیست، یا مغرضانه و برای تحقیر است یا جاهلانه. کسانی هم گمان می‌کنند ویرایش فنی است که با هشت جلسه کلاس، یا سه ماه دوره دیدن، با شش ماه کار کردن می‌توان آن را آموخت. ساده انگاشتن این کار هم ناشی از ندانستن است. شناساندن این کار، بر عهده کسانی است که به طور حرفه‌ای به آن می‌پردازند، به آن علاقه دارند، رشد و پیشرفت در آن برایشان مهم است و درباره‌اش فکر و مطالعه می‌کنند. چه کارهایی باید صورت گیرد تا ویرایش از حالت حاشیه‌ای درآید؟

ویرایش باید به «جریان» تبدیل شود. باید در مورد آن از طریق تألیف و ترجمه و مصاحبه و برگزاری سمینار اطلاع‌رسانی شود، در صدا و سیما برنامه‌هایی (گفت‌وگو، میزگرد) ساخته شود، ویرایش باید نشانه تخصصی و اتحادیه داشته باشد.

از الگوهای غیر بومی که ممکن است مطابق با نیازها و مسائل و قابلیت‌های ما نباشند، استفاده کنیم. اگر چه می‌توان آن الگوها را به عنوان «تجربیات دیگران» معرفی کرد یا از آنها الهام گرفت، اما نباید. همچنان که برخی می‌پندارند پیروی نکردن از آنها را دلیلی بر عقب‌ماندگی دانست.

آیا تاکنون چارچوب و ساختار خاصی برای تعریف ویرایش و نیز تعیین حدود کار و وظایف ویراستار تدوین شده است؟

تعریف‌هایی شده اما هیچ کدام جامع و مانع و نیز مقبول همه اهل فن نیستند. از ساده‌ترین تعریف ویرایش در برخی واژه‌نامه‌ها تا تعریف‌های مفصل در مقالات و گفت‌وگوها و کتاب‌ها. هر کس بنا به تجربه کاری و شنیده‌ها و خواننده‌های خود، تعریف و ذهنیتی درباره ویرایش دارد. به نظرم تعریف ویرایش نیاز به خرد جمعی دارد و بنابراین، نهادی، اتحادیه‌ای، مرکزی باید باشد و در این‌ها برای مرکب و ویراستاران مجرب و خبره درباره این مطالب بحث و گفت‌وگو کنند. به تعریف و چارچوبی برسند و حدود کار و وظایف و مسؤلیت‌ها را تعیین کنند. شاید برای رسیدن به این نتیجه لازم باشد دهها جلسه تشکیل شود، همچنان که برای تهیه جزوه دستور خط فارسی، در فرهنگستان حدود ۶۰ جلسه با حضور دستورداران، ادیبان، زبان‌شناسان و ویراستاران تشکیل و سرانجام متن پیشنهادی تهیه شد و پس از انتشار متن مصوب احتمالاً از این تشتت آراء در مورد رسم الخط و نام‌های مختلف با هم‌نامی‌ها خواهد بود. اگر موضوع ویرایش و فواید و روش‌ها و انواع آن، توانایی‌های لازم برای این کار و وظایف و اختیارات و ویراستار دستمزد و رتبه و او معین شود و اگر آموزش دقیق و منظم در کار باشد و ویرایش‌چیان، جایگاه خود را پیدا می‌کنند. همه این معلوم نبودن‌هاست که بازار ویرایش‌های بد را رونق داده و هر کس می‌تواند ادعای ویراستار بودن بکند. هر کس می‌تواند بدخواه و ظلمانی را به ویراستار تحمیل یا اختیاراتی را از او سلب کند و هر غیر کارشناسی می‌تواند درباره ویرایش نظر کارشناسی بدهد.

اهالی کتاب

ابراهیم رزم‌آرا

کتاب و کتابخوانی



در هفته‌های اخیر، در خبرها بود که صدا و سیما برای کتاب و کتابخوانی دارد. انتشارات سروش یکی از پایگاه‌های فرهنگی صدا و سیماست که به طور مستقیم درگیر و دست‌اندر کار کتاب بوده و در این راه فعالیت‌هایی نیز از خود نشان داده است. اما اینکه خود صدا و سیما به عنوان رسانه‌ای عظیم در جامعه ما (با عنایت به مؤلفه رسانگی) تاکنون چه کارهایی در باب کتاب و کتابخوانی انجام داده یا می‌توانست انجام دهد، از جمله مواردی است که نگارنده، کوتاه و از دریچه «نقد» دیلاً به آن می‌پردازد. البته می‌توان در یک بحث ساختمان و با دقت و توجه در مؤلفه‌هایی چون آمار، پژوهش و نظر سنجی تحقیقات گسترده و جامعی ارائه داد، که مؤلف امیدوار است خبره‌ها و دست‌اندرکاران مربوطه به چنین کاری دست بیازند. در هر حال...

شاید به طور کلی و در سه بخش بتوان به عمده کارهای صدا و سیما درباره کتاب پرداخت و هر یک از بخش‌ها را با توجه به حوزه عملکرد آن بسط و گسترش داد:

الف) سرمایه‌گذاری در بخش نشر، چاپ و توزیع کتاب:

این بخش از آنجا که مستقیماً با چاپ و نشر در ارتباط بوده و صدا و سیما به عنوان یک ناشر دست‌اندرکار می‌باشد، از موارد مورد نظر در این مقال نیست، البته صرف حضور فعال انتشارات سروش در چاپ و توزیع کتاب، نباید مخاطبان و منتقدان این عرصه را از نقد نوع عملکرد و گزینش کتاب‌هایی که برای چاپ توسط این ناشر انتخاب می‌شود، غافل کند. از آنجا که انتشارات سروش یکی از مجموعه‌ها و نماینده‌های فرهنگی صدا و سیما به حساب می‌آید، نقد و مطالعه عملکرد آن می‌تواند راهگشای فاعل کار و نیز مخاطبان گردد که متأسفانه طی چند سال اخیر چندان حرکت قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است.

ب) ساخت برنامه‌هایی درباره کتاب:

در این بخش، مد نظر ساخت و ساز برنامه‌هایی است که «کتاب» به طور انحصاری کانون و مرکز ساختار آنها قرار می‌گیرد. اگر مدعی بنشینیم که صدا و سیما در این زمینه کاری نکرده است، باید ادعان داشت که اولاً حجم چنین برنامه‌هایی در مقایسه با بخش‌های دیگر بسیار محدود بوده و ثانیاً اگر کارهایی نیز در شبکه‌های مختلف صورت گرفته، کارهای چشمگیری نبوده و غالباً به معرفی کتابی یا گفت‌وگو با مؤلف یا مترجمی بسنده شده است. صدا و سیما می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق و تشکیل

مشتی از خروار است. ناگفته پیداست که جامعه کتابخوان و اهل کتاب در همه موارد زمینه‌ها، با درک حضور و موقعیت خود به عنوان جزئی از سازه‌های ساختار بزرگی به نام جامعه، درست عمل کرده و همواره خود را مسؤول کارهای خود خواهد دانست.

ج) حضور غیر مستقیم کتاب و کتابخوانی در حاشیه برنامه‌های دیگر. شاید بتوان مدعی بود که صدا و سیما گوشه چشمی به این بخش نداشته است.

علاوه بر برنامه‌هایی که مستقیماً کتاب را کانون توجه خود و مخاطب قرار می‌دهند، مواردی وجود دارد که به نظر می‌رسد می‌توان در حواشی برنامه‌ها و سریال‌های ساخته شده، کتاب و کتابخوانی را با تمهیدات خاصی مطرح کرد.

در این بخش نمی‌توان صرفاً صدا و سیما را مخاطب قرار داد. در حاشیه قرار گرفتن کتاب و نبود هیچ گونه توجه و ذهنیتی نسبت به جایگاه آن، بیشتر امری فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود. شاید ذکر مثال‌هایی موضوع در روشن تر کنند. در عموم مجموعه‌هایی که ساخته می‌شود، شخصیت‌ها در جریان زندگی روزمره خود کارهایی انجام می‌دهند که این کارها گاهی در ارتباط مستقیم با ساختار قصه سریال بوده و گاهی نیز بهانه‌هایی برای تداوم صحنه‌ها و گفت‌وگوها هستند. افراد خانواده‌ای در گرم‌گرم... غالباً. صرف ناهار یا شام با هم به گفت‌وگو می‌نشینند یا به گفت‌وگوی درونی شخصیت زنی- که غالباً در آشپزخانه ایفای نقش می‌کند- به هنگام پاک کردن سبزی یا زنده کردن کلم پرداخته می‌شود. بسیار کم دیده شده است که شخصیتی در مجموعه‌ای خارج از حوزه کاری یا تحصیلی خود مطالعه کند یا کتابی در دست گرفته باشد.

ای کاش هر از گاهی در کنار عناصر دیگر، کتابی یا کتابخانه‌ای در گوشه اتاقی در سریالی نمایان شود، حتی اگر توسط شخصیتی هرگز لای آن کشوده نشده یا کتابی از کتابخانه برداشته نشود.

علاوه بر چنین مواردی که مورد بالا شاید مثالی دم دستی به نظر آید، گفت‌وگوها و ادبیات حاکم بر غالب سریال‌های شبانه نیز خود موردی اساسی و مهم است که نگارنده از پرداختن به آن صرف نظر کرده و توجه خواننده را جلب می‌کند به سریال‌های درجه دو خارجی که با اندکی دقت می‌توان متوجه شد، چقدر در پرداخت دیالوگ‌ها دقت شده و گفت‌وگوها و شخصیت‌پردازی‌ها استریلیزه و ساختمان می‌باشد. مؤلف از گسترش این مورد و ذکر مثال‌های دیگر در موارد متعدد امتناع کرده و تنها قناعت می‌کند به اینکه: صدا و سیما به علت وسعت برد و تعدد مخاطبان از اقتضای مختلف، نقش عظیمی در پردازش ادبیات افراد جامعه به عهده داشته و یکی از وجوه و ابعادی که می‌تواند در آن از ایفای نقش خود، همواره بر خود بیابد، تعامل و گفت‌وگو با «کتاب» و «اهالی کتاب» است.

به دنبال یک آگهی

در یکی از روزنامه‌ها به آگهی جالبی برمی‌خورم: «قابل توجه نویسندگان، شاعران و مترجمان. کتاب شما را چاپ می‌کنیم، (حروفچینی، ویرایش، کسب مجوز، طراحی جلد، چاپ و صحافی) سازمان انتشارات.



برایم جالب است که نوع عملکرد و برنامه‌های این مؤسسه را بدانم. گوشی تلفن را برمی‌دارم و شماره این مؤسسه را می‌گیرم. صاحب مؤسسه شخصی است به نام صادقی. از او می‌پرسم: شما عملاً چه کاری انجام می‌دهید؟ نوع فعالیت شما چطور است؟ در جواب می‌گوید: ببینید، یک نویسنده جوان نمی‌داند مراحل چاپ یک کتاب چگونه است، فکر می‌کند به محض آنکه کتابی را تألیف یا ترجمه کرد، کار تمام است. واقعیت این است که گردش اطلاعات در ایران کم است. ما با چاپ این آگهی راهی را پیش پای مؤلفان جوان می‌گذاریم تا اگر کتابشان مورد تأیید ما بود، آن کتاب چاپ شود و اگر نبود ما مراحل چاپ کتاب را برایش انجام می‌دهیم و کتابی را با هزینه خودش چاپ می‌کنیم.

نمی‌دانم در برابر این جواب باید چه عکس‌العملی داشته باشم؟ مؤسسه‌ای تشکیل شده است و در واقع ناشر است، آگهی در مطبوعات چاپ می‌کند، اما فقط کتاب‌هایی خاص را (با دید خودش) چاپ می‌کند و مابقی آثار را با هزینه مؤلف چاپ می‌کند و در واقع فقط خدماتی را به مؤلفان و مترجمان ارائه می‌کند.

از این دسته مؤسسات و آگهی‌ها کم نیست. اما مسأله بر سر این است که آیا به معنای دقیق کلمه، عملکرد این مؤسسات مثبت و یاری‌رسان است یا نه؟!

نگارنده این متن در این یادداشت قصد ندارد که جوابی را به شما ارائه دهد (چون نمی‌تواند)، اما در این یادداشت فقط خواسته است وجود این گونه ناشران و چاپ این گونه آگهی‌ها را یادآور شود و ذهن مخاطب را در روی این سؤال قرار دهد: حضور این مؤسسات چقدر لازم است؟ عملاً چه کاری را در امر نشر کتاب انجام می‌دهند؟ و این آگهی‌ها چند نفر را امیدوار می‌کند؟! ...

حضور جوان‌ها چشمگیر است

شکل‌های جدیدتر در قالب اشعار نیما و اخوان و شاملو و سپهری، در واقع می‌توان گفت شعری جوان و مستعد، زیر سایه بزرگان توانسته‌اند آن طور که باید جایی میان مردم باز کنند.

فکر می‌کنید ادبیات داستانی در دهه هفتاد تحولی داشت؟ در زمینه حضور نویسندگان جوان، با رشد چشمگیری روبرو بودیم. اما به غیر از عده کمی از آنها، از نظر کیفی ضعف‌های زیادی در آثارشان به چشم می‌خورد که طبیعتاً از کمبود تجربه هایشان است. اگر از شما بخواهند سه رمان نویس خوب معرفی کنید، چه کسانی هستند؟

ابتدا باید از «سیمین دانشور» نام برد که با رمان «سوشون» تحولی در داستان‌نویسی ایران به وجود آورد و من در دوران تحصیل، مجذوب شیوه نگارش ایشان شدم و بعد از آقایان «دولت‌آبادی» و «احمد محمود» یاد نام برد.

هنگام خواندن یک اثر داستانی به چه چیزهایی در آن متن توجه می‌کنید؟

به شخصیت‌های قصه، زمان وقوع، پیوستگی وقایع، طرز نگارش، بازی با کلمات، جذابیت داستان و پرهیز از تکرار و اینکه منظور از نوشتن فقط پرکردن صفحات و سودجویی نباشد.

چه آثار جدیدی در دست چاپ دارید؟ در حال حاضر مشغول نوشتن بیستمین اثرم هستم که هنوز نامی برای آن انتخاب نکرده‌ام.



● رهنما: مردم در هر زمان شعر را با لطافت‌ها و ظرایف شعری می‌پسندند

نمی‌بینم که از چارچوب‌ها و قالب‌ها برای خودم قفسی بسازم!

چرا مخاطبان رمان از شعر بیشتر است؟ بستگی به شعر دارد. هنوز دیوان حافظ و گلستان سعدی پر مخاطب و پرفروش است و کمتر خانه‌ای را می‌توان یافت که یک دیوان حافظ در آن نباشد. مردم در هر زمان شعر را با لطافت‌ها و ظرایف شعری می‌پسندند. همچون اشعار کلاسیک حافظ، مولانا و در

فریده رهنما تاکنون ۱۹ رمان چاپ کرده است و بیستمین رمانش را در دست چاپ دارد. او از سال ۱۳۷۷ انتشارات فروغ قلم را تأسیس کرده است و به قول خودش: «حالا آثارم را خودم چاپ می‌کنم»، با او آگهی زدیم درباره رمان‌نویسی و نگاهش به ادبیات امروز.

فعالیت ادبی را چطور شروع کردید و در چه زمینه‌هایی فعالیت دارید؟

من در زمینه نوشتن رمان فعالیت می‌کنم و اولین اثرم را در سال ۱۳۴۰ در زمان اقامت در کشور اتریش نوشتم و پس از بازگشت به ایران موقع تحصیل در دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، به تشویق پدرم و استادام آقای دکتر سجادی، آن را به چاپ رساندم و سپس به چاپ سایر آثارم پرداختم که هجدهمین آن رمانی است با عنوان «یک بار دیگر با احساس». در سال ۸۰ نوزدهمین رمانم «نواهی از دل» نام دارد که در اردیبهشت ماه امسال منتشر شد. در سال ۷۷ مجوز تأسیس نشر «فروغ قلم» را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گرفتم و نوشته‌هایم را شخصاً چاپ کردم! چطور یک رمان می‌نویسید؟

پس از طرح اولیه قصه، به شکل دادن شخصیت‌ها، دیالوگ‌ها و اتفاقات داستان، اقدام می‌کنم، اما چارچوبی که برای شروع تا پایان هر کدام از داستان‌هایم در نظر می‌گیرم، گاه در حین نوشتن از مسیر قبلی خارج می‌شود و به شکل دیگری ادامه می‌یابد و دلیلی

آسیب‌رسان و جدی!

اگر فرصتی بود، به‌امام معمولاً هنگام حروفچینی یک اثر مضمون اثر را می‌شناسیم و به طور کلی چیزهایی از آن در ذهنمان می‌ماند.

مشکلات کار شما؟

کار تایپ و حروفچینی مشکلات خاص خودش را دارد، به چشم بسیار آسیب می‌رسد و شماره عینک نویسنده‌ها آثارشان را باید خط تحویل می‌دهند و کار ما اضافه‌تر و مشکل‌تر می‌شود. انگشت‌ها آسیب می‌بیند و معمولاً درد دست را همراه خود پدید می‌کنیم، باید به خودمان فشار بیاوریم تا کار را به موقع تحویل دهیم، معمولاً بیشتر از ۸ ساعت کار می‌کنیم و گاهی کار تا خانه هم دنبلمان می‌آید!...

طور که گفتیم مدتی جای مشغول بودم تا اینکه به واسطه دوستی به نشر هرمس آمده و مشغول به کار شدم.

آخرین کتابی که حروفچینی کردید چه بود؟

کتاب زیبایی است با نام «مسح در ابولوی متوقف ماند» اثر کارل لوی با ترجمه محمدحسین رضوان کبابی. پیش آمده که کتابی را خیلی دوست داشته باشید و آن را شما حروفچینی کرده باشید؟

بله. زیاد اتفاق افتاده، برای نمونه همین کتابی که ذکر کردم، قبل از چاپ آن را مطالعه کرده بودم. یک کتاب برای حروفچینی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ از نظر ما یک کتاب باید مرتب باشد، خط نویسنده حداقل قابل خواندن باشد و خوب ویرایش شده باشد. کتاب‌هایی را که حروفچینی می‌کنید بعد از چاپ می‌خوانید؟

فاطمه جعفری متولد ۱۳۲۵ است. مدت دو سال است که به کار حروفچینی در نشر هرمس مشغول است. با او آگهی زدیم درباره کارش و مشکلاتی که در کارش وجود دارد. شنیدیم درد دل یک حروفچین که در واقع از عوامل مؤثر تولید کتاب است و شاید کمتر کسی کار آنها را و زحمت آنها را درک کند.

چند وقت است حروفچینی می‌کنید؟

دو سال. البته قبلاً هم حروفچینی می‌کردم اما نه در کار نشر و کتاب. اما مدت دو سال است که در نشر هرمس مشغول کار حروفچینی کتاب هستم.

چطور شد شغل حروفچینی را انتخاب کردید؟ تا حدودی به این کار علاقه داشتم. مدتی طول کشید تا کار با کامپیوتر و حروفچینی را یاد گرفتم، همان

فرهنگ نشر و نقد

یادداشتی پیرامون نشر و نقد کتاب

کارهایی، باید انصاف داشته باشند و بازار نشر را فقط از این آثار پر نکنند و خردک جایی بگذارند برای آثار داستانی خوب (نو) -حالا به اصل مطلب برسیم:

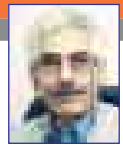
دوست جوانی که سال گذشته مجموعه داستانی منتشر کرده است و الحق چند داستان خوب در مجموعه‌اش داشته، گلاهی می‌کرد که دوستان مطبوعاتی و منتقدان ادبی (اگر داشته باشیم!) هیچ نقد و اشاره‌ای در مورد کتابش نکرده‌اند.

به او گفتم، از توطئه سکوت چیزی می‌داند و از سابقه مطول این خصلت نکو هیبه خبر دارد؛ وقتی دریافتیم نویسنده جوان، از این توطئه نویسنده خوار و نویسنده گش، اطلاع کاملی ندارد، به او یادآور شدیم: سه کتاب «مول»، «دریا هنوز آرام است» و «بهبودگی» نویسنده خوب معاصر احمد محمود، منتشر شده بودند، اما پانیتخت نشینان، نقد و نظری درباره کتاب‌ها، ابراز

حکایت نشر و نقد ادبیات معاصر، مخصوصاً ادبیات داستانی و شعر، حکایتی تازه نیست، اما از هر منظر که بدان التفات کنی، تازه

می‌نماید. از این دیدگاه، به قصه عشق می‌ماند که بعضی طرح‌ها را ضروری می‌دانند و برخی بی‌حیایی و گروهی این، گروهی آن پسندند و البته پسند این و آن، معادله کهنه را بر هم نمی‌زند. هنوز ناشر برای آثار نو داستانی و شعر ندرانیم! و هنوز چاپ پاورقی‌های گذشته به صورت رمان، سبق می‌برد از کارهای جدی در حوزه داستان. در آغاز این یادداشت‌ها، به چند نکته اشاره کنم تا جای گله و شکایتی نماند. ۱- همه جای دنیا مرسوم است که وقت اشاره به یک مطلب درباره چاپ و نشر، شاهد مثالی را ذکر می‌کنند، یعنی هم نام کتاب را می‌آورند هم نام نویسنده را، لکن در این خطه، نام آوردن، دشمن تراشی است، چرا؟! باید از غوره نشندگان موز شده پرسید و آثانی که روابط عمومی و تبلیغاتشان، بسی جذاب تر است از اثر داستانی و شعرشان! اگر نام‌ها را به تیغ خودسانسوری داده‌ام، به این دلیل است.

۲- پیش از هر مطلب، اشاره کنم به این موضوع که چاپ و انتشار رمان‌های عامه‌پسند را بد نمی‌دانم، ولی ما با آنها کاری نیست و نه بدشان را می‌گوییم، نه خوششان را. (اما فکر می‌کنم ناشران چنین



نداشتند. یعنی به قول خود احمد محمود، هر سه کتاب، با توطئه سکوت رویارو شدند.

حرف در این نیست که چرا به نقد کار فلان خانم و آقانشسته‌اند و شربت و شیرینی میل فرموده‌اند و سخن‌ها رانده‌اند. بحث در این است که چرا برای تمام کتاب‌های داستانی مثلاً - که ارزشی تقریباً همسان و هم اندازه دارند - چنین نمی‌کنند؟ ادبیات حزبی، هیچ وقت مالی نبوده، امروز چرا به این ادبیات باسه‌امی ای پروبال می‌دهیم؟ زمانی که «بریا» و «استالین» در شیپور حزب می‌دمیدند و برای نویسندگان مجیزگویشان به به و چه چه می‌گفتند، شیفتگان ادبیات راستین، «مرشد» و مارگریتا را رونویسی می‌کردند و چه بسا برای خود، زندان می‌خریدند. باری این درست نیست که چون فلان نویسنده از گروه و دسته ماست، یا به گروه و دسته ما لطف و نظر دارد، نام و کتابش را در بوق تبلیغاتی خود کنیم و فلان قصه‌نویس را بایکوت نامیم، چون به عملکرد ما و حزب ما مثلاً ایراد و انتقاد دارد! اصول بی‌نظری را بیاموزیم و کتاب خوب را به نقد بنشینیم، نقد، نه ستایش مطلق، نه دشنام زنگارنگ. داستان و شعر، حوصله حزب و گروه را سر می‌برد چرا که بسیار فراتر از گروه و حزب می‌پرد تا بر انسان‌ها، تمام انسان‌ها، سایه بیندازد.

برای روخوانی از شناسنامه‌های مشخص همیشه فرصتی پیدا خواهد شد. برای اینکه از این تکرار گریخته باشیم لطفاً از ذوقی شاعرانه و شناسنامه شمری تان برپیمان بگویید.

خوب، برایتان می‌گویم که از سال ۶۸ به صورت جدی کار شعر را دنبال گرفتیم. در همین سال ۶۸ و سال بعد که طبیعتاً سال ۶۹ خواهد بود، در سال‌های سوم و چهارم دبیرستان، دو سال پایانی، نغز اول شعر دبیرستان‌های ایران شدم. یادش بخیر، پس از این تاریخ در مشهد ضمن فعالیت مطبوعاتی در روزنامه‌های توس، قدس، خراسان و هفته‌نامه خواران که سردبیر آن بودم؛ چندین جلسه به قول بعضی‌ها تأثیر گذار و به تعبیر امروزی‌ها «اوبردی» را در حیطه شعر و نقد آن در «خاوران» و «توس» مشهود دایر کردیم که حدیث مفصل آن دامنه صحت و سقم تأثیرات آن بمآند برای نقل در «حدیث دیگران».

در همان سال‌های اواخر دهه شصت و ابتدای دهه هفتاد یک سری مقاله تحلیلی درباره غزل معاصر تحت عنوان «... تا جمهوری غزل» در صفحه «شبنو از نی» روزنامه اطلاعات که دبیری آن را شاعر توانای روزگارمان علیرضا قزوه «حفظه‌الله» عهده دار بود، چاپ کردم که متن گسترش یافته و ویراسته شده آن پس از یک دهه، هم‌اکنون آماده انتشار است با عنوان «تا جمهوری غزل».

در روزنامه‌های جمهوری اسلامی، کیهان و همان

نگره

هدی حدادی

بدون اکسیژن با گردن بلندها

۱- پشت در ماندن، یک پدیده دوچانه است. از طرفی عصبانی کننده و گه گاه توهم آمیز و از طرفی شادی آور، از اینکه این همه جماعت مشتاق وجود دارند. چراکه وجود داشتن مهم ترین چیز است. مراسم بزرگداشت یکصدمین سالگرد تولد صادق هدایت در شرایطی برگزار شد که بنیان آن پس از کلی این در و آن در زدن برای یافتن مکانی مناسب، سرانجام با فرهنگسرای ارسباران به توافق رسیدند و قرار و مدار گذاشتند. فرهنگسرا چند روز مانده به مراسم از برگزاری جلسه عذر خواست و جلسه به روزی بعد در مکانی دیگر موکول شد. یعنی گالری سامی.

۲- داخل سالن کوچک گالری دیگر جایی باقی نمانده، هوا بندت گرم است و کمبود اکسیژن تنفس را سخت کرده است. گردن‌ها کشیده می‌شوند، به چپ و راست می‌روند و فقط ردیف اولی‌ها هستند که می‌توانند چهره سخنران‌ها را ببینند. صورت‌های مشتاق دیگر افراد به رویه رو نگاه می‌کنند که اغلب چشم اندازی از ستون‌های سالن یا گردن‌های افراشته جلویی‌هاست. جای شکرش باقی است که صدرا را می‌توان شنید.

۳- در گوشه‌ای از گالری پوستر عجیبی می‌بینی که اگر ندانی اینجا چه مراسمی برگزار می‌شود، حتماً فکر می‌کنی داری وارد یک نمایشگاه از کمیک استریپ‌های دهه هفتاد می‌شوی و وارد حیاط که شدنی انبوهی از آن پوستر و پوسترهای دیگر را مشاهده می‌کنی که در معرض فروش قرار گرفته‌اند و مجبور می‌شوی در همین سطر یک علامت سؤال؟ به یادگار بگذاری.

۴- برگزاری این مراسم و اجرای متون هدایت، چه در قالب نمایش یا خوانش و یا در قالب فیلم یا انیمیشن و به گمانم در هر قالب هنری دیگر، علاوه بر بیان قابلیت و قدرت متون هدایت و چند وجهی بودن آثار وی و علاوه بر درگیر کردن بیننده یا شنونده با مفاهیم متعدد آن، نوعی آشتی و هم‌سویی را بین چند نوع هنر برقرار کرد.

چراکه معمولاً در هر زمینه هنری میل به تک تازی و بستن درها به روی دیگر هنرها، عدم آگاهی از اتفاقات هنری دیگر نزد هنرمندان هر رشته خاص مثلاً همین پوستر علامت سؤال دار یا از این دست، بسیار مرسوم است و این جلسه شروعی بود برای کنار هم و به موازات هم حرکت کردن چند رشته هنری به مرکزیت صادق هدایت که می‌تواند زمینه‌ساز حرکتی تازه در جوامع هنری ما باشد.

محمد رضانی فرخانی سراینده منظومه «این پسرهای کتانی»

این پسرهای کتانی



روزنامه اطلاعات یک سری نقد کتاب و مصاحبه پراکنده نیز در همان سال‌های ۶۹، ۷۰ انجام داد. اما. حالا باین شروع خوب، اوضاع چاپ و نشر و فضای شاعرانه را نه اینکه بخواهیم فضات کنیم بلکه برای روشن سازی برخی نقاط تاریک، از فرازها و فرودها، از غنیمت‌ها و کاستی‌ها بگویید.

بگذارید پاسختان را با تیری کوتاه آغاز کنم: در عصر رسانه‌ها و فراگیری بی‌چون و چرای آنان در ذهن و زبان بشری در درداشت شخصی من جای قابل ملاحظه و محل امکان خوش آب و هوایی برای شاعر «خلوت‌گرین» و مفرد از جمع عملاً وجود ندارد. از این تیر کوتاه که بگذریم ما هنرمندان و شاعران ناچار از وارد شدن به فضای بازار عرضه و تقاضای محصول و کالای خود هستیم. از این بازار هیچ گزیری نیست. اگر قرار بر ماندن است باید وارد رقابت شد. هر رقابتی که عملاً جایی در میان کهن الگوهای کلاسیک ذهن ما در مقوله آفرینش اثری هنری نداشته است. شاید تا پیش از این هنر مندا تنها به بالا بردن کیفیت آثار خود می‌انداخته‌اند اما امروز پیش از هر چیز او باید اثرش را معطوف مقله‌ای نماید که هیچ نسبتی با خلق اثر هنری و جلوه‌های زیباشناختی آن ندارد و لذا ما هنرمندان امروز پیش از آنکه در پی بازسازی و صیقل دادن «شخصیت هنری» خود باشیم ناچار از تبلیغ و ارائه فرایگر و چه بسا تکراری و خسته‌کننده «تپ هنر» و فیکور مخاطب پسندانه‌ای هستیم. خوب در این میان اوضاع از چه قرار است. چه کسی، چه نهادی مسوول ارزیابی کهنی آثار هنری می‌تواند باشد؟ روند شعر معاصر ایران علی‌رغم آنکه روند چندان بالقوه‌ای به نظر نمی‌رسد با این وجود محل بروز آثار فراوانی از جانب شاعران جوان بوده است. در این زمینه نظر شما چیست، آیا این

خود یک قدم به پیش نیست؟ ببینید من مطمئن هستم که شما و بسیاری از دوستان دیگر این وادی بر این نکته بدهی که هم‌اکنون به صورت یک ضرب‌المثل یا دست کم یک قرار داد ناگفته به رسمیت شناخته شده است اذعان دارید و آن این است: «مهم نیست که شما چه چیزی را ارائه می‌کنید، شما فقط باید چیزی را ارائه کنید».

می‌بینید. دیگر صحبت از چسبیتی‌های می‌مورد است و محلی از اعراب ندارد. در بازار عرضه و تقاضای ادبیات امروز شما به محض این که چیزی ارائه کنید، یعنی فقط مصدر «ارائه کردن» خلق شده باشد کارتان به انجام رسیده است. حال این که این «ارائه» شامل چه دستاورد باشکوه، بی‌شکوه و یاضد شکوهی است دیگر ابهام نیست. لذا تمام دعوای همین دهه هشتاد نیز سر برآورده است.

اما همین تعبیرهای «گل و گشادی» و «بی‌در و پیکری» تا یک زمانی هنجار به شمار می‌آمدند امروز که بنده در خدمت حضرت عالی مشغول گفت و گو هستم چه بسا با احتمالی قریب به یقین خود به هنجار تبدیل شده‌اند.

با اشاره به این نکته که بسیاری دوستان صاحب‌زاتر، جنابعالی را در غزل زمانی که توانایی‌های متنصر به فردی به شمار می‌آورند آیا ممکن است توضیح دهید چرا قالب شعر سپید و روایت متور را در ساختار مجموعه «این پسرهای کتانی» به خدمت گرفته‌اید؟

اگر بپذیریم که شعر اتفاقی است شگفت‌انگیز و گرانبها که در زبان رخ می‌دهد که البته من بر این باور هستم، آنگاه و به‌طور طبیعی باید معتقد به این نظریه نیز بود که ترجمه شعر به زبانی دیگر عملی محال است. از همین روست که بنده بدون کمترین فروتنی و یا شکسته‌نفسی جاهلانه مدعی سرودن شعرهایی ناب و یاختی نسبتاً ناب فارسی در دفتر «این



نوقلم

پسرهای کتانی» نیستم. چراکه اصولاً من در یک سالی که صرف خلق این «منظومه دیرهنگام» کردم بیش از هر چیز تلاش کردم تا از ظرفیت‌های فنی زبان عزیز فارسی در سرودن سطرهای این دفتر کمترین بهره را ببرم.

حضور برخی از نام‌ها در این منظومه مخاطب را غافلگیر می‌کند، برای کسی که با منظومه‌ای درباره فلسطین رو به روست مواجه شدن با نام شخصیت‌هایی چون برتولت برشت، کریس دروگه، پابلو رود، یانین ریتسوس و رضا پراهنی که از آثارشان در متن بهره گرفته‌اید قدری غیر منتظره است. آیا صرفاً قصد آشنایی‌زدایی و منحصر کردن مخاطب را داشته‌اید؟

هم بله و هم خیر! بله از آن جهت که احساس می‌کردم مضمونی که قصد پروراندن آن را دارم و در نگاه اول سوژه‌ای دم دست به نظر می‌رسد، چقدر قابلیت اعتنا دارد و چه اندازه بسیط و در خود پذیرنده است. می‌خواستم که همراه مخاطبم از چهار گوشه دنیا شاهدانی را برای هم قدمی و مشایعت واژه‌هایم به همراه داشته باشم.

واژ سویی دیگران من تباین و عدم تجانس میان آنچه که می‌خواستم در حدود سوژه‌های فلسطین بدان نایل شوم و کلام و حدیث نفس درده‌هایی چون ریتسوس، برشت، نرودا و دیگران نمی‌بینم.

از «این پسرهای کتانی» بیشتر بگویید. «این پسرهای کتانی» در همین قد و قواره‌ای که هست نخستین دفتر مستقل یک شاعر ایرانی است که موضوع فلسطین را دست‌مایه آفرینش خود قرار داده است. راستی تا یادم نرفته این را هم بگویم که پس از تشکر از مساعدت قابل تقدیر فرهنگسرای هنر در انتشار متن پارسی این دفتر من همین الان که دارم با شما گفت و گو می‌کنم پیگیر ناشری با سرمایه‌گذار قابل‌هیست که متن اصلی و ترجمه توأم آن را به زبانی‌های «عربی» و «انگلیسی» و به سوژه‌ای آبرومندانه به بازار کتاب در داخل و خارج ارائه نماید.

از نسل خودمان

نگاهی به مجموعه شعر فیه‌البده، سروده علی عبدالرضایی

کم جانتر از گذشته

مسافر کشی، صفحه ۸۱ و صفحه ۸۲

برای نویسنده این متن جای سؤال است که شاعری مانند عبدالرضایی که چند سال پیش برگ برنده‌های مانند «پاریس در نو» و «این گربه عزیز» را سرود و بیرون داد و حتی اخیراً مجموعه شعر خوب و موفق با نام «جامعه» منتشر کرده چطور می‌شود که دست به چاپ مجموعه شعر برزند که نه تنها به زیبایی و قدرت مجموعه شعرهای قبلیش نیست، بلکه تمام شعرهای کتاب از آثار قبلی کم جان‌تر هستند و بیشتر شعرهای این مجموعه از نداشتن حرف و مفهوم خوب و نورنج می‌برند. نویسنده این متن، لازم می‌داند یادآوری کند که این دیدگاه انتقادی، فقط روی این مجموعه شعر عبدالرضایی است، و همان‌طور که اشاره شد آثار قبلی او و اخیراً مجموعه شعر جدیدش با نام «جامعه» جایگاه ویژه خود را دارند.

عبدالرضایی دغدغه زبان دارد، او حتی اگر هیچ حرف خاصی هم نداشته باشد که در شعرش بگوید، برایش اهمیت چندانی ندارد. او سعی می‌کند با تکه پاره کردن نظام ظاهر زبان، به زبانی جدید و اجرایی جدید دست پیدا کند. (که البته گاهی موفق هم می‌شود)، اما او گاهی به جای درگیری با زبان و نوآوری، دست به زبان بازی می‌زند، یعنی کلمات یک جمله را پس و پیش می‌کند و یا کلمه و جمله‌ای را غلط می‌نویسد و اینجاست که یک بازی ساده و دم‌دستی شروع می‌شود: اگر از بیزیرد یا رفته باشد جایی بیرون متن/من همه جا/از تو.../فا R سی/دال دیگری بگردد/از دال/رستم بخرد/شاهنامه بنویسد تا.../مردی که در می‌برد/در... اگر در نیابند و یا در مانده باشد جایی بیرون/در که در برود/در در کلمات/دردهای دیگر در باز/من باز.../کردم. (قسمتی از شعر در، صفحه ۵۹)

این شاعر در شعرش جملات و احساساتی را می‌آورد که ذهن خواننده را مغلوب می‌کند و با خود همسان‌لگد به بخت شما زد/بوم از غنای سطر او/سعی می‌کند با تکه پاره کردن نظام ظاهر زبان، بازی ناختم/بوم در همه رایک جاره/هر که جاکا که می‌خواستم/شور و شری/شعری به پاکتم/سیلی به ذوق عمومی زدم/نترسیدم/و هر که را بغل کرده/م/اول کرده/اند آن طرف دنیا/گفتند این چه سرنوشتی ست/که در پائوتخت شهرهای نیست/گفتیم: می‌نویسم/هر که هرچه رایک کرده/ام/و پاک می‌کنم/هر چه رای که می‌نویسم/گفتند: بخندید/که شک به خلق خدا کردیم/بخندید. (سیلی به ذوق عمومی، صفحه ۳۶ و ۳۷)

در دو کتاب پیشین عبدالرضایی و بعضی از شعرهای همین مجموعه، تحول و جسارت در زبان دیده می‌شود، او روی بسیاری از هم‌نسلانش و حتی شاعران نسل قبل از خودش تأثیر گذاشته است و این تأثیر به خاطر زبان و پیشنهادهایی برای اجزای تازه بوده است. به هر حال عبدالرضایی شاعر نیست با چهره‌های متفاوت و پیچیده، پیچیدگی و شتاب‌زدگی که در کلمه پیاده می‌شود، کلماتی درهم و ورها...!

امامزاده طاهر کرج پنجشنبه یک کتاب بود. حضور انسان بود برابر انسان با قصد ادای احترام. زمزمه شعر بود و سرود مرثیه بود. اشک بود و تبسم بود. شاملو بود که گرد خود مجموع کرده بود.



کوچک و بزرگ را از پیر و جوان. احمد شاملو بی آنکه باشد بود و هست با شعرهایش که همیشه و همواره می سرود، با داستان ها و رمان هایی که به کلام ما آورد، با کوچکی های کتاب هایش که هنوز راهند و در راهند. با ظهور و بی حضورش. شاملو کار بود و کتاب بود و هست.

مشتی نور سرد نقد شد

مجموعه «مشتی نور سرد» با حضور دکتر ضیاء موحد، مشیت علایی و عنایت سمیعی تقد و بررسی شد. در این نشست که از سوی کانون ادبیات امروز برگزار شده بود برخی از شاعران حاضر در جلسه تازه ترین سروده هایشان را قرائت کردند. این نشست در فرهنگسرای بانو برگزار شد.

پنجمین نشست هفته داستان خوانی

و نقد داستان برگزار شد

پنجمین نشست هفته «داستان خوانی و نقد داستان» در فرهنگسرای بانو برگزار شد. در این نشست ابتدا اصغر تقی زاده در باب «داستان کوتاه» مباحثی را به اجمال و اختصار بیان کرد. تقی زاده در بخشی از سخنانش گفت: «مروزه داستان کوتاه از فرم و فضای خاصی بهره مند است. در داستان کوتاه دروز، ما شاهد آغاز، میانه و پایان هستیم. اما داستان کوتاه امروز پایبند این ویژگی نیست.» او همچنین از سعدی به عنوان یک داستان نویس مسلط در روزگار گذشته یاد کرد و پاره ای از ابیات بوستان شیخ اجل را قرائت کرد. در ادامه این نشست ملیحه صوری داستان کوتاهی با نام «زمانی برای بودن» برای حضاران خواند و سپس حسن فرهنگی و محمدرضا خوردزی به نقد و بررسی این داستان کوتاه پرداختند.

داستان کوتاه ایران

در چهار گوشه جهان

داستان کوتاه «شیر» اثر هوشنگ مرادی کرمانی، در کنار «داستان هایی از چهار گوشه جهان» قرار گرفت. به گزارش خبر نگار ما، کتاب «داستان هایی از چهار گوشه جهان» که توسط مؤسسه جهانی کتاب برای نسل جوان (I.B.B.Y) به زبان انگلیسی و در هند منتشر شده است. در این کتاب، که داستان هایی از ۱۹ کشور جهان از جمله فرانسه، هند، ژاپن، هلند، کانادا و... در آن گردآوری شده است، داستان ایرانی «شیر» با تصویرگری بهزاد غریب پور و با ترجمه تیمور روحی در آن به چاپ رسیده است. این داستان، توسط هوشنگ رهنما و اشعار امیلی شده و برای این مؤسسه ارسال شده است.

نقد و بررسی سه مجموعه شعر در

نشست کتاب ماه ادبیات

مجموعه شعرهای دوزبان گل های رنج اثر بودرل با ترجمه خسرو سارایار، جزیره ای در ماه اثر ویلیام بلیک ترجمه دکتر هوشنگ رهنما و اشعار امیلی دیکسون ترجمه سعید پور در نشست هفتگی کتاب ماه ادبیات و فلسفه نقد و بررسی شد. در این نشست دکتر ضیاء موحد درباره «ترجمه پذیری» سخنرانی کرد.

مشاهیر ادب معاصر ، یک پژوهش مستند

گفت و گو با علی میر انصاری

به غیر از سازمان مرکز اسناد و خانواده ها، دیگر چه منابعی برای تهیه مطالبان داشتید؟
مراکز علمی که هنوز پابرجاست و ادیبان در آن مراکز سابقه حضور دارند نیز دیگر منابع من برای تهیه اسناد بود. از دانشگاه تهران گرفته تا وزارت پست و تلگراف به تمام این مراکز مراجعه کردم و یاصل پرونده های پرسنلی و یا کپی آنها را تهیه کردم. مثلاً برای پژوهش بختیاری با زحمت زیاد در آرشیو وزارت پست و تلگراف گشتم و مقدار زیادی اسناد و مدارک ارزشمند را پیدا کردم و یا در دانشگاه ادبیات از تمامی پرونده های پرسنلی ادیبانی که آنجا بودند از بهار گرفته تا رشید یاسمی و بدیع الزمان فروزانفر کپی تهیه کردم.

ماخذ چهارمی هم داشتیم که شعبه های سازمان اسناد در شهرهای مختلف ایران بود. برای کاروری اسناد زندگی میرزاده عشقی باید به اصفهان می رفتم، چرا که مدتی او شهردار اصفهان بوده است. جز اینها ماخذ دیگر من برای تحقیق، مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز اسناد ریاست



علی میرانصاری: از خانواده

هیچ ادیبی سندی را نخریدم

تنها پسر نیما یوشیج گفت دیپلم

پدرم رامی دهم یک پیکان

به من بدهید

جمهوری، مرکز اسناد تاریخ معاصر ایران و مرکز اسناد ریاست وزارت امور خارجه بود.

می توان گفت که غیر از مراجعه به خانواده های ادیبان نحوه ارتباط گیری و تهیه اسناد از ماخذ دیگری که نام بردید یکسان بوده است، یعنی با طی کردن مرحله های اداری به اسناد دسترسی پیدا می کردید. چیزی که اینجا مهم است آن است که نحوه برخورد خانواده های شاعران و نویسندگان با درخواست شما چگونه بود؟ آیا با مشکل خاصی روبه رو نبودید؟ آنها چگونه شما را می پذیرفتند؟

می خواهم بگویم من در برقراری ارتباط با خانواده های ادیبان خیلی خوش شانس بودم و نمی دانم چرا با اولین برخورد آنها به من اعتماد می کردند. ضمن اینکه این راهم باید بگویم که اکثر خانواده هایی که من آنها ارتباط برقرار کردم، معمولاً از درخواست من مطلع بودند چرا که فی البداهه به سراغشان نمی رفتم و عموماً آشنایی واسط ما بود. برای برقراری ارتباط با خانواده ملک الشعری بهار، معرف من دکتر شرف الدین خراسانی بود که ایشان از دوستان نزدیک خانواده بهار بودند. دکتر شرف گفتند که من از دوستان ایشان هستم و کارم را معرفی کردند. در مورد خانواده احمد بهمنیار هم همین طور یا مثلاً درباره امیری فیروزکوهی باید بگویم که دخترشان استاد من بود و احتیاجی به

معرفی نداشتم. همین طور هم در ارتباط با جمالزاده کار پیش رفت؟ نه. درباره جمالزاده کار نوع دیگری شد. تحقیق من مصادف شد با مرگ جمالزاده. او هشت یا نه سال پیش از مرگش وصیت کرده بود که هر وقت که مرده اسناد و دستنوشته های مرا به مرکز اسناد ملی ایران بدهید. در واقع جلد دوم کار من منتشر شده بود که جمالزاده مرحوم شد. اینجا هم من خوش شانس آوردم و مقدار زیادی دستنوشته که بیش از بیست هزار برگ بود و چندین و چند این مرکز منتقل شد و چندین ماه روی آن مجموعه مطالعه کردم و اسناد را دستچین کردم که حاصلش می شود جلد چهارم این مجموعه. این راهم باید بگویم که آنچه در کتاب جمالزاده آمده است فقط اسنادی نیست که از سویس آمده است، اسنادی است که از مرکز اسناد ریاست جمهوری و یا آرشیو سازمان اسناد ملی ایران تهیه شده است.

با خانواده جمالزاده هم در ارتباط بودید؟

نه. از خانواده اش یک برادرزاده هست که سن بالایی دارد و نیازی نبود که با او در ارتباط باشم. اسناد کافی بود.

آیا مجبور شدید در حین کار و جمع آوری اسناد مدرک یا سندی را از خانواده شاعر یا نویسنده ای بخرید؟ نه. اصلاً این کار را زشت می دانستم... چرا، اگر واقعاً دلیل منطقی یا نیاز اقتصادی داشته باشند که بد نیست.

ما باید دیدمان نسبت به سند درست بشود. سند

یک سرمایه ملی است و اختصاص به هیچ کس و شخص خاصی ندارد. سند باید در جایی قرار بگیرد که آنجا وابسته به ملت ایران باشد مثل سازمان اسناد

ملی ایران. سندهایی که خانواده بهار اهدا کردند، آنقدر ارزشمند است که نمی توان برای آن قیمت تعیین کرد. ولی آنها بی هیچ چشمداشتی آنها را هدیه کردند اما بودند خانواده ای که بعد از آنکه اسناد را دیدم و خواستم انتخاب کنم، بحث فروش را پیش کشیدند و با آنها حتی صحبت هم نکردم. اگر خانواده ای محتاج باشند، حتی دو یا سه برابر قیمت، سازمان اسناد حاضر است پولش را بدهد ولی

خانواده ای که نیازی به پول ندارد نباید این را مطرح کند. خانم حکمت دختر علی اصغر حکمت تمام

سند های پدرش را هدیه کرد و رفت. تمام فرامین از دوره شاه عباس هم در این اسناد هست. او می توانست با فروش آنها پول خوبی به دست بیاورد

اما این کار را نکرد. با خانواده بهار، بهمنیار یا امیری فیروزکوهی. اینجا دارد بویژه از سیروس طاهباز یاد کنم. او تمام یادداشت های نیما یوشیج را به ما داد، در حالی که پسر نیما یوشیج می گفت: من یک

دیپلم نیما را می دهم، یک پیکان به من بدهید و ما این کار را نکرديم.

آیا در انتخاب اسناد ملاحظات سیاسی یا تاریخی را در نظر می گرفتید؟

نه جز در مواردی که به زندگی کاملاً خصوصی ادیبان برمی گشت، جایی ملاحظه خاصی نکردم، ضمن اینکه معتمد وقتی یک سند

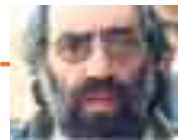
منتشر می شود، آنها هم روشن بشود؟ شما اسناد و مدارک زیادی در اختیار داشتید. آیا پس از ارتباطی که با خانواده های شاعران و نویسندگان داشتید، می توانید بگویید که بعد از مطالعه و بررسی زندگی این ادیبان به تعریف یا جمله ای خاص رسیدید که شامل حال همه کسانی باشد که راجع به آنها تحقیق داشته اید یا خیر؟

بله. اما ترجیح می دهم این جمله نزد خودم باقی بماند.

اینکه دیگر مختصات ادبیات امروزی تصویری بودند است؟

اتفاقاً فکر می‌کنم ادبیات، ادبیات است و سینما، سینماست. حالا اگر ادبیاتی مثل سینما نگاشته شود به نظر من غلط است اما آن چیزی که در زمان «جسد‌های شیشه‌ای» تصویر کشیده‌اند و به اصطلاح تصویری بودند به معنای اش خیلی کمک کرده، آن شکل نگاه کردن من است، یعنی حافظه بینایی‌ام خیلی بهتر از حافظه‌های دیگر کار می‌کند. من هنوز می‌توانم حاده‌ای که در سری سال پیش را دیده‌ام خیلی دقیق ترسیم کنم. حتی رنگ‌ها و قیافه‌ها را...

ظاهر شما به صادق هدایت و کافکا خیلی علاقمند هستید. پریشانی در این زمان هدایت و کافکا را به خاطر می‌آورد؟
بله همین طور است. خیلی خوب نگاه کردید. البته پریشانی در این کتاب را سهم هر روشنفکری می‌دانم. یعنی فکر می‌کنم شما با این سن جوانان آن پریشانی را با خود خواهید داشت. یعنی در انتظار توست. اصولاً این پریشانی بخشی از کثرت است. چرا کار دیگری انتخاب نکردی؟ چرا این ضبط صوت را همراهت می‌آوری و در این روزهای گرم تابستانی با سختی وقت مصاحبه می‌گذاری و درباره فلان زمان یا فیلم صحبت می‌کنی؟ پس این بخشی از آن پریشانی است که در تو وجود دارد. این پریشانی من و شما از یک جنبشند. اما اگر این پریشانی را از نگاه جامعه‌شناسانه نگاه کنید به شما می‌گویند «جنون» می‌گویند به جنون نزدیک می‌شوی. سرنوشت محتومی که برای همه آدمها در این کتاب وجود دارد، جنون بسیار شیرینی در



فکر می‌کردم اتفاقاتی در درونم

می‌افتد که باید آنها را بنویسم.

در همان شب نخست حدود سی، چهل

صفحه نوشتم. در صورتی که

نمی‌دانستم در قصه

چه اتفاقی می‌افتد

آن نرفته است در حالی که در انتهای زندگی اشان دیگر هیچ چیزی جواب نمی‌دهد ولی زندگی عمری و کمی اشان را ادامه می‌دهند و با این پریشانی حرکت می‌کنند.

پرسشم را به گونه‌ای دیگر مطرح می‌کنم. روشنفکران دهه سی و چهل چگونه بر شما تأثیر گذاشته‌اند که پریشانی کتاب را سهم هر یک از آنها می‌دانید؟

ما همه بر هم تأثیر می‌گذاشتیم. یعنی پس از جریان مصلدق و کودتای ۲۸ مرداد و همه چیز به سمت آزادی می‌رفت برای اینکه پلیس سیاسی می‌آمد و سرکوب‌ها شروع شده بود حالا پس از سرکوب اعتراض‌هایی را به همراه داشت و بعد روشنفکران از جای جای این شهر برخاستند و در یک جا جمع شدند، نخست در یک کافه ارزان و بعد یک کافه یک کم‌گران‌تر و بعد فرسماً فلان سفارتخانه و بعد یواش یواش یک محفل تشکیل دادند و بعد تبدیل شد به کلوب‌های روشنفکری. در آن سال‌های سرکوبگری هنرمندان در حیطه ادبیات، شعر، ترجمه، موسیقی و بعد سینما که سال ۱۳۴۶ شروع شد، فعالیت کردند و معترض بودند. در این جریان‌ها سیاسی بیشتر هنرمندان حضور داشتند. ساواک هر که را می‌گرفت تاج هنرمندان بر سرش داشت و سایه‌ای از هنر را با خود همراه داشت. اصلاً در جریان روشنفکری در آن سال‌ها همه بر هم تأثیر می‌گذاشتند.

آشنایی کینیایی شما هم اعتقاد دارید که یکی از اصول روشنفکری اعتراض است؟

بله. بخش مهمی از آن به دلیل جغرافیا و تاریخ ما در جهان سوم اعتراض است سرگشتگی که برای یافتن دموکراسی وجود دارد و اینکه تا کجایش دروغ است و تا کجایش راست. به همین دلیل این جامعه پراز التهاب است و قطعاً ملت‌ها به این جامعه است در هنر به شکل اعتراض متجلی می‌شود.

و به همین دلیل شخصیت کاوه را ترسیم کردید؟
بله. کاوه اصلاً بخش اعتراض تکامل یافته‌های

دیگر است. یعنی اعتراض کاوه ناشی از فشارهایی است که در جامعه وارد شده است. او خیلی با نسل گذشته خود فرق دارد. مثلاً با طاهر، علیخان، سروش و...

در ابتدای کتاب، جمشید ارجمند در تحلیل خود آورده است که این کتاب در هیچ یک از سبک‌های ادبی قرار نمی‌گیرد. خودتان با این قضیه چقدر موافق هستید؟
این یک تعریف است که به هر جهت در این کتاب وجود دارد. برای اینکه نه تاریخ نگاری می‌کند و نه وقایع نگاری. این یک نگاه به آدم‌ها و نگاه کلی به شهرنشینی است. نویسنده سوار بر قطاری است که هر سر بالایی و سراسیمه‌ی را می‌بیند و البته در حال حرکت است، می‌آید تا این سوی انقلاب و سعی می‌کند همه جا را ببیند و جایی را از قلم نیندازد و سعی می‌کند یک مقدار جامع‌الاطراف‌تر حرکت کند.

تا آنجایی که با شما آشنایی دارم، می‌دانم که به داستان‌های کوتاه علاقمند هستید حتی فیلم غزل را بر اساس داستان کوتاه خورخه لوئیس بورخس ساخته‌اید. با این حال چطور توانستید که یک زمان دو جلدی بنویسید؟

ابتدای سخنم گفتم که من از ابتدا نمی‌دانستم حجمش چقدر است و پیش از آن به فالش فکر نکرده بودم. این کتاب همچون سیلی، من و ذهنیاتم را با خود برد.

شما در طول روز چند ساعت مطالعه می‌کنید؟
این متغیر است ولی شبی صد صفحه کتاب می‌خوانم و این تبدیل به عادت شده است و بعدش هم یک ساعت می‌نویسم، چه فیلم‌نویس، چه شعر، چه داستان. به هر جهت هر شب باید بنویسم و بخوانم، از آنچه که تاکنون منتشر شده ۲۰۰۳۰ درصد خوانده‌ام!

چند سالی این عادت را پیدا کرده‌اید؟
از زمانی که پشت خرازی‌ها می‌نوشتم، زمان کرایه‌ای یک ریال! از آن موقع کتاب‌هایی مثلاً «هرکول پویروت» به چاپ می‌رسید که به زبان فرانسوی می‌شود «هرکول پوآرو» و بعد کتاب‌های ژان کریستف، منتها آن موقع ترجمه‌های خوب از زبان فرانسه مثل به آذین چاپ نشده بود.

ولی هدایت از زبان فرانسه کتاب‌های خوبی را ترجمه می‌کرد؟
بله. ولی در کتاب‌های کرایه‌ای اینها نبود! یعنی بیشتر کتاب‌های درجه دوم بود!

فکر می‌کنید بیشتر کتاب خوانده‌اید یا فیلم دیده‌اید؟
(می‌خندد) واقعاً نمی‌دانم. ولی فکر می‌کنم کتاب خوانده‌ام.

فکر می‌کنم در مورد سایر هنرها هم چنین عطشی دارید.
من هیچ کلام را از هم جدا نمی‌دانم. هنر مندرم همچون پرندهای است که بالاخره بر روی یک شاخه‌ای می‌نشینند. ولی مهم پرند بودن است. به نظر من پرند بودن هم در این است که شاعر باشد. یعنی آن پرند اول شاعر می‌شود و بعد روی شاخه‌های دیگر مثل نقاشی، سینما و موسیقی می‌نشیند. تا شاعر نباشد هنر مندر نیستید.

شاعر بودن یعنی چه؟
یعنی اینکه فقط نباید با واژگان شعر نوشت. شما کافی است که جهان را شاعرانه ببینید. برای شاعر شدن هم کافیست مثل عوام نگاه کنید.

آثار نویسندگان جوان را می‌خوانید؟ نظرتان راجع به آنها چیست؟
بله. نویسندگان خوبی در میان آنها وجود دارد مثل رضا قاسمی. منتها گاهی اوقات موج عجیب و غریب گرایری را می‌بینم و یا شعر بی‌معنی. در واقع زندگی خصوصی نویسنده تبدیل به عینیت می‌شود. در حالی که این مدرنیته نیست. مدرنیته یک چیز تازعی نیست. در واقع ما نگاه می‌کنیم و بعد آن نگاه تبدیل به یک جریان تازه می‌شود و بعد می‌توانیم بگوییم آن نگاه مدرن است. چگونه به کتاب دسترسی پیدا می‌کنید؟

به کتابفروشی‌ها سر می‌زنم و کتاب می‌خرم. مشتری پروپا قرص ۵.۶ کتابفروشی هستم و اصلاً آنجا حساب دارم.
جدیدترین کتابی که خوانده‌اید چیست؟
اتاق ۴۲.

پژوهش نو در تاریخ صفویه

سیدابوالحسن مختاباد a_najva@yahoo.com

پژوهشی نو در تاریخ صفویه

ویکرید به تاریخ دوران صفوی و شناخت دقیق تر آن در دهه اخیر و بخصوص پس از رخداد دوم خرداد، روندی رو به تازید به خود گرفته است. این کنجکاوی اگر چه در سطح نخبگان، پیش از این هم وجود داشت، اما به دلیل آنکه خاستگاه تشیع در وضعیت کنونی اش را بسیاری متأثر از فعل و انفعالات سیاسی - اجتماعی دوران صفویه می‌دانند، لذا همین شباهت نوعی همذات پنداری را در میان عموم علاقمندان به تاریخ دامن زده است تا با کنجکاوی افرونتری در صدد پاسخ به پرسش‌های خود برآیند. در این زمینه البته دکتر منوچهر پارسادوست از منظر تاریخی یک‌یک دوران‌ها و پادشاهان این دوره را مورد بررسی قرار داده است. (تاکون شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب اول در دو جلد نسبتاً قطور از سوی شرکت سهامی انتشار منتشر شده است). نشر مرکز نیز در چند سال گذشته دو کتاب مهم از راجر سیوری صفی‌شناس نامی غرب را ترجمه کرده و در اختیار اهل فرهنگ قرار داده است، همچنان که کتاب معتبر و قابل اعتنای «روضه‌الانوار عباسی» نیز در همین ایام و ابتدا (حدود سال‌های ۱۳۷۷) از سوی دفتر نشر میراث مکتوب و بتازگی از سوی بوستان کتاب قم به بازار کتاب عرضه شد تا یکی از منابع معتبر اندیشه سیاسی - حکومتی این دوران در اختیار اهل فن قرار گیرد. آخرین و تازه‌ترین تحقیقات در این زمینه دو کتاب «دبایچه‌ای بر انحطاط سیاسی در ایران» اثر دکتر جواد طباطبایی از نشر نگاه معاصر و کتاب «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی» اثر دکتر منصور صفت گل استاد تاریخ دانشگاه تهران است.

درباره کتاب دکتر طباطبایی نوشته‌ای کوتاه در شماره‌های گذشته نوشتیم اما درباره کتاب دکتر صفت گل که از سوی انتشارات رسا در هیئت پاکیزه و با شیرازه‌بندی محکم و جلدی زیبا انتشار یافته در این نوشته اشاره خواهیم کرد. کتاب دکتر صفت گل را باید یکی از شاخص‌ترین آثار دهه گذشته در تجزیه و تحلیل حکومت و روابط دین با آن در دوران صفویه به شمار آورد. به همین جهت وقتی این اثر یکی - دو سال قبل به عنوان پژوهش فرهنگی سال برگزیده شد، بسیاری در این انتخاب تردیدی روا نداشتند، چرا که مؤلف برای این اثر دست به تحقیق گسترده و وسیع زده و تقریباً کمتر منبع داخلی و خارجی (حتی نسخه‌های خطی دوران صفویه) را می‌توان اسم برد که از نگاه وی پنهان مانده باشد.

نویسنده در مقدمه کتاب اشاره می‌کند: «روید تبدیل رهبران صوفی طریقت صفوی به پادشاهان ایران هنوز مورد بررسی دقیق و جدی و همه‌سویه قرار نگرفته است» و سپس می‌نویسد: «این بررسی در پی آن است که روشن سازد در سال‌های فرمانروایی صفویان ساختار سیاسی چگونه بود و چه پیوندهایی با ساختار دینی داشت؟ ساختار دینی در شکل نهاده‌ی شده آن چه کارکردهایی داشت و این کارکردها در ارزیابی عمومی چگونه دسته‌بندی می‌شوند؟ درونمایه اندیشه نهاد دینی چه بود؟ گرایش‌های فکری اصلی این دوران چه بودند و هر یک از آنان چه تأثیر اجتماعی و سیاسی داشتند؟ ویژگی‌های اساسی ساختار نهاد دینی در حوزه آموزش، تعمیم تجربیات نهاد دینی و تکاپوهای اقتدار در آن چگونه بودند؟ نهاد دینی چه ساختار اقتصادی داشت و این ساختار چه تأثیری بر تکاپوهای آن می‌گذاشت؟ مهمترین دستاوردهای علمی آن چه بودند؟ آیا نهاد دینی در ایجاد یک وجه مؤلفه برای شاهنشاهی صفویان موفق بود؟ ساختار گروه‌های کوچک دینی چگونه بود؟ نهاد دینی با گروه‌های کوچک چه رفتاری داشت؟ و...»

برای نگارش این کتاب علاوه بر اسناد و مدارک آرشیوی داخل کشور، نویسنده از کتابخانه‌های کشورهای انگلستان و فرانسه نیز بهره برده است؛ نسخه‌های خطی فارسی و عربی در کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه‌های مهم انگلیس که در آن نیز نسخه‌های خطی فراوان و کیمایی از دست‌نوشته‌های نویسندگان عصر صفوی وجود دارد و نیز کتابخانه‌ای در اسکانلند که برخی نسخه‌های خطی معتبر عصر صفوی در آن وجود دارد، از جمله فعالیت‌های کتابخانه‌ای نویسنده برای غنی ساختن منابع کتاب و استوار کردن پژوهش بوده است.

فهرست راهنمای شرح جامع مثنوی

کتاب مثنوی مولانا به تعبیر اکثر کارشناسان و اهل فن، شاخص‌ترین اثر حکمی، اخلاقی، عرفانی و حتی فلسفی در تاریخ ادبیات ایران و حتی جهان به شمار می‌رود. مولانا در این اثر و در قالب حکایت‌هایی جزئی و حتی پیش پا افتاده، برخی از پیچیده‌ترین مفاهیم اخلاقی، عرفانی و حکمی را نتیجه‌گیری کرده است و همین طرافت طبع بوده که جایگاه این شاعر و فقیه ایرانی را پس از گذشت هفت قرن همچنان بر تارک فکر و فرهنگ جای داده است. این سال‌ها نیز آفتاب مولانا تنها در مشرق که در مغرب نیز سر برآورده و علاقه‌مندی و دل‌بستگی به آثار و نوشته‌های وی بخصوص مثنوی، روند رو به رشد و حیرت‌انگیزی گرفته است.

در ایران نیز از سال‌ها قبل توجه به مولانا حضور و بروز داشته، اما در چند سال اخیر این روند، رشد حیرت‌انگیزی پیدا کرده است. یک علت این استقبال را باید در شرح‌های متعددی جست‌وجو کرد که در این ایام از سوی مولوی شناسان و شارحان مثنوی انتشار یافته است. از جمله این شرح‌ها، شرح کریم زمانی است که به نام شرح جامع مثنوی معنوی معروف شده است. این شرح تاکنون ۸ بار تجدید چاپ شده است که با توجه به قیمت و حجم صفحات آن (چیزی حدود ۷ هزار صفحه) باید آن را در زمره یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های دهه هفتاد قرار داد. ویژگی اصلی کتاب جناب زمانی ساده، روان و همه‌فهم وی در شرح و معانی ابیات است، به نحوی که هیچ نکته‌ای در اشعار مثنوی نیست که درباره آن رمز گشایی و معانی‌نماید باشد.

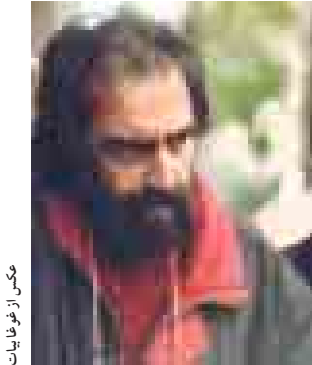
به تعبیر صریح‌تر، آقای زمانی توانستند مثنوی را برای کودک چهارده ساله نیز فهمیدنی کنند و همین امر سبب توفیق این شرح طولانی شده است. البته تبعات زمانی در مثنوی در همین حد متوقف نمانده و شنیدیم که شرح موضوعی وی از مثنوی (که شاید در نوع خود نخستین کار در این مکتب و شکل روی مثنوی باشد) زودی از سوی نشر نی در دو مجلد به بازار عرضه خواهد شد. اما پس از آنکه کتاب ۶ جلدی «شرح جامع مثنوی» به چاپ‌های متعدد رسید، ضرورت تدوین اثری مستقل که در آن فهرست راهنمای کل ۶ جلد وجود داشته باشد، حس می‌شد. این فهرست اکنون و پس از ۱۰ سال از چاپ اول شرح جامع از سوی آقای زمانی تدوین شده است. در این فهرست که متأسفانه مقدمه‌ای برای توضیح به خواننده در استفاده از فهرست ندارد (میدورام آقای زمانی در چاپ دوم این مقدمه را که در آن فلسفه وجودی فهرست راهنما و نیز چگونگی استفاده خواننده آمده باشد، بیابرد) آیات قرآن کریم، احادیث و روایات، دعاها و جملات دعایی، گفتار بزرگان و مشایخ صوفیه و مفسران و راویان، ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی، اشعار فارسی و عربی، لغات و تعبیرات، نام کتاب‌ها و... و فهرست تفصیلی عنوان‌ها، حکایت‌ها و تمثیل‌های مثنوی در ۵۲۴ صفحه آمده است. این کتاب را انتشارات روزنامه اطلاعات منتشر کرده است.

گفت و گو با مسعود کیمیایی، فیلمساز و نویسنده رمان جسدهای شیشه‌ای

نوشتن؛ جویباری که رود شد

وارد خانه‌اش که شدم، تابلوهای «حسین کاظمی» و «آیدین آغداشلو» چشم‌ها را نوازش می‌دادند. در یک سوی اتاق پیاپی بود که خودش و پسرش می‌نوازند و در سوی دیگر مجسمه‌های برنزی که در میان آنها سردیس هنرمند جلوه‌گر است. در برشی کوتاه از تاریخ هنر معاصر ایران حضور داشتند و در کنار هنرمندی که بخشی مهم از تاریخ

این هنرمند کسی نیست جز مسعود کیمیایی که دیالوگ‌های فیلم‌هایش یادآور روزگار سپری شده نسل‌های متفاوتی است. نگارنده جمله «دل‌م می‌خواست یک روز درست و حسابی کلکم کنده شود» در فیلم گوزن‌ها مدتی رمان دو جلدی «جسدهای شیشه‌ای»‌اش در کتابفروشی‌ها توجه‌ها را به خود جلب کرده است. «کیمیایی» تلو‌اسه‌ها، عاشقانه‌ها، انتظارات و دنیای درون خود را در این کتاب بر کاغذ آورد...



فرانک آرنا

ورودم به سینما. انتخاب کلمات، آهنگین بودن آنها و ارتباطی که می‌توان با آنها برقرار کرد، برایم مهم بود و اینکه چطور چندواژه پشت سر هم یک طبقه را نمایندگی می‌کند. البته در فیلم نخستیم «ایگانه بیا» موفق نبودم. ولی در دومین فیلمم «قیصر» روی جغرافیا دارد و هم تاریخ مشخص و اتفاقاً زبان گوشه‌ای از تهران است. اتفاقاً در همان دوره فیلم «قیصر» زبان افراد در پیاده‌روهای خیابان باگفت‌وگوهای فیلم بسیار متفاوت بود و حتی زبان بالای شهر تهران با پایین شهر آن فرق می‌کرد. در آن زمان بلندترین ساختمان شهر ده طبقه بود و زایشی و جوششی توجه دارم که می‌جوشد و خودش خودشان تداخل تفکر و تفکر آوردند و کار کردن روی اینها برایم خیلی اهمیت داشت. البته «فریدیناند دوسوسورای هم به زبان نگاه نمی‌کنم. بیشتر به زبان زایشی و جوششی توجه دارم که می‌جوشد و خودش ساخته می‌شود و فکر می‌کنم در مواقع بسیار حساسی ساخته می‌شوند. الان اگر توجه کنید حتی زبان صاحبان نمایشگاه ماشین هم فرق کرده است. چرا که آنها مدتی در خارج بوده و حالا اصطلاح جدیدی راه کار می‌برند. مثلاً به جای اینکه بگویند ماشین امتیازات خاصی دارد از معادل انگلیسی آن استفاده می‌کنند. حتی زبان دانشجویان امروز در داخل دانشگاه و در داخل خیابان کمی متفاوت شده است. البته باز هم به دنبال دال و مدلول و دلالت در زبان نیستم.

آقای کیمیایی! شما همیشه به نقد اجتماعی معتقد بودید و هستید. فکر می‌کنید نکات نقدانه در کتاب ناشی از همین نگرش شما است؟

به هر جهت در آن هست و نمی‌تواند از هم دور باشد. وقتی یک تفکری در هم در یک جا به جوشش در می‌آید نمی‌تواند خودش را از هم جدا کند. ما الان در شرایط سخت و بحرانی به سر می‌بریم و من نمی‌دانم این بحران چقدر می‌تواند با خودش سعادت بیاورد. من گاهی اوقات با سپرم پولاد بازی فوتبال را می‌بینم. من فوتبال را نمی‌شناسم ولی می‌بینم که وقتی دو بازیکن به هم نمی‌رسند، پیراهن هم را می‌کشند. ما الان پر شدیم از این که پیراهن‌های هم را بکشیم. ما الان در نقد و خصوصاً در نقد اجتماعی خیلی کمبود داریم، نکته‌ای که به هنرهای اجتماعی و رئالیسم می‌کنیم بحث بسیار مهمی است. هر چند که در مصاحبه شما حد نمی‌دهد ولی به نقد رئالیسم خیلی معتقد هستم و هنوز که هنوز است معتقدم تا نقد اجتماعی نداشته باشیم نمی‌توانیم هیچ نقد دیگری داشته باشیم، چون هنر نمی‌تواند از جامعه جدا باشد.

یعنی این نقد و انتقاد را در حیطه وظایف هنرمندان داریم؟

بله. اصلاً یکی از خصوصیه‌های خوب هنرمند این است که آرام و ساکت قضاوت کند. من سینماگر اگر می‌بینم که یک شاعر تازه که با یک تفکر تازه می‌آید چرا وحشت می‌کنم که این را تأیید کنم. من اگر می‌بینم که فلان فیلم خیلی خوب توسط یک جوان ساخته شده است پس چرا باید این آوا را در خویش بند کنم؟ ولی متأسفانه نقدها به حیطه‌های زندگی خصوصی افراد و شایعه نزدیک شده است و بحران شایعه اثرات تخریب‌کننده‌ای دارد.

واژگان به کار برده شده در کتاب پراحتی تصاویری را مقابل چشمان خواننده زنده می‌کند. شاید باید نمونه‌ای از نزدیکی سینما و ادبیات باشد. یک رمان مصور، آیا فیلمساز بودن شما باعث شده است اینگونه بنویسید و یا

هنرها است و حتی سینما هم اینگونه. با اینکه سینما هنر جوانی است. ولی ریشه‌هایش در سایر هنرها و فرهنگ‌های قدیم‌تر است. دوره الهایی که ما در آن سال‌ها داشتیم دوره «گذران سختی» بود. البته برخورد نسل ما با سانسور یک برخورد دیگر بود. ولی برخورد هنرمندان امروزی با سانسور به گونه دیگری با یک جریان دیگری رویه‌رو بودیم. ما داشتیم یاد می‌گرفتیم که چطور سخن بگوییم، چطور تصویر بنویسیم، یک زبان مشترک میان مردم و هنرمند پیدا شده بود، یک زبان تشبلی و البته این روند ادامه دارد تا آینده و همین است که جهان را می‌سازد. هیچ تکه‌ای از جهان، هیچ رویدادی از تاریخ را نمی‌شود انکار کرد. تمام تکه‌ها در کنار هم تاریخ را می‌سازند و حرکت تاریخی هم بسیار علمی بر مبنای خود داده‌هایش است.

پس با توجه به شرایط روز نواسته‌اید لب بکشاید، در حالی که اگر همزمان با آن التهايات چنين می‌توانید قطعاً دچار سانسور می‌شديد.

قطعاً همین طور است. می‌دانید برای قضاوت‌ها باید یک مقدار بوته‌ها سرد شوند تا داخل بوته‌ها، قالی‌ها پیدا شوند که چه هستند و بعد محک بخورند. یعنی به دلیل فرار از تاریخ سانسورگری نیست که فرضاً من در دوره‌های دیگری می‌توانم دوره قبل را نقد کنم. با اصطلاح همه چیز باید تهنش شود تا خودش را نشان بدهد. آن چهره واقعی را زمانی می‌توانیم ببینیم تا التهايات خاموش شوند. والا وقتی در همان دوره زندگی کم پر از پریشانی هستم کما اینکه اکنون هستم و کما اینکه اکنون خیلی‌ها را می‌بینم که هستند و همان‌گونه که آدم‌های این قصه هستند.

شما از التهايات، زندگی فردی و اجتماعی آدم‌ها و تاریخ آن دوران سخن گفتید. ولی با توجه به گفته خودتان که در زمان حال همه چیز تغییر کرده به نظر شما آیا مخاطب امروزی می‌تواند به راستی سوزش آن التهايات را درک و با آن ارتباط برقرار کند؟

چند تا پاسخ برای سؤالات دارم. ولی فکر می‌کنم سراسر تاریخ این می‌باشد که با چند شکل متفاوت می‌توان با نسل امروز پیوند برقرار کنیم. اگر به گذشته به صورت «هستی‌شناسی» نگاه کنیم، یک مفهوم برای ما ایجاد خواهد کرد و اگر به صورت «روش‌شناسی» نگاه کنیم به گونه دیگری در «روش‌شناسی» همه چیز تغییر می‌کند. ولی اگر از طریق «هستی‌شناسی» نگاه کنید در طول زمان آن «هست» با این «هست» یک تاریخ و یک دوره را تشکیل می‌دهد.

ما از طریق آن می‌توانیم همه جای تاریخ را نگاه کنیم بدون اینکه از خصوصیت تاریخی آن دور شویم.

ما معتقد هستیم که هنر به جامعه و جامعه به تاریخ دوخته شده است. پس این هنر با این مختصات همیشه در موقعیتی قرار می‌گیرد که می‌تواند قضاوت‌های مختلفی از دور این منشور که شکل‌های متفاوتی دارد، انجام دهد، مثل این می‌ماند که اگر «جبر» را به صورت دترمینیزم تاریخی نگاه کنیم با زمانی که آن را به صورت «جبر و اختیار» نگاه کنیم پر از نگاه‌های متضاد خواهیم شد. ولی اگر کمی جای نگاهمان و با اصطلاح جای دوربینمان را عوض کنیم و کمی سه پایه دوربین را بالا ببریم به همان «هستی‌شناسی» که ضرورت دارد خواهیم رسید.

یکی از شاخصه‌های این رمان «زبان» و «گویش» شخصیت‌هاست و هر یک از شخصیت‌ها و افراد زبان خاص خودشان را دارند. چگونه به این زبان رسیدید؟

من از زمانی که کار فیلمسازی را شروع کردم زبان برایم اهمیت بسیاری داشت و حتی پیش از

از نوشتن دور نیست. من تمام فیلم‌هایم را خود نوشتم. یعنی فیلم‌نوشت‌ها همه از آن من است.

چرا به جای «فیلمنامه» می‌گویید «فیلمنوشت»؟

برای اینکه فیلمنامه یک معنای دیگری دارد. در صورتی که فیلمنوشت، مثل رونوشت نزدیک‌تر به موضوعی است که وجود دارد و شما قرار است به آن موضوع مراجعه کنید و آن ارجاع، ارجاع اصلی نیست. ببینید قرار است به طور مثال من یک موضوع را که می‌دانم چیست، بنویسم ولی بعداً روی آن کار دیگری انجام دهم مثل رونوشت. در واقع این ترکیب زایشی است که در زبان پیدا شده و در نتیجه سینما و فیلمنوشت از هم دور نیستند. همان‌طور که می‌دانید همه فیلم‌هایم را خودم نوشتم و هر کدامشان در پیدایی فکرش به اندازه یک رمان گسترده بودند ولی مجبور بودم به همه آنها سازماندهی زمان، مکان و انطباق با سانسور روز بدهم. در یک فیلمنوشت باید خیلی مسائل رعایت شود ولی نوشتن یک جریان روان است، یک حس است که هر چه جلوتر برود تجلی بیشتری پیدا می‌کند.

وقتی که جلوتر رفتید چه چیزی را در درون نسل خودتان کشف کردید؟

یکی از چیزهایی را که من پیدا کردم این بود که من هم نسلانم خیلی عاشقانه پیرامونمان زندگی می‌کردیم و عاشق پیرامونمان بودیم؛ از اتوبوس سوار شدن تا پیدایش موج روشنفکری در دهه سی به این سو، از ژورنالیسم آن تا مسائل مبارزاتی، سازمان‌ها و حزب‌ها، از مسائل تئوریک و ایدئولوژیک و تا سایر مسائل.

فکر می‌کنم بر نسل شما کوتاهی ۲۸ مراد تأثیر زیادی گذاشته است. به طوری که پس از گذشت چهل و اندی سال از آن دوره دوباره واکنش نشان می‌دهید. آیا بازگشتن به آن فضا، یک جوری ناشی از جریانات سیاسی و اجتماعی امروز است؟

هیچ جریانی نیست که زنجیره‌هایش به گذشته متصل نباشد. چه یک سوی این زنجیره‌ها به سیاست وصل باشد و چه سوی دیگری آن به فرهنگ. یعنی هرآنچه که قرار است در آینده رخ بدهد و امروز خودش را بروز می‌دهد، بدون اجازه گرفتن از گذشته نمی‌تواند به وجود بیاید.

به تعبیری اگر سراغ مدرن‌ترین شعر امروز دنیا بروید حتماً پایه‌هایش ریشه در شعر کلاسیک دارد. در سایر



● **کیمیایی: متأسفانه نقدها به حیطه‌های زندگی خصوصی افراد و شایعه نزدیک شده است و بحران شایعه اثرات تخریب‌کننده‌ای دارد**

انگیزه شما از نگارش رمان «جسدهای شیشه‌ای» چه بود؟

حتماً می‌دانید وقتی خلاقیت حضورش را اعلام می‌کند، دیگر نمی‌توانید تیرتری برایش انتخاب کنید. شاید فکر می‌کردم اتفاقاتی در درونم می‌افتد که باید آنها را بنویسم. در همان شب نخست حدود سی، چهل صفحه نوشتم. در صورتی که نمی‌دانستم در قصه چه اتفاقی می‌افتد! نگارش این رمان پنج سال طول کشید. ولی همین طور که پیش می‌رفت، آدم‌ها و موقعیت‌هایشان مشخص‌تر می‌شد. من روی کاغذها اسامی هر یک از آدم‌ها، طبقه خانوادگی و اجتماعی، زبان و گویش خاصشان، که از فرهنگشان می‌آمد را می‌نوشتم و بعد کاغذها را بر روی یک تابلو با سنجاق وصل می‌کردم تا آنها کم نشوند! برای اینکه به تدریج تعداد آنها زیاد شده بود. رمانی که می‌نوشتم تقریباً حجیم بود و حتی فکر می‌کردم که تعداد صفحات آن به ۲۰۰۰ صفحه برسد. به بعد هر حال انگیزه و نماد خاصی برایم وجود نداشت و فقط این بود که بنویسم و بعد شروع کردم به نوشتن. البته ممکن است بعضی‌ها بگویند با وجود نویسندگان بزرگ در گذشته و حال از کی اجازه گرفتگی که نوشتی؟ و یا تعدادی هم به جای خود اثر یک جوری با من و پیرامون زندگی‌ام برخورد کنند.

منظورتان چیست؟

یعنی اینکه فلان فیلم این جوری بوده و فلان شایعات پیرامونم بوده و هست و... ولی با وجود تمام این مسائل با گذشت دو سال، دیگر حس کردم که هیچ کدام نمی‌توانیم دست از سر هم برداریم! یعنی نه کتاب می‌توانست دست از سر بردارد و نه من می‌توانستم دست از سر او بردارم. دیگر ادامه‌اش برایم مثل زندگی بود و حتی شیرین‌تر از فیلمسازی؛ تا سپیده صبح با آدم‌ها حرکت می‌کردم، حرف می‌زدم. آدم‌های که نمی‌خواستند در جامعه‌امان هست و آشنا هستند و یک تاریخی که گوشه‌هایی از آن کم شده است. یعنی از سال ۲۸ مراد ۳۲ به این سو...

البته منظوری بیشتر از طرح انگیزه این بود که شما فیلمساز هستید و در هر دوره‌ای، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، مسائل اجتماعی و سیاسی را دنبال کرده‌اید و گاهی اوقات هم در فیلم‌هایتان جلوتر از زمانه پیش رفتید. آیا حالا با نگارش این رمان فکر می‌کنید که در شرایط خاصی بسر می‌بریم که نمی‌توان با فیلم ساختن آن واقعیات را بازگو کرد، بنابراین باید دست به قلم برد؟

بله. از یک جایی به بعد با حرف‌های شما کاملاً موافق هستم. یعنی دیگر «سینما» آن نبود که من بتوانم «جسدهای شیشه‌ای» را با آن بازگو کنم. البته نه اینکه کوچک‌تر بود یا بزرگ‌تر. بلکه به این معنی که اگر بخوایم در سینما کار کنیم فرصت ندارم همه مسائل را مطرح کنم. وقتی تحلیل شما برای نوشتن حرکت می‌کند اگر به اندازه کافی زبان را بشناسی و با زبان و واژگان آشنا باشی دیگر برایت کودکانه خواهد بود از اینکه فلان قسمت تصویب نشود یا فلان تکه آن درآید. به طور مثال ۳۳ تکه از فیلم «سلطان» در آمد؛ در سینما حتماً باید در ۹۰ دقیقه فکر کنم و همه مسائل را بگویم و اگر ۹۰ دقیقه بشود ۱۱۴ دقیقه، آن وقت یک سانسور در سینماها از دست می‌دهم! این درست است که با سینما زندگی کردم، بزرگ و بالغ و بعد پیر شدم، اما برایم نوشتن یک جویبار دیگری بود که تبدیل به رود شد و اثری که بر من گذاشت واقعاً به اندازه اقیانوس بود. فراموش نشود، من نمی‌گویم اثری که کتاب می‌گذارد، بلکه می‌گویم اثر نوشتن. از سوی دیگر سینما

گفت و گو با چهره زاده بهار، فرزند استاد محمدمتقی بهار

باغبان قصه گوی خانه ما

البته بعد از خواندن من را تشویق می کرد و می گفت: آفرین! چقدر خوب می خوانی!

این تشویق ها چه تأثیری در شما گذاشت؟

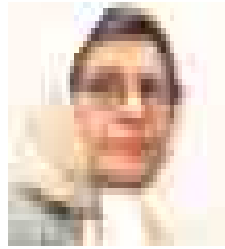
باعث علاقمندی بیشتر من به شعر شد.

خانم بهار! آیا به یاد دارید که پدرتان برایتان شعر بخواند؟

اصلاً پدرم هرگز برای من شعر نخواند، او آدمی جدی بود و من شخصاً اجرات نمی کردم به او نزدیک شوم. از طرفی ایشان آنقدر گرفتار کارهای روزمره بود که یادم می آید، زمستان ها که از مدرسه می آمدم کارهای مدرسه را انجام می دادم و بعد از شام می خواندیم و پدرم به خاطر مشغله فراوان و کارهای سیاسی و اجتماعی دیر به منزل می آمدند و من ایشان را نمی دیدم. البته صبح ها که می خواست برای کارهایش از خانه بیرون برود، من دوان دوان می رفتم و به او سلام می کردم. آن موقع مثل الان نبود که فرزندان با والدینشان - مخصوصاً پدرشان - راحت ارتباط برقرار کنند.

در دوره دانش آموزی اتان به چه درسی علاقمند بودید؟

من به ادبیات بسیار علاقه داشتم. آن زمان دبیرستان ۶ کلاسه بود و کلاس ششم دبیرستان اختصاصی می شد که شامل ۳ رشته ادبی، ریاضی و طبیعی بود که من ادبیات را انتخاب کردم.



● وقتی تابستان می شد، من نزد باغبان می رفتم و او قصه های «حسین کرد شبستری» و «امیر ارسلان نامدار» و یا قصه های شاهنامه را برایم می خواند

دبیرستان را در چه مدرسه ای گذرانید؟

۳ سال اول را در مدرسه ژاندارک و بعد به مدرسه نوربخش رفتم و در آنجا دوره دبیرستان را تمام کردم و سپس به دانشکده رفتم و زبان فرانسه خواندم. دوره دبستان چطور؟

من دوره دبستان را در مدرسه گوی گذراندم که مدرسه زرتشتیان بود. در مدرسه، کتابخانه ای موجود بود؟ متأسفانه نه در دوره دبستان و نه در دوره دبیرستان، کتابخانه ای نبود.

حتماً در منزلتان کتابخانه مجهزی داشتید.

بله. ولی کتاب های موجود در کتابخانه متناسب با سن من نبود. چون اغلب کتاب ها خطی و از نظر محتوا سنگین بودند.

یعنی هیچ وقت در دوره دانش آموزی اتان از کتابخانه استفاده نکردید؟

چرا زمانی که دوره دبیرستان بودم (البته پدرم فوت شده بودند)، از مادرم اجازه می گرفتم و برخی از کتاب ها را می خواندم.

چه کتاب هایی می خواندید؟

اولین کتابی که خواندم «سه تفنگدار» اثر الکساندر دوما بود که کتابی سه جلدی بود و چاپ سنگی داشت.

کتاب ترجمه بسیار خوبی شده بود. یادم می آید که جلد سبز چرمی داشت. در واقع یکی از لذت های تابستانم خواندن این کتاب سه جلدی بود.

با توجه به اینکه در آن زمان کتاب های برای کودکان و نوجوانان موجود نبود، آیا کسی برایتان قصه ای

می خواند؟

بله، در منزلتان باغبان پیری داشتیم که با وجودی که سواد نداشت، فردی با فرهنگ بود و حتی پدرم در برخی از نوشته هایش از ایشان صحبت می کرد. او فرد بسیار جالبی بود. وقتی تابستان می شد، من نزد باغبان می رفتم و او قصه های «حسین کرد شبستری» و داستان های قدیمی مثل «امیر ارسلان نامدار» و یا قصه های شاهنامه را برایم می خواند. واقعاً در دوران کودکی با قصه های باغبان (مشهدی اصغر) با داستان و کتابخوانی آشنا شدم.

داستان هایی که باغبان برایتان تعریف می کرد جالب بود؟ بله، ایشان به قدری داستان ها و قصه ها جالب و شیرین برایم تعریف می کرد که حتی باعث شد بیشتر به کتاب خواندن علاقمند شوم. یادم می آید پارسل که داستان امیر ارمغان در کتابفروشی آمده بود من بلافاصله آن را تهیه کردم و بار دیگر با یاد خاطرات کودکی آن را خواندم.

از چه زمانی خودتان شروع به خریدن کتاب کردید؟

بعد از اینکه دیوان پدرم توسط انتشارات امیرکبیر (آقای جعفری) چاپ شد، اولین پولی که بابت دیوان به مادرم داده شد، مادر به من داد و گفت: برو و از انتشارات امیرکبیر کتاب های دلخواهت را بخر.

چند ساله بودید که دیوان پدرتان چاپ شد؟

۱۶ یا ۱۷ ساله بودم و یادم می آید که انتشارات امیرکبیر در خیابان ناصرخسرو به صورت مغازه کوچکی اداره می شد.

چه کتاب هایی از انتشارات امیرکبیر خریدید؟

«دوخ و برزخ» اثر داتنه که البته برادرم به من می گفت: که چهره زاده فکر نمی کنی این کتاب برایت سنگین باشد؟ البته به جز انتشارات امیرکبیر به کتابفروشی معرفت در لاله زار هم سری می زدم و از آنجا هم کتاب هایی از مورس مترلینگ را که به صورت قطع کوچک بود و جلد کاغذی داشت، می خریدم. اولین شعری را که از اشعار مرحوم پدرتان حفظ کردید به یاد دارید؟

درک شعرهای پدرم برایم سنگین و دشوار بود. ولی یادم می آید که پدرم عاشق کبوتر بود و ما در خانه اماتور کبوترهای بسیاری داشتیم و من نیز همانند پدرم عاشق کبوتر بودم. یکی از اشعار بسیار زیبا و جذاب پدرم، در مورد کبوترها بود. البته من فقط یکی دو بیتش را به یاد دارم.

بیابادی کبوترهای زیا

بدن کافورگون، پاهای چو شنگرف

بپرید از فراز بام ناگاه

کنار من فرود آید چون برف

البته این شعر اولین شعری بود که من در آن زمان حفظ کردم.

حفظ کردید.

در دوران کودکی و دبستان با دانش آموزی کتاب هایی را با دوستانتان مبادله می کردید؟

در دوره دبستان نه اولی از سال دوم دبیرستان که من استقلال مالی بیشتری پیدا کردم، کتاب می خریدم که اغلب کتاب ها هم زمان بودند و آنها را با دوستانم مبادله می کردم.

چه نوع زمان هایی بود؟

«اثر داستانیوفسکی» «اوتلوتوی» و... البته مجله های زیادی هم می خواندم، مثلاً از اواخر دبستان، «جمعه ما منظر آمدن اطلاعات هفتگی بودم. عصرها که روزنامه اطلاعات می آمد، پاورقی هایش را می خواندم و داستان هایی که در آن چاپ می شد و با قهرایم جالب بود.

چه نوع کتاب هایی را دوست نداشتید بخوانید؟

کتاب های آقای مستعان و مجله تهران مصور را نمی خواندم.

چرا کتاب های مستعان را نمی خواندید؟

چون سبکش را دوست نداشتیم. بعدها رمان جنگ و صلح را یک تابستان صبح تا شب خواندم.

از شعر چه شاعرانی خوشتان می آید؟

سهراب سپهری که یکی از نقاشی هایش را هم در منزل دارم و البته فرغ و فرخزاد.

همدلی و یکرنگی

نصرالله حدادی

گفت و شنودهایی که پس از برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران پیرامون چگونگی اجرا و مدیریت اعضای اتحادیه ناشران و کتابفروشان در گرفت، توهماتی بس اندک رادم از زده که اتحادیه و تعاونی ناشران ناتوان است و «خانواده نشر» به برگزیدگان خود، بی اعتماد می باشند.

اما آنچه که در روز سه شنبه ۲۵ تیرماه سال جاری در سالن گردهمایی اتحادیه و تعاونی به وقوع پیوست، ثابت کرد اهالی نشر مستقر در تهران نه تنها به برگزیدگان خود اعتماد عمیق دارند، بلکه حاضرند تمام ساز و کارهای لازم را فراهم آورند تا اتحادیه تعاونی هر چند بالنده تر، به کار خود ادامه دهد.

دومین گردهمایی عادی شرکت تعاونی ناشران تهران، با حضور اکثریت اعضا، در ساعت شش و سی دقیقه بعد از ظهر با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، کار خود را آغاز کرد. گزارش های بی درپی و ارائه کارنامه فعالیت های تعاونی، روشن و شفاف و به صورت مکتوب در اختیار اعضای شرکت کننده قرار گرفت. توضیحات مسوولان پیرامون مندرجات کارنامه و سؤا و جواب های رد و بدل شده، بیش از پیش موجب جلب اعتماد اعضا را برانگیخت و آنگاه که موضوع به تقسیم سود سوق داده شد، «همدلی و یکرنگی» اعضا نمود بسیار جالب توجهی یافت.

از عمر تشکیل «تعاونی اتحادیه ناشران کتابفروشان» قریب به ۲۸ سال می گذرد و طی این مدت هرگز سود حاصل از فعل و انفعالات اقتصادی، بین اعضا تقسیم نشده و با توجه به عملکرد بسیار مثبت هیأت مدیره و بخصوص مدیرعامل فعلی -جناب آقای بایندریان - و سودیابی چشمگیری این بار بر برخی از اعضای تعاونی، خواستار تقسیم سود با درصد های متفاوتی بودند. از تقسیم سود به میزان پنجاه درصد داده در صد، پیشنهادهایی بود که ارائه شد، ولی وقتی درخواست شد تا تمامی اعضا با بلند کردن دست خود اظهار نظر کنند، اکثریت با کسانی بود که خواستار ابقای صد در صد سود در سرمایه تعاونی بودند. عده ای به این نحوه عملکرد معترض شدند و قرار شد کسانی که با تقسیم سود موافق هستند، موافقت خود را با بلند کردن دست، اعلام دارند و پس از آن که رییس جلسه خواستار این امر شد، تنها تعدادی از اعضا که به عدد انگشتان یک دست هم نمی رسید، اعلام موافقت کردند و رأی ابقای سود در سرمایه آنچنان چشمگیر بود که معترضان با خنده اعلام رضایت کردند.

رأی گیری برای اعلام جدید، در شرایطی آزاد و برابر، انجام شد و تمامی اعضای قبلی، ابقا شدند و رأی ارائه شده، خود بیانگر این بود که اکثریت قریب به اتفاق اعضای تعاونی به برگزیدگان قبلی خود اعتماد داشته و بار دیگر با رأی دادن به آنها، اعتماد مجدد خود را اعلام داشته است.

دیدار اعضای تعاونی با یکدیگر پس از رأی گیری و به هنگام صرف شام بسیار دینی بود. در چهره هیچ کس عدم رضایت وجود نداشت. همه یکدل و یک صدا، در محیطی کاملاً دوستانه، به صرف شام مشغول بودند و از قدیمی ترین اعضای اتحادیه و تعاونی گرفته تا اعضای جوان و جدید، به هنگام برخورد با یکدیگر، صمیمیت و رفاقت بود که نمود می یافت و چه زیا بود ابراز محبت های پدید درهای خانواده نشر همچون آقایان محبوب، بخشی، عطایی، محمدی، شیرازی، آخوندی و... با دیگر اعضای اتحادیه و تعاونی.

قدرا این یکدلی و یکرنگی را بداند، چه بسیار از اعضای اتحادیه و تعاونی که دیگر با ما نیستند. زنده یاد عبدالغفار طهوری؛ نازنین یار دوست داشتنی الیاس اسماعیلیان و دهها عزیز دیگری که روی در نقاب خاک کشیده اند و امروز با ما نیستند. آنچه امروز داریم، نتیجه تلاش بزرگوارانی است که با ما بودند و هستند. به مناسبت های مختلف اعضا را گرد هم آوردیم؛ از کسانی که تلاش کرده اند تا تعاونی و اتحادیه به این پایه و مایه برسد، قدردانی کنیم؛ عمل نیک گذشتگان را پاس بداریم؛ اگر امری را نمی پسندیم، علیه یکدیگر جبهه گیری نکنیم؛ سعی بر آن داشته باشیم که خانواده نشر را به زیر یک سقف گردآوریم؛ کسانی که ما را دوست نمی دارند و دوست بداریم و در صدد جذب آنها باشیم؛ «جذب مخالف» هنری بس ارزنده است، آن را بیاومیزیم؛ در صدد رفع اختلاف ها باشیم، با تهمت و توهین یکدیگر را نینازیم، یکدیگر را فراموش نکنیم؛ به رأی یکدیگر و رأی جمعی حتی اگر مخالف عقیده و رأی ماست، احترام بگذاریم؛ به پیشنهادهای رسیده دقت کنیم و نیاز نیست که همچو منی به خانواده نشر حکمت بیاموزد، نشر مشکلات عدیده و بی شماری دارد، در صدد رفع آن به صورت جمعی باشیم. «همدلی و یکرنگی» پادشاه اعتماد است. به یکدیگر به دیده احترام و اعتماد بنگریم و همواره این بند قرآن کریم را به گوش داشته باشیم؛ تعاونی علی البر و التقوی.

گفت و گو با مهدی کریمی
کتابفروش نشر پژوه

از خبرنگاری تا کتابفروشی

مهدی کریمی کتابفروشی که کارش را با خبرنگاری در حوزه هنر و ادبیات آغاز کرد، در مدت زمان کوتاهی که کتابفروشی اش را به پا کرده توانسته ارتباط خوبی را با اهل ادبیات برقرار کند. گفت و گوی ما را با وی بخوانید.



انگیزه اصلی شما برای ورود به این حرفه چه بود؟
من سال‌هاست که با کتابفروشی های متعددی ارتباط دارم و به طور ذاتی به کتاب علاقه مند هستم. از سال ۱۳۷۲ آقای ملکی در روزنامه ابرار (صفحه ادبیات) مشغول به کار شدم، البته در روزنامه اخبار نیز به طور مستقل فعالیت های ادبی را انجام می دادم و در زمینه قصه نویسی و پژوهش ادبیات داستانی نیز فعالیت دارم. کتابفروشی از چه زمانی آغاز به کار کرده است؟ حدود ۲ سال.

در زمینه پژوهش و یا ادبیات داستانی نیز آثاری را در کتابفروشی تان عرضه می کنید؟
بله، به طور کلی کتابفروشی (نشر پژوه) هدف خاصی را دنبال می کند. یعنی اطلاع رسانی و ارتقای سطح سلیقه ادبی مخاطبان. یعنی در این کتابفروشی به طور تخصصی فقط در زمینه ادبیات کتاب عرضه می کنید؟
البته در کنار کتاب های ادبی کتاب های تاریخی هم عرضه می کنیم. مساحت کتابفروشی شما چند متر است؟ ۱۸ متر.

چند عنوان کتاب در این متراژ جای می گیرد؟
حدود ۳۰ الی ۴۰ هزار عنوان. با توجه به اینکه شما بیشتر کتاب های تخصصی ادبیات داستانی عرضه می کنید آیا در زمینه کتاب های عرضه شده در کتابفروشی اتان جهت آگاه کردن مشتریان، مطالعاتی دارید؟
با توجه به اینکه مشتریان توقع دارند که ما اطلاعات لازم و کافی را در مورد موضوعات ارائه شده به آنها بدیم، بیشتر کتاب های ادبیات داستانی و کتاب های نمایشی و گاهی فلسفی را مطالعه می کنیم. مشتری ثابت دارید؟
بله، اکثر مشتریان ما اهل قلم هستند و فعالیت های ادبی دارند. البته گاهی اوقات شاعران جوان به کتابفروشی ما مراجعه می کنند و در مورد شعر و مسائل ادبی و تازه ترین کتاب ها با هم بحث می کنیم و از این طریق اطلاعاتمان به روز و بیشتر می شود.

آثاری به جهت فروش به کتابفروشی شما عرضه می کنید؟
بله، معمولاً کارهایشان را به صورت امانی و قطعی عرضه می کنند. حرفه تان از نظر اقتصادی چگونه ارزیابی می کنید؟
با توجه به اینکه کتابفروشی ما ۲ سال است که تأسیس و در یک پاساژ تازه ساخت واقع شده، فروش ما بد نیست. کتاب های پشت و پرتین را هر چند وقت یک بار عوض می کنید؟
هفته ای یک بار البته این تعویض کتاب در فصل تابستان کمتر است، در حالی که در فصل پاییز و زمستان به خاطر زیاد بودن عناوین، کتاب های پشت و پرتین را بیشتر عوض می کنیم. به مشتریان تخفیف هم می دهید؟
بله، معمولاً به مشتریان ثابت ۵ درصد تخفیف می دهیم. پر فروش ترین کتاب های تان را طی ۲ هفته اخیر نام می برید؟
«چراغ ها» من خاموش می کنم» اثر زویا پیرزاده، انتشارات مرکز

من چه گوارا هستم اثر لری ترقی، انتشارات نیلوفر - «پرنده من» اثر فریبا وضیع - اسفناک کتابیان اثر ابوتراب خسروی، نشر قصه - نظریه رمان ترجمه حسن مرتضوی، نشر قصه

پای صحبت های فرهاد تیمورزاده، مدیر انتشارات تیمورزاده

برخی ناشران فقط می خواهند فیلم و زینک و کاغذ دولتی بگیرند

فروش نرود، ناشر با ضرر زیادی مواجه شود. گرچه ما شمارگان کتاب را در برخی موارد پایین آورده ایم اما مخاطرات همچنان سر راه ما هستند.

به هر روی چاپ اقسط شرایطی را برای ناشران تخصصی ایجاد می کند که ناشران دیگر فاقد آن شرایط خاص و ویژه هستند، چه در بخش فروش، چه تولید کتاب با عناوین متعدد و متنوع. در این صورت آیا می توان انتظار داشت کمک های دولتی به ناشران دسته دوم، کمک های گسترده تری باشد؟
به طور کلی من مخالف ارائه امکانات از سوی دولت هستم و به گمانم عرضه این گونه کمک ها ناشی از نادانستن دیدگاه حرفه ای در بخش نشر است. وقتی بحث پارانیه مطرح می شود ناخاسته و با هر میزان دقت، پای رانت هم به میان می آید. اگر قرار باشد کمک دولت به منظور پابین نگاه داشتن بهای پشت جلد و کمک به انتشار هم صورت بگیرد، نمی توان این کمک را «حرفه ای» دانست. باید شرایط نشر به سستی حرکت کند که نشر به عنوان یک کار حرفه ای تعریف شود. اینکه افرادی با عنوان ناشر و به بهانه کار فرهنگی قصد داشته باشند از امکانات دولتی استفاده کنند، حتی اگر نگاهشان، نگاه کاملاً فرهنگی باشد، ماجراهایی به وجود می آید که به نفع کشور نیست. اگر به پروسه نشر فقط یک نگاه حرفه ای

چند ناشر حرفه ای در این زمینه فعالیت دارند؟
حدود ده ناشر. شرایط چاپ و انتشار کتاب های این رشته میان ناشران خصوصی و دولتی چه تویری دارد؟
عمده چاپ به دست ناشران خصوصی است و ناشران دولتی در این زمینه بسیار ضعیف هستند. شخصاً عقیده دارم که دولت در هر زمینه ای که بخواد بار از زمین بردارد، ناموفق است. بویژه در زمینه کتاب های پژوهشی، این کتاب ها ویژگی های خاصی دارند. تاریخ مصرف آنها بسیار محدود است. تاریخ مصرف برخی از این کتاب ها به چهار سال می رسد اما هستند کتاب هایی که سال به سال تاریخ مصرفشان به سر می آید و ناشر دولتی با خروتنی که دارد تا بخواد تصمیم گیری کند و وارد وادی چاپ شود، تاریخ مصرف کتاب به پایان می رسد. اما ناشر خصوصی بلافاصله پس از وارد کردن نسخه ای از کتاب، آن را وارد لیوگرافی، چاپ و صحافی می کند و هستند کتاب هایی که به فاصله بیست روز وارد بازار می شوند.



چاپ اقسط، شرایط خاصی در زمینه نشر به وجود می آورد. بهتر است اول برسیم چرا اقسط؟
بیشتر فعالیت ناشران کتاب های پژوهشی اقسط کتاب است. در چاپ اقسط کتاب به زبان اصلی و با سرعت انتقال مطالب به دست خواننده می رسد. اقسط یعنی تهیه فیلم از کتاب به زبان انگلیسی.

آنچه در پژوهشی اهمیت فراوان دارد سرعت انتقال مطالب است. برای ترجمه یک کتاب ۲۰۰۰ صفحه ای که هر صفحه آن ۲۰۰۰ کلمه دارد، یک مترجم قوی نیاز است. حداقل زمانی که ترجمه این کتاب به آن نیاز دارد، یک تا دو سال است. در نهایت دوره نیاز برخی از کسانی که به این کتاب نیاز داشته اند، می گذرد. از طرفی زبان اصلی در کارهای زبان فارسی اهمیت بیشتری دارد چرا که ترجمه در برخی موارد مفهوم مورد نظر را نمی رساند. این در حالی است که اغلب متقاضیان کتاب های پژوهشی تمایل دارند کتاب را به زبان اصلی مطالعه کنند.

صحبت بر سر این است که ناشرانی که بخش اصلی فعالیتشان در چاپ کتاب های اقسط خلاصه می شود، حکم یک توزیع کننده را دارند و نه ناشر.

حدود ۶۰ درصد کتاب های پژوهشی به زبان اصلی منتشر می شود اما نقش ناشر در چاپ این گونه کتاب ها غیر قابل انکار است. ناشر باید مسؤلیت کتاب را بپذیرد، روی کتاب سرمایه گذاری کند و مخاطرات را بپذیرد و این همه در شرایطی است که در نمایشگاه های بین المللی و نمایشگاه های وزارت بهداشت و به نمایندگان ناشران خارجی ارز اعطا می شود، حال آنکه ناشر خصوصی بدون هیچ کمکی باید ریسک انتخاب، ورود کتاب، هزینه های لیوگرافی، چاپ و شمارگان را بپذیرد. به نظر می رسد که نمایشگاه های کتاب موقتی است و برگزاری چند نمایشگاه کتاب در سال برای کتاب های پژوهشی با تاریخ مصرفی که این کتاب ها دارند، بحرانی برای ناشران ایجاد نمی کند.

درست برای همین است که ناشران می توانند کار کنند. اما در دوره نمایشگاه نیز به هر حال تعدادی کتاب تخصصی وارد می شود. این در حالی است که قیمت تمام شده چاپ یک کتاب تخصصی آتقدر بالا هست که اگر هر جلد آن

ناشر به وجود می آورد چون از یک طرف او اطمینان دارد وقتی امتیاز چاپ یک کتاب را خریداری کرد، ناشر دیگری اقدام به این کار نمی کند و از طرفی همزمان کتاب ها وارد کشور می شوند و این همه صرف نظر از وجهه ای است که پذیرش کی رایت در قالب جهانی و اسلامی برای ما به وجود می آورد. البته دولت هم باید گام به گام پیش برود یعنی به جای اینکه در اولین گام مانع از چاپ اقسط بشود، فرصتی ایجاد کند که کتاب هایی که پیش از این مجوز چاپ اقسط دریافت کرده اند، چاپ شوند تا ناشران زمانی برای تولید آثاری که دولت مجوز آنها را پیش از این داده است، پیدا کنند و متضرر نشوند. مراحل بعدی نیز گام به گام همراه با کارشناسی دقیق پیش برود.

قابلیت های ما در بخش ترجمه و احیاناً تألیف کتاب های تخصصی چه اندازه امیبدخش است؟
در بخش ترجمه وجود دارد. کتاب های پژوهشی از علوم پایه گرفته تا پژوهشی عمومی و همچنین کتاب هایی که وزارت بهداشت به عنوان مرجع امتحانی اعلام می کند، قابلیت ترجمه دارند و معمولاً نیز ترجمه های با کیفیت های متعددی از آنها در بازار وجود دارد که از سال ۷۱ به دلیل رقابت بیشتر، کیفیت ترجمه در این بخش بالا رفته است. اما در زمینه تألیف، همه رفرنس ها و منابع مطالعاتی در بررسی بیماری ها و درمان آنها از خارج از کشور تهیه می شود و کتاب تألیفی به آن معنا در کشور ما وجود ندارد، مگر تألیفاتی که بیشتر مفهوم گردآوری مقالات متعدد در یک موضوع خاص را در بر دارد.

اتفاقاً چاپ های اقسط از کیفیت خوبی در کشور برخوردارند و حتی طراحی های روی جلد آنها بسیار متنوع است. این طور نیست؟
بله، بسیاری از طرح های روی جلد ها را ما تغییر می دهیم چرا که آنها غالباً از طرح های بسیار ساده استفاده می کنند. همچنین اگر کتاب تصویر داشته باشد، تصاویر اسکن و ادیت می شود تا کیفیت چاپ آنها بالا برود. از مرکب ها و کاغذ های خوب نیز در چاپ استفاده می کنیم. از کاغذ ایرانی به دلیل کیفیت پایین چاپ تصاویر استفاده نمی شود و صحافی نیز بالاترین کیفیت انجام می شود.

و این همه قطعاً در بالا رفتن بهای پشت جلد کتاب ها تأثیر بسزایی دارد. با این وجود فروش را تضمین نشده می دانید؟
فروش که هیچگاه تضمین شده نیست اما شمارگان کتاب هر اندازه کاهش پیدا کند، قیمت کتاب افزایش می یابد. از طرفی کتاب در ایران از بهای پشت جلد پائینی برخوردار است حال آنکه در کشورهای اروپایی و آمریکایی هزینه تمام شده با ضریب ۱۷ تا ۲۰ درصد حساب می شود و همین موجب قوت صنعت نشر در این کشورها و سودآوری کافی صنعت نشر می شود. اما در کشور ما بهای پشت جلد پائینی برخوردار است حال آنکه در کشورهای اروپایی و آمریکایی هزینه تمام شده با ضریب ۱۷ تا ۲۰ درصد حساب می شود و همین موجب قوت صنعت نشر در این کشورها و سودآوری کافی صنعت نشر می شود.

کتاب با زتاب است اما باز هم پاسخگوی هزینه ها نیست. چشم انداز نشر را در حوزه کتاب های تخصصی در کشور چگونه ارزیابی می کنید؟
ما در این زمینه تنوع فراوان داریم. در شرایط حاضر بازار کتاب های پژوهشی با نقص قابل توجهی روبه رو نیست. در زمینه های متعدد، عناوین متعدد کتاب داریم اما اگر بنا داشته باشیم تألیفات پژوهشی را افزایش دهیم، لازم هاش تغییر ساختار پژوهشی ماست. در قرن های پیش ما پیشگام پژوهشی بودیم. امروز هم باید به همان تون علمی پژوهشی برسیم و این با سامان یافتن پژوهشی در کشور امکان پذیر است. برای تحول در بازار کتاب نیز نیازمند الحاق به بازار جهانی کی رایت هستیم، حتی اگر در سال های اول ناچار شویم با کمبود کتاب مواجه شویم.

گویا انتشارات تیمورزاده به جز چاپ کتاب، در حوزه های دیگری چون ماهنامه و سالنامه نیز فعالیت دارد؟
انتشار سالنامه در ادامه فعالیت های ما با هدف ارائه اطلاعات اولیه پژوهشی به مردم صورت می گیرد که تا کنون هم کار موفق بوده است اما ماهنامه «درد» بخش دیگری است که زیر نظر معاونت مطبوعاتی به مدیر مسؤلی بنده منتشر می شود و هدف آن نیز ارائه تازه ترین اطلاعات علمی-پژوهشی به مردم است.

● در نمایشگاه های بین المللی و نمایشگاه های وزارت بهداشت به نمایندگان ناشران خارجی ارز اعطا می شود، حال آنکه ناشر خصوصی بدون هیچ کمکی باید ریسک انتخاب، ورود کتاب، هزینه های لیوگرافی، چاپ و شمارگان را بپذیرد

داشته باشیم و دولت نیز سعی کند حضور خودش را هر چه ممکن باشد، کم رنگ تر کند و نگران گران شدن قیمت کتاب هم نباشیم، می توایم به آینده نشر امیدوار باشیم. متأسفانه امروزه بسیاری از افراد می آنکه بازار کتاب را بشناسند یا مخاطب را و نیاز مخاطب را تشخیص دهند یا برنامه ریزی داشته باشند، هدفشان را معطوف بخش دیگری می کنند و آن اینکه کتاب چاپ کنند تا کاغذ دولتی بگیرند، فیلم و زینک دولتی دریافت کنند یا ارشاد کتاب آنها را بخرد و سرانجام یک چرخه معلول کتاب به وجود آورد تا وام بگیرند، بعد هم کتاب ها را با شمارگان غیر واقعی وارد بازار کنند.

حضور یا عدم حضور دولت همواره مورد خواست ناشران در بخش چاپ بوده و هست اما بحث مادر زمینه چاپ اقسط همچنان ادامه دارد. به نظر شما چاپ اقسط حتی اگر با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت بگیرد، که می گیرد، چه چهره ای از کشور ما در مجامع علمی-فرهنگی به وجود می آورد. آیا ما برای کی آثار خارجی نیز نباید پایبند به اصولی باشیم؟
من هم که قسمت عمده ای از کتاب های پژوهشی را چاپ می کنم معتقدم که بهتر است ایران به سازمان کی رایت جهانی ببیند تا ما نیز به جای اقسط با این شکل و معنی رایج، از ناشر اصلی کتاب مجوز دریافت کنیم. شاید حدود یک سال است که تلاش داریم با آنها صحبت کنیم اما اساساً از آنجا که ما از ایران با آنها صحبت می کنیم و عضو کی رایت نیستیم، ما با صحبت نمی کنند. پس اول باید عضویت خودمان را اقصی کنیم تا بتوانیم با آنها حرف بزنیم. مطمئناً کی رایت در بخش ترجمه یا انتشار به زبان اصلی، فراغ بال بیشتری برای

اولین تجربه‌های تو



۷ بار آموزشی این ۴ جلد نسبت به ۶ جلد بعد کمتر و جذابیت مطالب و تصاویر به تبع آن کاهش می‌یابد.

بخش دوم، کتاب‌های شماره ششم تا دهم مجموعه است که نویسنده آنها آن‌سی واردی است و تصویرگری آن را استغفن کارت رایت انجام داده است. تفاوت فاحشی بین متن‌ها و تصاویر در این دو بخش کاملاً احساس می‌شود که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱- زاویه دید اول شخص مفرد من راوی در بخش اولیه به زاویه دید سوم شخص دانای کل محدود تبدیل شده است و به همین دلیل وسعت و تنوع صحنه‌ها و اشخاص بیشتر است.

۲- محدودیت اشخاص مطرح شده در بخش اول به حضور فراوان افراد و اشخاص در بخش دوم تبدیل شده است.

۳- نوشته‌ها در بخش اول مجموعه غالباً کوتاه و جملات ساده است ولی در بخش دوم، جملات بلند و عبارات گاه تخصصی و پیچیده می‌شود.

۴- در بخش اول تصاویر ساده و محیط خلوت است و از ریزه کاری در ترسیم اشیا و افراد پرهیز شده لیکن در بخش دوم تصاویر با رنگ‌های شاد، روشن و همراه با ریزه کاری‌های دقیق تصویری است. هنرمند تصویرگر از آوردن انبوه اشیا و اشخاص در بستر کاغذ و اهمه‌ای ندارد و گاه این مسئله باعث شلوغ شدن بیش از حد کار و به هم ریختگی فضای ترسیم شده و در نهایت به عدم تمرکز حواس مخاطب به سوژه مورد نظر می‌انجامد.

۵- اشخاص ترسیم شده به واقعیت بیرونی خود در زندگی شبیه‌تر و تفاوت‌های فردی چهره نگاری‌ها بهتر و دقیق‌تر از بخش اول مجموعه است.

۶- در کل، مطالب و تصاویر در قسمت‌های مشابه و گاه تکراری است. در انتها می‌توان گفت این مجموعه کتاب‌ها آثاری دلنشین، سرگرم‌کننده، جذاب و دیدنی برای گروه خردسال و کودکان سال‌های اول دبستان است. ولی پشت‌ظاهر غلط‌انناز این آثار موضوع مهم و قابل توجهی وجود دارد که مخاطبان معصوم و پاک مینمائی‌توانند براحتی به آن پی ببرند و خود را از گزند آن در امان نگه دارند

اولین تجربه‌های تو، نوشته: نیکولا اسمی و آن‌سی واردی، تصویرگر: استغفن کارت رایت، ترجمه: حسین فتاحی، چاپ اول: ۱۳۸۱، انتشارات قدیانی.

مجموعه کتاب‌های «اولین تجربه‌های تو» با این عنوانین شکل گرفته است: در مهد کودک، در آرایشگاه، در استخر شنا، سوار شدن به هواپیما، تولد نوزاد جدید، در مطب دکتر، در دندانپزشکی، در بیمارستان، روز اثاث کشی و اولین روز مدرسه.

هدف نویسندگان این مجموعه به نوعی آشنا کردن مخاطب با مراحل از زندگی است و چون ایده داستان پردازی، محور اصلی نیست و آموزش وزنه سنگین تری دارد، به همین دلیل برای عناصر مختلف داستان نویسی در این آثار اهمیت زیادی قائل نشده‌اند.

برای نقد این مجموعه در آغاز کل آثار را به دو بخش عمده تقسیم می‌کنیم: بخش اول آثار، جلد اول تا چهارم که نویسنده آن «نیکولا اسمی» است.

بخش دوم، جلد پنجم تا دهم به نویسندگی «آن‌سی واردی» و تصویرگری «استغفن کارت رایت» است. در مورد بخش اول مطالب قابل ذکر را

فهرست وارمی آوریم:

۱) مشخص نیست چرا نام تصویرگر در شناسنامه چهار جلد کتاب اول ذکر نشده است.

۲) زاویه دید، اول شخص مفرد یا من راوی است که برای ارتباط با کودکان صمیمیت بیشتری را

داراست. ۳) سادگی متن به همراه سادگی تصاویر باعث درک و فهم سریع مخاطب می‌شود.

۴) از طرف دیگر گاه صحنه‌های به تصویر کشیده شده بشدت خالی و برهنه از اشیا پیرامون خود هستند، مثل تصاویر صفحات ۲ و ۳ «سوار شدن به هواپیما» یا صفحه ۱۲ و ۱۳ «در آرایشگاه» و همچنین تصاویر صفحه ۲ و ۳ از کتاب «در مهد کودک».

۵) همچنین هنرمند تصویرگر در این آثار توجه چندانی به آناتومی اشخاص داستانی ندارد. اغلب افراد در این تصاویر دارای سر و بدنی بزرگ و تنومند با دست و پای کوچک و مینیاتوری و بدون اثری از گردن هستند.

۶) همچنین تشابه صورت‌ها و اندام‌ها بسیار زیاد است و وجه تمایز آنها گاه در رنگ یا حالت موهای سر خلاصه می‌شود. مانند صفحه ۱۲ و ۱۳ «در مهد کودک» یا صفحه ۱۰ و ۱۱ «سوار شدن به هواپیما».

برو بچه‌ها

اشغال و آزادی خرمشهر

کتاب «آب آبی» برای گروه سنی نوجوانان که خاطرات نیروی دریایی سپاه را در بر می‌گیرد به قلم، علی آقاغفار نویسنده کودک و نوجوان توسط انتشارات نیروی دریایی سپاه بزودی چاپ خواهد شد. همچنین کتاب‌های «نخل و قناری» ماجرای اشغال خرمشهر و «سرود قناری‌ها» داستان آزادی خرمشهر از همین نویسنده توسط سازمان حفظ و نشر آثار دفاع مقدس، سپاه، آماده چاپ است.

یکی از همین روزها

انتشارات مدرسه

زندگی عبدالله بن مقفع (روزبه پارسی)

زندگی فارابی

زندگی اریزینر بابکان

تألیف عباس جهانگیریان.

حاضر و آماده

داستان زندگی فاطمه بنت‌اسد، زهرآزورایان

زندگی‌نامه رابعه عدویه، زهرآزورایان

یادداشت

نگار بدرام

طرح بیمه تأمین اجتماعی و حمایت از پدیدآورندگان

طی چند سال اخیر برای تحت پوشش بیمه قرار دادن نویسندگان، تلاش‌هایی از سوی وزارتخانه‌ها، انجمن‌ها و دولت انجام شده که در این میان انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بیش از سایر ارگان‌ها پیگیر این طرح بوده است.

در آخرین طرحی که توسط معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای حمایت از حقوق طبیعی نویسندگان تهیه شده، پدیدآورنده کسی است که حداقل دو کتاب برای اولین بار تألیف، ترجمه، گردآوری، تهیه و تنظیم، بازنویسی، تصحیح، نقد بررسی یا تحقیق کرده و بر اساس ضوابط انتشار کتاب، آن را چاپ و منتشر کرده و در بانک اطلاعات مؤسسه خانه کتاب ثبت کرده و فاقد هر گونه بیمه باشد. همچنین فاصله بین انتشار دو اثر یک نویسنده از زمان تحت پوشش بیمه قرار گرفتن نباید بیش از پنج سال تمام باشد. اما اگر نویسنده‌ای در یک دوره زمانی پنج ساله حداقل سه عنوان کتاب منتشر کرده و در دوره زمانی پنج ساله دوم موفق به انتشار اثری نشد، همچنان یک دوره پنج ساله دیگر مشمول طرح بیمه باقی خواهد ماند. این نشان می‌دهد که اولاً در تعریف نویسنده از

سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سخت‌گیری نبوده و به همین دلیل بسیاری از نویسندگان مشمول طرح قرار می‌گیرند. ثانیاً به طور قطع دولت، سازمان‌ها و نهادهای دولتی توانایی ارائه تسهیلات و خدمات درمانی را به گروه زیادی از افراد خواهند داشت.

البته اگر صرفاً نوشتن دو کتاب ملاک نویسنده بودن باشد، ممکن است نویسندگانی که تاکنون یک کتاب چاپ کرده باشند، برای اینکه مشمول طرح بیمه تأمین اجتماعی و خدمات درمانی قرار گیرند، کتاب دیگری را با کیفیت پایین نوشته و منتشر کنند. چراکه در این طرح تنها به کمیته کتاب‌ها توجه شده و هیچ شوری برای بررسی و نظارت بر کیفیت کتاب‌ها در نظر گرفته نشده است.

در این طرح به منظور شناسایی و معرفی پدیدآورندگان کتاب به سازمان تأمین اجتماعی ایجاد هماهنگی‌های لازم با مراجع ذیربط در تهران و شهرستان‌ها و نیز رسیدگی به مسائل مرتبط با بیمه تأمین اجتماعی، شورایی تحت عنوان شورای ارائه تسهیلات تأمین اجتماعی پدیدآورندگان کتاب متشکل از مدیرعامل خانه کتاب به عنوان دبیر شورا، مدیر کل اداره مراکز و روابط فرهنگی، مدیر کل مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، نماینده سازمان تأمین اجتماعی و سه نفر پدیدآورنده کتاب در خانه کتاب ایران تشکیل خواهد شد. این سه نفر پدیدآورنده نیز بر اساس ضوابط امور فرهنگی و تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای یک دوره سه ساله انتخاب می‌شوند. شاید بهتر باشد از طریق تشکیل‌ها و انجمنها، نویسندگان را در انتخاب این سه نفر شرکت داد تا این قشر فرهنگ ساز نیز در این شورا نماینده داشته باشند.

از نکات مثبت طرح این است که مبنای دستمزد در نظر گرفته شده برای کلیه پدیدآورندگان حداقل دستمزد اعلام شده از سوی شورای عالی کار می‌باشد. در حال حاضر بر اساس قانون تأمین اجتماعی میزان دستمزد مشمول پرداخت حق بیمه، حداقل دستمزد، طبق مصوبه شورای عالی کار به ازای هر ماه ۷۱۵۸۶۰ ریال و حداکثر ۲۶۰۰۰۰۰ ریال است. امید است پیش از اجرای این طرح صاحب‌نظران، کارشناسان و خود نویسندگان عرصه ادبیات کودک و نوجوان و همچنین کارشناسان بیمه طرح را مورد بررسی قرار داده و نظرات و پیشنهادات و انتقادات خود را برای حمایت از نویسندگان و به منظور گسترش و ارتقای سطح فرهنگ جامعه ارائه دهند.

و آن مسأله ترویج فرهنگ غربی است. برای روشن شدن مسأله به جزئیات می‌پردازیم:

تفاوت فرهنگ جامعه ما (در حال حاضر) و امکانات موجود در حد متوسط و گاه خوب کودکان ایرانی در مقایسه با امکانات بسیار زیاد و حد بالای کودکان کشورهای غربی و پیشرفته، عدم تناسب و تجانس فرهنگی را به همراه می‌آورد. دیدگاه مادی‌گرای غربی‌ها و هدف لذت‌بخش بودن لحظات زندگی در قبال هدفمندی زندگی جامعه شرقی و تفاوت فاحش فرهنگی را دامن می‌زند. وقتی خوانندگان کوچک ایرانی با حوادث پیرامون زندگی به وسیله بچه‌های کتاب آشنا می‌شوند، دچار سردرگمی و در نهایت سرخوردگی فرهنگی می‌شوند. اکثریت کودکان مارنگ مهد کودک را به خود نمی‌بینند، آن هم مهد کودک‌هایی که در آن همه نوع وسایل بازی و سرگرمی بوضوح پیدا می‌شود.

در کدام آرایشگاه ایرانی می‌توان دختر و پسر را در کنار هم و با دو آرایشگر مرد و زن در حال مرتب کردن موها دید؟

در کدام استخر شنا (که تعداد آن در اغلب شهرها انگشت‌شمار است) دختران و پسران خردسال را در کنار هم و بعضاً با پدر و مادر خود در حال آموزش شنا هستند؟

به نظر شما چند درصد از کودکان ایرانی تجربه سوار شدن به هواپیما را پیدا می‌کنند؟

آیا در هر خانواده ایرانی با تولد فرزند جدید اتاقی مخصوص با همه امکانات رفاهی و انواع اسباب بازی برای میهمان تازه وارد آماده می‌شود؟

اتاق انتظار پزشک کودکان و یا دندانپزشکان ایرانی تا چه حد از وسایل بازی، انواع مجله، کتاب و... انباشته شده است؟

در کدام بیمارستان ایران سالن یا اتاق مریض و بیمار کودک کتاب داستان، انواع و اقسام سرگرمی و بازی و... وجود دارد تا آنجا که ساعت ملاقات بیماران با جشن تولد کودکان مشابه شود.

چند کودک ایرانی حتی با توان مالی بالا قبل از ورود به دبستان هر شش ماه به معاینه دندان‌های خود می‌پردازند؟

و چند خانواده ایرانی با ننگه داشتن، سگ، گربه، اردک، خرگوش و... در اتاق نشیمن و خواب خود زندگی را می‌گذرانند؟

غرض از این همه فلسفه‌چینی و کبری و صغری چیدن همان است که در آغاز گفتیم. این آن چیزی نیست که کودک ایرانی برای آشنا شدن با آن باید آماده شود و این تصور غلط ذهن کودک را منحرف کرده و به نوعی که از درک واقعیت‌ها سرخوردگی می‌یابد یا برعکس برای بودن و یادداشتن چنین زندگی حسرت آن امکانات را می‌خورد.

کتاب



سیمای قهرمان

دفترچه مشکل‌گشا، عباس جهانگیریان، تصویرگر: میترا چرخیان، تضمین دانش، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۳۶ صفحه، ۵۹۰ تومان.

دفترچه مشکل‌گشا، داستان دختر بچه‌ای دبستانی است که با والدینش زندگی می‌کند. او در آخرین لحظات تحویل سال نو به دیدار مادر بزرگش که به دلیل اختلافات داخلی فرزندان‌ش به تنهایی به سر می‌برد، رفته و تنهایی او را در آغاز سال نو، پر می‌کند. پیرزن سه آرزو دارد «سیمای» قهرمان داستان با اعل و درایت خود آرزوهای او را برآورده ساخته و فرزندان پیرزن را دوباره گرد هم جمع می‌کند. داستان موضوعی ساده را در بر می‌گیرد و با ریتمی آرام و ملایم، بدون رخ دادن اتفاقات گوناگون به پایان می‌رسد.

تصاویر کارتونی داستان با بهره‌گیری از رنگ‌های روشن و شفاف، ضمن به تصویر کشیدن قسمت‌هایی از داستان جلوه ویژه‌ای به آن بخشیده است. این کتاب برای کودکان سال‌های آغازین دبستان مناسب می‌باشد.

گاوهای آرزو

مؤلف: محمدی، محمد، تهران؛ خانه ادبیات، چاپ اول: ۱۳۷۸، ۲۲۴ صفحه.

دو ناپسری که در نهایت فقر با پدر و مادر و خواهرانش در روستایی نزدیک اراک زندگی می کنند در خیال خود در آسمان هفتم گاوهای زیادی دارند، خانواده او برای ادامه زندگی به تهران مهاجرت می کنند ولی چیزی جز رنج کار و فقر در انتظار آنها نیست. او در رؤیای گاوهایش و امید بازگشت به روستا تا مرز جنون کشیده می شود.

خلیج

مؤلف: وسال خلیج رابرت، ترجمه: شاهده سعیدی، تهران؛ نشر چشمه کتاب و نوشته، سال ۱۳۷۹، ۱۲۰ صفحه.

اندی نوجوان انگلیسی با نیروی شگفتی که در مغز خود دارد با نوجوانی عراقی به نام لطیف ارتباط برقرار می کند و لطیف در قالب او پدیدار می شود. در این زمان است که ارتباط اندی با دنیای پیرامونش کاملاً قطع می شود، از این رو همان درد و رنجی را تجربه می کند که لطیف در میدان جنگ با کویت ها در جنگ خلیج فارس دارد. این حالت روحی اندی تا زمانی که لطیف کشته می شود و جنگ پایان می پذیرد تداوم دارد تا اینکه...

لبخند اناز

مؤلف مرادی کرمانی، هوشنگ، تهران؛ معین. چاپ اول ۱۳۷۸، ۱۷۸ صفحه.

- مجموعه سه داستان تحت عنوان لبخند اناز با انتقاد از نظام آموزشی

- گوشواره در بیان فاصله طبقاتی موجود بین مردم و مادر که روایت زندگی دوباره دختری است که از زیر آوار زلزله جان سالم به در برده، اما پدر خود را از دست داده است و احساس گناه خود را متوجه مادر می کند.

خدا حافظ بابابزرگ

دولتی، الفی، ترجمه: طاهره علوی، تهران؛ نشر چشمه، کتاب و نوشته، سال ۱۳۷۹، ۱۳۵ صفحه.

میخائیل و خواهر و پدربزرگ با هم زندگی می کنند، پدربزرگ بیمار است و میخائیل او را بسیار دوست دارد و بیشتر اوقات خود را با او می گذراند و به قصه و خاطرات او گوش می دهد، روزی پدربزرگ به اتفاق میشی به تدفین یکی از دوستانش می رود و ۲ هفته بعد خود او می میرد...

نگار مجدفر دانش آموز دوم راهنمایی مدرسه مهیان:

شیطنت را دوست دارم



● با خواندن مطالب تخیلی شخصیت های داستانی را تجسم می کند و حتی گاهی اوقات خودم را جای شخصیت های داستانی می گذارم

از نویسندگان کتاب های داستان ایرانی چه کسانی را می شناسی؟
فریبا کلهر، هوشنگ مرادی کرمانی.
کدام یک از کتاب های هوشنگ مرادی کرمانی را خواندی؟
مریای شیرین.

چطور بود؟
خیلی خوب بود، البته ۳ سال پیش این کتاب را خواندم.
معمولاً کتاب هایت را چطور تهیه می کنی؟
گاهی اوقات به کتابفروشی ها مراجعه می کنم ولی اکثر اوقات از نمایشگاه بین المللی کتاب استفاده می کنم و کتاب های متعددی را می خرم.
وقتی وارد کتابفروشی می شوی معمولاً چه نوع کتابی نظرتان را جلب می کند؟
کتاب های هیجانی که متناسب با سن من باشد.
چون من شیطنت را دوست دارم.
پول توجیبی که از مادر و پدرت می گیری صرف چه کاری می کنی؟
معمولاً پول توجیبی ام را جمع می کنم، البته فقط بخشی از آن را صرف خرید کتاب می کنم.
عضو کتابخانه مدرسه هستی؟

گفت وگویی این هفته ما نیز به دلیل تعطیلی مدارس به صورت تلفنی انجام شد، با دانش آموزی که پدر و مادری روزنامه نگار دارد و البته پدر در زمینه های تکنولوژی آموزشی نیز صاحب تخصص و تجربه است. این گفت وگو را می خوانیم.

نگار جان! چقدر از وقت خود را صرف کتاب خواندن می کنی؟
معمولاً اوقات بیکاریم را کتاب می خوانم، حدود ۲ الی ۳ ساعت در روز.
به خواندن کتاب های درسی چقدر اهمیت می دهی؟
معمولاً باید تعادلی بین خواندن این دو گروه کتاب (درسی و غیر درسی) وجود داشته باشد. با توجه به اینکه حجم کتاب های درسی مدرسه تا حدودی زیاد است، ترجیح می دهم اول به تکالیف مدرسه ام برسم و در اوقات بیکاری کتاب های غیر درسی بخوانم.

معمولاً چه کتاب هایی می خوانی؟
من بیشتر کتاب های انتشارات کیمیا را می خوانم و اغلب اوقات رمان، داستان و حتی کتاب های علمی نیز می خوانم.

چه نوع رمانی می خوانی؟
تخیلی.
می توانی چند نمونه از کتاب های تخیلی را نام ببری؟
جزیره افسون گران و هری پاتر.

هری پاتر چگونه کتابی بود؟
هنوز تمام کتاب را نخواندم ولی تا آنجایی که خواندم کتاب خوبی نبود.
چرا، شما که می گوید به کتاب های تخیلی علاقمند هستید؟

بله، اما چون من جلد های ۱ و ۲ و ۳ هری پاتر را نخواندم و جلد ۴ آن را خواندم، برای همین شخصیت های داستانی برابم تا حدودی نامشخص بودند.

چرا به کتاب های تخیلی علاقه دارید؟
با خواندن مطالب تخیلی، شخصیت های داستانی را تجسم می کنم و حتی گاهی اوقات خودم را جای شخصیت های داستانی می گذارم.

دانش آموزان، اوقات فراغت و کتاب



محل برای حتی دید و بازدید بچه ها تبدیل شود (البته به صورت اختیاری) و در آنجا فضاهای بازی ایجاد شده و بخصوص کتابخانه آن به سرویس دهی به دانش آموزان بپردازد، می توان بخشی کوچک از این اوقات فراغت را پر کرد. در همین ایامی که صفحه دانش آموز به چاپ می رسید، از زبان برخی از مدیران، کتابداران و دانش آموزان خواندیم که فرصت کتابخوانی غیر درسی در ایام تحصیلی بسیار کم است، اما این فرصت در تابستان بسیار فراوان بوده و می تواند، محمل مناسبی باشد برای رونق کتاب و کتابخوانی.

همه ما می دانیم که کتابخانه های عمومی در تهران در مقایسه با جمعیت موجود بسیار کم هستند، به همین دلیل پسندیده است که کتابخانه های مدارس در ایام تابستان باز بوده و آماده پذیرش دانش آموزان باشند. اگر چه یک نکته بسیار ظریف باقی می ماند و آن اینکه، آیا این کتابخانه ها، عناوین مورد نیاز دانش آموزان را در مخزن کتاب خود دارند، یا اینکه عناوین تکراری با موضوعات و پرداخت تکراری تر قفسه های کتابخانه های مدارس را پر کرده و در نتیجه دانش آموزان را از هر چه کتاب و کتابخوانی است بیزار کرده و فراری می دهد.

اگرچه در چند سال اخیر سخن از اوقات فراغت دانش آموزان و برنامه ریزی برای تابستان آنها مدام در رسانه های گروهی و از زبان مسوولان تکرار شده و می شود، اما متأسفانه هنوز تعریف دقیقی از اوقات فراغت و چگونگی پر کردن آن به دست نیامده است. هنوز نمی دانیم که دانش آموزان از ایام تعطیلات خود چگونه بهره می برند، چه میزان از وقت

آنها صرف بازی (از جمله نیازهای اصلی این سنین است)، چه مقدار صرف مطالعه، چقدر آن صرف دیدن تلویزیون و رفتن به سینما... می شود. برخورد اکثر پدران و مادران با دانش آموزان و فرزندان خود سلبی (دفعی) است و نه ایجابی، در واقع عمده پدر و مادرها، یا به دلیل مشغله کاری و یا به جهت تنگ حوصلگی که نوعی می خواهند دانش آموزان را از سر خود وا بکنند و چون فاقد برنامه ریزی و بی اطلاع از مدیریت اوقات فراغت هستند، فرزندان شان یا اوقات فراغتی باری به هر جهت دارند و یا اینکه گرایششان به سمتی سوق پیدا می کند که اوقات فراغت نقشی منفی در سیر رشد آنها ایفا کند.

در این میان شاید نقش مدرسه و مدیریت آن را بتوان اندکی افزون تر دید؛ در واقع اگر مدارس در ایام تابستان هفته ای دو روز باز بوده و به

بله.
از کتابخانه مدرسه کتاب امانت می گیری؟
خیلی کم.
چرا؟
چون کتاب های دلخواه من (داستانی) را ندارد البته برای انجام کارهای تحقیقی و روزنامه دیواری به کتابخانه مراجعه می کنم.
موضوع روزنامه دیواری را چه کسی انتخاب می کند؟
معلم.
به صورت گروهی روزنامه دیواری را تهیه می کنید؟
بله.

می توانی به یکی از موضوعات روزنامه دیواری خودتان آن را تهیه کردید اشاره کنی؟
بله. موضوع در مورد پروین اعتصامی، شاعر معاصر بود مطالبی را از دوران کودکی، پیری و فوت این شاعر جمع آوری کردیم.
برای جمع آوری مطالب، کتاب ها را چگونه تهیه کردی؟

در منزلمان کتابخانه ای داریم و از کتاب های موجود استفاده کردم.
روزنامه دیواری چند نمره داشت؟
۵ نمره.
معمولاً برای تهیه کتاب های جدید با چه کسی مشورت می کنی؟
پدر و مادرم.

پدرتان بیشتر چه نوع کتاب هایی می خواند؟
بیشتر روزنامه و مجله و کتاب های متعدد می خواند در هر موضوعی مطالعه دارند. حتی کتاب های ترکی.
چرا کتاب های ترکی؟
چون پدرم اهل تبریز هستند.
مادرتان چه کتاب هایی می خواند؟
رمان.

آیا تا به حال مادرتان رمانی را برای شما تعریف کرده اند؟
بله.
چه رمانی؟
اجاق سرد آنجلو.
خوشت آمد؟
بله.

به شعر علاقه داری؟
بله، معمولاً شعرهایی که در کتاب سیلوراستاین هست را می خوانم.
از چه زمانی خواندن کتاب را شروع کردی؟
از زمانی که خواندن و نوشتن را یاد گرفتم.
ساعت مطالعه در مدرسه دارید؟
بله.

چه کتاب هایی می خواندیدی؟
معمولاً معلم کتاب های متعددی را به ما می دهنده ولی برخی از موضوعات اصلاً برابم جذاب نیستند. اما چون ۲۰ نمره برای آن در نظر گرفته می شود ما باید کتاب را در همان یک ساعت بخوانیم و خلاصه اش را بنویسیم.

در مسابقات کتابخوانی هم شرکت می کنیدی؟
شرکت در مسابقات اجباری است، یادم می آید روزی امتحان کتابخوانی داشتیم و فقط یک نفر از دانش آموزان کتاب را خوانده بود و بقیه مثل من کتاب را نخوانده بودند و همه ما از دوستان خواستیم تا خلاصه داستان را برایمان تعریف کند و او برایمان تعریف کرد و من در آن مسابقه (امتحان) موفق شدم.

به نظر شما یک نویسنده کتاب های نوجوانان چه مسائلی را باید در نوشتن کتابش در نظر بگیرد؟
نکات اخلاقی را زیاد مطرح نکنند، چون تکراری است و بیشتر سعی کنند مطالب هیجانی و طنز بنویسند که خیلی جالب است.

گزارشی از جشنواره ره آورد سرزمین نور کوله باری از عشق

جشنواره ره آورد سرزمین نور با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد. جشنواره ره آورد سرزمین نور که در پی ثبت لحظات خاطره انگیز بازدید از مناطق جنگی است در چهار حوزه، خاطره، شعر، عکس و فیلم برگزار می گردد. شرکت کنندگان دومین جشنواره ره آورد سرزمین نور در سه گروه سنی نوجوان، جوان و بزرگسال با یکدیگر به رقابت پرداختند.



در بخشی از بیانیه هیأت داوران این جشنواره آمده است؛ و اینک ما مانده ایم با کوله باری از عشق، هر چه بود در سفر بود، سفر به همه خوبی ها، سفر به بودن و نبودن، سفر به عشق، سفر به سرزمین نور. در این کره خاکی چه ماند جز عشق، هر چه بود سفر بود و عشق در این وانفسا، تکه پارچه ای از پیراهن خونی آغشته به عشق چه بلوای می کند، چه شوری می دهد و چه شوقی، بوی خاک می دهد، بوی تربت، بوی خون و اکثون بعد از دو دهه، هر بوی عطری که از خاک می آید، زنگاری خفته را از روی دل های خسته نام می زاید و مشام هر مسافری را به یادبودی از گل های بهشت می کشاند.

هیأت داوران در بخش خاطره به بازبینی ۱۳۷۶ اثر رسیده پرداخت. در طی بازبینی ۳۰۰ اثر را قابل راه یابی به مرحله دوم تشخیص داد.

در بررسی آثار، آن چه نمود بیشتری یافت، کمیت و کیفیت آثار ارائه شده در بخش جوان بود نسبت به سایر بخش ها، که از وجاهت و صلابت و ارزشمندی شایسته تری برخوردار بود.

هیأت داوران بخش خاطره، ضمن سپاس از تمامی دست اندرکاران و شرکت کنندگان نفرت برگزیده را به تفکیک گروه سنی به شرح ذیل اعلام می دارد:

در گروه سنی نوجوان، هیچ اثری حائز رتبه نشده، تنها دو نفر شایسته تقدیر می باشند:
 ۱- زهرا کتجه، عنوان خاطره: فقط گل ها
 ۲- حامد منفرد، عنوان خاطرات: ۱- رفتن به گلزار شهدا را فراموش نکنیم، ۲- رهبر من افتخار من
در گروه سنی جوان، برگزیدگان عبارتند از:
 رتبه اول: ملکه اسداللهی، عنوان: سکه های ده تومانی- رتبه دوم مشترکاً: ۱- غلامرضا جدیدزاده، عنوان: بوی خوش گلاب ۲- رحمان ایمانی، عنوان: خرده شیشه های من، رتبه سوم: فاطمه فاتحی، عنوان: قدمگاه غریب.
در گروه سنی بزرگسال: عنوان: جواد، جواد، رتبه اول: علی مختار باباخانی، عنوان: جواد، جواد،

منتخب را نیز در نمایشگاه عکس ره آورد سرزمین نور در معرض دید علاقمندان قرار داده است.
برگزیدگان در گروه سنی نوجوان عبارتند از:
 رتبه اول: سمانه حیدری، رتبه دوم: حمید حیدری، رتبه سوم: شهرزاد یوسفی
برگزیدگان در گروه سنی جوان عبارتند از:
 رتبه اول: بهاره اصلانی، رتبه دوم: زهرا سوری، رتبه سوم: مهدی صدقی

برگزیدگان در گروه سنی بزرگسال عبارتند از:
 رتبه اول: مجتبی کوچکی، رتبه دوم: مرضیه ابوتین، رتبه سوم: حسن حاجیلو
هیأت داوران بخش فیلم از بین ۳۸ فیلم ارسال، تعداد ۲۰ فیلم را قابل راه یابی به بخش سابقه دانست و پس از طی مراحل مختلف بررسی و داوری آثار برگزیده را در ۵ محور (بهترین متن، بهترین مضمون و موضوع، بهترین تدوین، بهترین تصویربرداری و بهترین کارگردانی) انتخاب و معرفی کرد.

تنها فیلم برگزیده جشنواره به جهت ثبت ایثار و از خودگذشتگی خانواده شهدا، «مسافران آسمان» به نویسندگی و کارگردانی آقای سیدرضا صافی می باشد. (لذا در این بخش هیچ اثری به عنوان رتبه دوم و سوم انتخاب نشد)
برگزیدگان بهترین متن عبارتند از:
 رتبه اول: مسعود قرایی، فیلم مستند غریب اما قریب

رتبه دوم: نویسنده متن فیلم کوی شیدایی به کارگردانی محمد سهرابی
 رتبه سوم: محمد نوری زاده، سفر به سرزمین نور
برگزیدگان بهترین مضمون و موضوع عبارتند از:
 رتبه اول: حمیدرضا نادری، فیلم و اما عشق
 رتبه دوم: محمد بهرامی، فیلم نقطه اوج
 رتبه سوم: سیدرضا صافی، فیلم مسافران آسمان
برگزیدگان بهترین تدوینگر عبارتند از:
 رتبه اول: سیدرضا صافی، فیلم مسافران آسمان
 رتبه دوم: فیلم غریب اما قریب
 رتبه سوم: رضا صبوری فیلم بیعتی دیگر

برگزیدگان بهترین تصویربرداری عبارتند از:
 رتبه اول: نقی قاسم پور، فیلم سفرنامه عشق
 رتبه دوم: حسن دیانت، فیلم بیعتی دیگر
 رتبه سوم: نقی قاسم پور، فیلم یک صبح یک غریبه
برگزیدگان بهترین کارگردانی عبارتند از:
 رتبه اول: سیدرضا صافی، فیلم مسافران آسمان
 رتبه دوم: حمیدرضا مراهاندیش، فیلم بلندی های بهشت
 رتبه سوم: عباس رسنگار مقدم، فیلم غریب اما قریب.
 در روز معرفی برگزیدگان جشنواره ره آورد سرزمین نور کارگاههای تخصصی در زمینه خاطره نویسی، شعر و نقد عکس برگزار شد.

نگاه ما به ادبیات جنگ

اشاره: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان از چندی قبل با انتشار اولین مجموعه داستان جنگ از رضا رئیس نام خود را در فهرست ناشران حوزه ادبیات پایداری ثبت کرد.

خاتم شهبلا لاهیجی مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان با صراحت انتقاد خود را نسبت به برخی تنگ نظری ها و سیاست گذاری ها در بخش خاصی از این حوزه وسیع ادبی مطرح کرده اند. با توجه به اینکه اکنون خود ایشان نیز در حوزه ناشران ادبیات جنگ قرار گرفته اند بدیهی است که انتقادات مطرح شده در این یادداشت تنها بخشی از این ناشران را در بر می گیرد.

کتاب هفته حق پاسخ گویری را برای همین عده نیز محفوظ می داند.



نگاه ما به ادبیات جنگ هم بگامی انتقادی است. به این مفهوم که به رغم هشت سال درگیر بودن با جنگ و صدمات غیر قابل جبرانی که به مردم ما وارد آمد، به رغم هشت سال دفاع مقدس و آن همه فداکاری ها و حماسه هایی که مردم کشور ما آفرینند و دوست و دشمن از آن به عنوان مردمی ترین جنگ جهان یاد می کنند، ما هنوز ادبیات واقعی جنگ نداریم.

این در حالی است که بخش مهمی از تاریخ ادبیات جهان را ادبیات جنگ تشکیل می دهد. شاهدیم که با وجود گذشت پنجاه و اندی سال از جنگ جهانی دوم، هنوز نویسندگان کشورهایی که درگیر این جنگ بودند، زمان هایی درباره آن می نویسند و درباره اش فیلم هایی می سازند که ارزش جهانی پیدا می کند. اما ادبیات جنگ ما، فقیر، سفارشی، غیر واقعی و بدون پرداخت ادبی است. این مشکل از آنجا ناشی می شود که چند نهاد که وابسته به حاکمیت هستند، خود را متولی و میراث خوار ادبیات جنگ می دانند، دست بر روی آن گذاشته و آن را در اختیار خود گرفته اند؛ چون بابت آن می توانند امتیازهای مالی بگیرند و دفتر و تشکیلات درست کنند. این نهادها، ادبیات جنگ را به نویسندگان محدودی که در اختیار خود سفارش می دهند، نویسندگانی که توانایی کافی برای خلق یک اثر ادبی ندارند. در نتیجه شخصیت هایی که در این آثار خلق می شوند، همه تک بعدی اند. شخصیت تک بعدی دیگر انسان نیست (شاید بشود گفت فرشته است) ایرانیان است و ایرانیان نمی تواند با مخاطب معمولی، انسان معمولی، ارتباط تکانتگ برقرار کند. کاری که باید در هر اثر ادبیات داستانی اتفاق بیفتد.

انسان به جنگ هم که می رود، حماسه هم که خلق می کند، ایثار هم که نشان می دهد، ترس دارد، تردید دارد، شک دارد و درست همین شک است که حماسه و ایثار او را ارزشمند می کند. مراحل عشق را در عرفان مادر نظر بگیرند. یکی از مراحل مهم آن شک است، شک بر همه چیز. و هر روزی طریقت اگر صادق باشد و اگر واقعا عاشق باشد دچار این شک می شود. جوانان ما در بهترین سال های زندگی جانشان را کف دستشان گذاشته و به جبهه ها رفتند و بسیاری هرگز بازنگشتند. آن عزیزان کاری را که تکلیف خود می دانستند، انجام دادند، اما ما در انجام تکلیف خود غفلت کرده ایم. ما دولتی کردن ادبیات جنگ جلوی فراگیر شدن این ادبیات را که می توانست هم جذاب و هم پر خواننده باشد، گرفته ایم. درست مثل فیلم های جنگی اما که تماشاگر جدی ندارد و فقط می تواند اوقات خالی برنامه های تلویزیونی دولتی را پر کند.

نهادهایی که این ادبیات را در انحصار گرفته اند، به دیگران اجازه ورود به این عرصه را نمی دهند. چون حمایت مالی پشت سرشان است، برایشان کیفیت اثر و خواننده مهم نیست. ناشر خصوصی هم نمی تواند وارد این عرصه شود چون پای سانسور در میان است. ناشر بخش خصوصی باید خواننده داشته باشد. نویسنده ناشر خصوصی باید اثری خلق کند که توانایی ارتباط با خواننده عادی را داشته باشد. چرا که باید اثرش باور شود، و واقعیت ها نشأت بگیرد، واقعیت های انسانی، چرا که انسان در آن دخیل است و انسان مجموعه ای از حالات و احساسات مختلف است. در همان زمان که در جنگ است، عاشق هم می شود، زیبایی و زندگی را هم ستایش می کند. من ناشر هستم و ادبیات را هم می شناسم. از ضعف عمومی ادبیات داستانی خودمان هم آگاهی دارم اما معتقدم که بخش عمده ای از ضعف ادبیات جنگ به ممیزی و دیده گاه موجود به مقوله جنگ بر می گردد.

شهبلا لاهیجی

خودخوان

بیست سال گذشت

بیستمین سالگرد اسارت حاج احمد متوسلیان در میوان گرامی داشته شد. سردار افشار رییس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در یادواره بیستمین سالگرد اسارت حاج احمد متوسلیان و هزار شهید شهرستان میوان خواستار آشنایی نسل جوان با ویژگی های اخلاقی این سردار شهید شد. حاج احمد متوسلیان به همراه ۵ دیپلمات ایرانی و کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی بیست سال قبل توسط نیروهای فلائو لبنان در این کشور ربوده شدند.

بخش ویژه دفاع مقدس

در نمایشگاه بزرگ کتاب استانی، که از دوم تا نهم مرداد ماه در کرمانشاه برگزار می شود، بخش ویژه ای برای دفاع مقدس در نظر گرفته شده است. در این نمایشگاه ۵۰۰ ناشر با ۴۷ هزار عنوان کتاب شرکت دارند.

کتابخانه جنگ و دو کار جدید

کتابخانه جنگ که از مدتی قبل با ارسال بولتنی تازه های کتاب را به اعضا معرفی می کند، در کنار دومین شماره این بولتن اولین فهرستگان موضوعی خود را نیز با عنوان زن و جنگ برای اعضا فرستاده است. دومین بولتن تازه های کتاب نیز با معرفی ۵۰ کتاب از تازه های نشر مهیا شده است. همچنین اولین شماره بولتن فهرستگان موضوعی با معرفی ۴۰ کتاب در حوزه ادبیات پایداری که مرتبط با موضوع زنان است، تنظیم و تهیه شده است.

تابل

داستان واره عقیدتی

سفر سیر تکاملی انسان، نویسنده: شهید حجت الاسلام دکتر قاسم صادقی، ناشر: بنیاد شهید انقلاب اسلامی، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه، ۲۵۵ صفحه، قیمت: ۹۰۰۰ ریال.

حجت الاسلام دکتر صادقی استاد دانشگاه و نماینده مردم در اولین دوره مجلس شورای اسلامی بود که در فاجعه هفتم تیر به همراه شهید بهشتی و ۷۱ شهید عزیز دیگر راه بقا را در پیش گرفت. یکی از تألیفات به جامانده از وی کتاب سفر سیر تکاملی انسان است که تاکنون چند مرتبه به اشکال مختلف منتشر شده است. شهید صادقی در این اثر به توحید، معاد، روح، معجزه و تکامل انسان در طی این مسیر می پردازد.



این کتاب که بنا بر شرایط روز به سبک و سیاق داستان واره نوشته شده، به میحت قدیمی عقل و عشق پرداخته است. در این اثر که آن را باید متعلق به یک دوره از حیات فرهنگی مردم کشورمان دانست، نویسنده مباحث عقیدتی خود را در قالب داستان ارائه کرده و هر کدام از شخصیت ها نماینده یک تفکر از سطح جامعه هستند. در این سبک خاص از نگارش داستان واره های عقیدتی نویسنده در همان صفحات اولیه موضوع کتاب را به خواننده معرفی می کند و بخش عمده مطالب کتاب به بحث درباره افکار و عقاید طرفین بر سر یک موضوع یا موضوعات مختلف مطرح در سطح جامعه اختصاص می یابد تا جایی که حتی شخصیت ها فراموش شده و مباحث مطر وحه صفحات را پر می کنند.

خانمچه و مہتابی

«خنیابگری (نقد موسیقی)» عنوان کتابی است، اثر یریمان سلطانی که توسط نشر آگرا بزودی به بازار کتاب عرضه می شود. همین ناشر دو کتاب دیگر از یریمان سلطانی با نام های «معاصر بودن» و «زن در موسیقی ایران» را نیز در دست چاپ دارد. دو نمایشنامه «مولودی شهر پارانی» و «خانمچه و مہتابی» اثر اکبررادی، کتاب های دیگری هستند از نشر آگرا که بزودی وارد بازار کتاب می شوند.

تخت جمشید

انتشارات خانه فرهنگ و هنر گویا کتاب «تخت جمشید» اثر امیرهمایون یگانه وارد دست انتشار دارد. این کتاب مجموعه عکسی است از تخت جمشید شیراز به همراه توضیحاتی به چهار زبان انگلیسی، آلمانی، فرانسه و فارسی که می تواند راهنمای خوبی برای گردشگران ایرانی و خارجی باشد.

هنر در گذر زمان

چاپ پنجم کتاب «هنر در گذر زمان» نوشته هلن گاردنر با ترجمه محمدتقی فرامرزی توسط انتشارات نگاه و آگاه وارد بازار کتاب می شود. انتشارات نگاه، همچنین چاپ سوم «در جستجوی زبان نو» نوشته رولین پاکباز را نیز بزودی منتشر خواهد کرد. گفتنی است از این نویسندگان، ترجمه کتاب «همگامی نقاشی با ادبیات» را نیز در گذشته شاهد بودیم.

قطعاتی برای تار و سه تار

«پانزده قطعه برای تار و سه تار» اثر لطف الله مجد و «ده آهنگ برای تار و سه تار» اثر همایون خرم کتاب هایی هستند که بزودی توسط انتشارات سرود به علاقمندان موسیقی سنتی عرضه می شود.

فصلنامه موسیقی سرنا

«فصلنامه موسیقی سرنا» ویژه موسیقی قرن بیستم توسط نشر آگرا و همچنین شماره جدید ماهنامه «ادبی، هنری، فرهنگی بایا» ویژه ادبیات معاصر ایران و جهان توسط انتشارات ویستار بزودی وارد بازار نشر می شود.

تئاتر و دین

«تئاتر و دین» عنوان کتابی است نوشته گابریل مارسل با ترجمه جلال ستاری که انتشارات نمایش آن را منتشر می کند. این کتاب شامل دو مقاله اندیشمندانه از گابریل مارسل است که نظر تازی را به عنوان فیلسوف و درام نویس و منتقد تئاتر در زمینه دین باوری ارائه می دهد. همین ناشر کتاب «نمایشنامه نویسی دهه چهل» نوشته مریم موحدیان را نیز در دست چاپ دارد که به یکی از دوره های مهم و تأثیرگذار تئاتر نوین ایران که نویسندگان شاخص و مطرحی را به عرصه هنر تئاتر ایران معرفی کرده است، می پردازد. مجموعه دو جلدی «دائرة المعارف پلنیاد» بخش تئاتر، ترجمه نادعلی همدانی و صفیه اصغیاء و «دفتر تعزیه ۵» (مجموعه تعزیه نامه ها) به کوشش هاشم فیاض و «دفتر تعزیه ۶» اثر محمد حسین رجایی زهرای کتاب های دیگری هستند از انتشارات نمایش که بزودی منتشر می شوند.

خرس های پاندا

«خرس های پاندا» عنوان نمایشنامه ای است از مانتی ویسنی یک با ترجمه تینوش تعلم جو که انتشارات ماموریز آن را در دست چاپ دارد.

مجسمه سازی

انتشارات اریحا کتاب های «مجسمه سازی ۲» و «گلسازی ۲» از اعظم آراسته بزودی وارد بازار کتاب می کند.

تئوری موسیقی، نوشته کلنل علیتقی وزیری، تهران، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۹، اروی صفحه عنوان، تهران - ۱۳۸۰، انتشارات صفی علیشاه، ۳۹۳ صفحه، مصور.

تجدید انتشار کتاب های معتبر قدیمی، کاری است که اگر قرار بر درست انجام دادنشان باشد، به مراتب بیش از تألیف کتابی جدید، وقت و نیرو می گیرد. در حوزه ادبیات قدیم و تصحیح متون خطی و تبدیل آنها به متون چاپی به صورت ویراسته و منقح، کارهای با ارزشی انجام شده است. ولی در حوزه موسیقی نه تنها چنین آثاری را نمی بینیم بلکه با کتابسازی هایی مواجه می شویم که آشکارا، نشان از بی مسؤلیتی کسانی دارد که با استفاده از فقدان مؤلف و یا بازماندگان آنها، با آسودگی خیال و فارغ از هر دغدغه ای، کتابی را تجدید چاپ می کنند و برگی زین (اگر کتاب نامه خود می افزایند) اگر قصد تجدید چاپ کتابی قدیمی، بدون تغییر و درست به همان صورت اولیه در کار بود، باز هم می توانست اقدامی فرهنگی به حساب بیاید. ضایعه، هنگامی است که شخص یا اشخاصی، بدون اینکه به صلاحیت خود و یا مسؤلیت کار خود بیندیشند، به خود حق می دهند که به میل خود در کتابی که استادی معتبر نوشته، دست بزنند و چه بسا به این کار مباحات هم بکنند.

وضعیت نشر آثار موسیقی در ایران به جز یکی دو حوزه محدود (و آنها هم با اغماض بسیار) چنان نأسف آور است که هرگونه سخن گفتن از آن، به نوعی در حکم موجه سازی و تطهیر آن است. به جرأت می توان گفت که در هیچ حوزه ای از فرهنگ و هنر و ادب و علم، چنین وضع ناهنجاری حاکم نیست. فقدان مراکز ذی صلاحیت و کناره گیری صاحب نظران از هرگونه دخالت در این امور، بر این آفتابش شوم می افزاید. محافظه کاری و بی تفاوتی صاحب نظران تا حدی است که در خصوصی ترین شوراهای ارزشیابی نیز از اظهار نظر مستقیم طفره می روند، مطالب را به کلی ترین صورت بیان می کنند و از امضای هر نوشته ای بیزحمت می کنند... معلوم نیست که این وضع به نفع کیست. در این هنگامه، وضعیت آثار قدیمی بسیار نگران کننده است. بسیاری از این آثار عملاً با صاحب هستند و افراد موقع شناس را بر می انگیزند که با نشر مجدد آنها فارغ از هر تعهد حقوقی و مسؤلیت هنری، نانی افزون به کف آرند و نامی بلندآوازه گردانند. چه بسا ناشرانی که



پیگیری روند مستمر این امور خیر (ا) هر دو مقصود را به کف آورده اند و از وزارت ارشاد نیز بابت خدمت های فرهنگی خود، امتیازات مادی و معنوی گرفته اند. نتیجه این هرج و مرج به نفع هرکس و هر جا که باشد، به نفع موسیقی و موسیقیدان نیست.

کتاب «موسیقی نظری» نوشته زنده یاد استاد علیتقی خان وزیری (و نه «کلنل») اولین بار در سال ۱۳۱۳ با کمک وزارت معارف و اوقاف در تهران به چاپ رسید و تا حدود پنجاه سال تجدید چاپ شد. علت آن، عدم علاقه وزیری، به تجدید چاپ این کتاب و مهم تر از آن نگارش کتاب دو جلدی «نظری به موسیقی» نوشته استاد فقید روح الله خالقی بود که عملاً بر پایه مطالب کتاب استادش - وزیری - قرار داشت. باین تفاوت که مفصل تر، روشن تر و با حواشی زیبایی همراه بود که هنوز هم می توان آنها را خواند و درس ها موخت. کتاب «موسیقی نظری» با امکانات هفتاد سال پیش و با چاپ سنگی، اثر زیبایی است که اگر آن را به همان صورت اولیه چاپ می کردند، بسیار آبرومندتر بود تا به این وضعی که اکنون می بینیم. از حروف نامناسب و بدخوان، فقدان فوت و فن های کتاب پرزای (روش های تدوین بصری کتاب) گرفته تا فقدان هرگونه ویراستاری (از ویرایش رسم الخطی تا ویرایش فنی که اصلاً و ابداً در چنین فضایی قابل تصور نیست) عجیب اینجاست که با وجود درج نام «ویراستار» آقای سعید درودی (کمترین ویرایش، در حد جداسازی «می» از افعال، در کل کتاب دیده نمی شود و معلوم نیست امر خیر ویرایش در

گفت و گو

گفت و گو با ناهید محمدشمیرانی مترجم کتاب «هنر در بارهای ایران»

اثری محققانه برای پژوهشگران تاریخ هنر

شده و از دوره تمدن هخامنشی جز در مقدمه کتاب ذکر می به میان نمانده است؟

تصور می کنم این سؤال را نویسنده بهتر می تواند پاسخ گوید. ولی به نظر من اگر کتاب از پایه به هنر ایران پس از اسلام می پردازد، به این دلیل است که جست و جو در هنر نگارگری، نقاشی، خوشنویسی و سایر هنرها، پیش از اسلام کاری حاصلی است. در واقع اگر از نمونه های حجاری و قلم زنی آن دوران بر روی سنگ و یا فلز صرف نظر کنیم، هیچ نمونه ای از نقاشی روی چوب بایوم و یا هر چیز دیگر برای بررسی در دست نداریم.

مطلبی که از تاریخ ایران و اوضاع سیاسی دوره های مختلف مطرح شده است، چقدر سندیت دارد؟ به نظر ناشر، این اثر یک کاتالوگ هنری است؛ نظر شما در این زمینه چیست؟

آقای سودآورنده به عنوان مؤلف، رخدادهای افت و خیزهای تاریخی را که از کتب گوناگون گردآوری کرده، تفسیر کرده اند که در کتاب هنر در بارهای ایران منعکس شده و من به عنوان مترجم کوشیدم عین مطلبی را که ایشان در کتاب آورده اند، به فارسی ترجمه کنم. اما ناشر ظاهراً در چند مورد در پاورقی کتاب با امضای خودشان اظهار نظرهایی کرده اند.

چرا نقاشی های گردآوری شده در این کتاب عموماً با آبرنگ است؟ آیا علت خاصی دارد یا در آن دوران از آبرنگ بیشتر استفاده می شده است؟

این یک سؤال فنی است و من هم تنها مترجم این کتاب هستم. به نظر بهتر است این گونه سؤالات را از مؤلف بپرسید.

پرداختم. از آنجایی که به مباحث تاریخ و هنر بسیار علاقه مندم پس از مطالعه آن، فکر کردم این اثر می تواند به عنوان یک تحقیق خوب و مناسب در اختیار پژوهشگران این رشته قرار گیرد. زیرا از لحاظ سندهای تصویری، آثار بکر و تازه ای در آن آمده است و نیز به سبب چاپ مناسب می تواند هنرمندان نقاش، نگارگر و گرافیسیت را به کار آید. با نشان دادن بخشی از ترجمه هایم به آقای محمدعلی رجیبی، سرپرست مکتب نگارگری کمال الدین بهزاد، ایشان مرا برای چاپ این اثر تشویق کردند. درباره نویسنده و جایگاه فکری او توضیح دهید و آیا در حین ترجمه این اثر، با ایشان در ارتباط بوده اید؟

خیر. در ابتدا شنیده بودم ایشان عرب هستند ولی پس از اتمام ترجمه متوجه شدم که آقای ابوالعلاء سودآور در سال ۱۳۳۴ در ایران متولد شده اند و استاد ریاضیاتی دانشگاه تهران بوده اند و از سال ۱۹۸۳ میلادی مقیم ایالات متحده آمریکا شدند و از همان سال تا کنون عضو کمیته بازرسی هنر اسلامی در موزه متروپولیتن و همچنین یکی از اعضای انجمن جمع آوری آثار در موزه های دانشگاه هارواردی باشند.

فکر می کنید چرا این دوره تاریخی یعنی از قرن هفتم هجری تا سیزده و چهارده هجری برای بررسی انتخاب



کتاب «هنر در بارهای ایرانی» گزینه ای از آثار هنری، بویژه نقاشی و خطاطی را در دوره های مختلف مورد بررسی قرار می دهد. در مقدمه به طور خلاصه موضوعات هنری و روند تاریخی هنر ایران تا دوره مغول و در فصل های بعد آثار هنری تا عصر قاجار را در بر می گیرد. نقاشی ایرانی نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و هر اثر هنری با توجه به تاریخ، حامی یا شخصیت تاریخی مرتبط با آن و نیز رخدادهای تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته است. ناهید محمدشمیرانی مترجم کتاب «هنر در بارهای ایران» متولد ۱۳۵۱ تهران دارای مدرک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد اسلامی است. ترجمه «هنر در بارهای ایران» نخستین تجربه وی در عرصه ترجمه است و گفت و گوی حاضر به بهانه انتشار این کتاب صورت گرفته است.

«در فرهنگی که از بیان مستقیم پرهیز داشته و مقاصد و مفاهیم را از طرق مختلفی چون: تمثیل روایی و شاعرانه منتقل می کرده، نقاشی می توانست است ابزار بیان مطلوبی برای نگرش شاعرانه غیر مستقیم باشد.» عبارات فوق بخشی از مقدمه کتاب «هنر در بارهای ایران» است که ابوالعلاء سودآور محقق نامدار ایرانی آن را نگاشته است و ناهید محمدشمیرانی برگردان فارسی اش کرده و نشر کارنگ آن را به بازار عرضه کرده است.

خانم شمیرانی، چگونه با کتاب «هنر در بارهای ایران» آشنا شدید و انگیزه شما برای ترجمه این اثر چه بوده است؟ به توصیه یکی از بستگانتان به مطالعه این کتاب

دستکاری های بی دغدغه

کجای کتاب صورت گرفته است.

به جای حروف سنگی زیبای قدیم، حروف بدخوان و چشم آزار را گذاشته اند ولی خاصه خرجی نکرده اند که نت های کتاب را حرف چینی کامپیوتری کنند. در حالی که این مورد، لزوم بیشتری داشته است و در حال حاضر کتابی در موسیقی نیست که از نت نویسی تمیز و صحیح امروزی بی بهره باشد. در عناوین فهرست (بخش اول) تنها به درج «درس اول» تا «درس بیست و چهارم» بسنده شده بدون اینکه سرفصل دروس، بعد از این عناوین بیاید، در حالی که در آنها با یک مراجعه ساده به متن کتاب نیز امکان داشت. درباره چاپ اول کتاب و درباره نویسنده آن، که پدر موسیقی نوین ایران و شخصیتی چندوجهی و بی نظیر است، حتی دو صفحه مقدمه و معرفی و حتی یک قطعه عکس نیز خرج نشده است و کسی که به موسیقی آشنا نیست (حتی آشنایان به موسیقی) وقتی کتاب را به دست می گیرد، کمترین ذهنیتی از اثر و مؤلفش ندارد. این کم فهرست ساده در انتهای کتاب برای راهنمایی مراجعان دریغ شده و... بویژه پاراگراف آخر که در صفحه ۱۶۹ آمده، بدون توضیحات لازم و بدون ترسیم شرایط تاریخی که این کتاب در بستر آن شکل گرفته، کاری است زائد و بی بهره مانند تمام «کارهای» که در نشر مجدد این کتاب صورت گرفته است.

تکمله: زنده یاد علیتقی وزیری، موسیقیدان بزرگ معاصر، در اواخر عمر، حیاتی را برای رسیدگی به آثار خود تعیین کرده بودند. با وقوع انقلاب و از هم پاشیدگی کارهای هنری، هیأت مذکور بر یک از گوشه ای فرارفتند و بیش از بیست سال، آثار استاد وزیری توسط ناشران مختلف، کپی برداری و دستکاری شد و بدون رعایت حقوق مادی و معنوی ورثت استاد، به چاپ رسیده است. با تشکیل هیأت جدید رسیدگی به آثار زنده یاد وزیری (کتاب، نت، نوار و...) نشر این آثار طی ضوابط قانونی انجام می گیرد و با افرادی که بدون مجوز کتبی و رسمی از متولی، این آثار را منتشر کنند، در چارچوب قوانین کشور برخورد خواهد شد. لازم به گفتن است که کتاب های دستور تار (۲ جلد)، دستور ویولون (۲ جلد) و سایر آثار منتشر شده استاد وزیری زیر نظر خانواده استاد، در دست نشر است.



**How to Win the Culture War:
A Christian Battle Plan for a society in Crisis**

**چگونه در پیکار فرهنگی پیروز شویم:
طرح مبارزه مسیحی برای جامعه بحرانی**

نویسنده: پتر جان کریفٹ Peter John Kreeft
۱۲۰ صفحه، ناشر: Intersarsity Press، ژوئن ۲۰۰۲،
بها: ۱۱ دلار.



به عقیده نویسنده بسیاری از مسیحیان در دام شعار «صلح! صلح!» گرفتارند در حالی که هیچ صلحی وجود ندارد. آنان چشمانشان را بر روی فشارهای معضلات اجتماعی بسته‌اند و باور دارند که مقاومت در برابر فرهنگ غالب بیهوده است. همزمان با آنان، گروهی دیگر از مسیحیان، با جوش و خروش اعلان جنگ می‌کنند و نمی‌دانند که میدان جنگی به وجود می‌آورد که در آن، مجروحان و تلفات نیروهای خودی و خطرناک‌تر در پیدایش دشمنان مسیحیت بیش از قربانیان دشمن است. مؤلف در کتابش چگونگی تجهیز برای پیروزی در این نبرد فرهنگی را در موضوعهای مختلف و به شیوه‌ای مؤثر و بیدارکننده مطرح می‌سازد.

**The Secret Place:
Passionately Pursuing His Presence**

جایگاه پنهان: عاشقانه در محضرش بودن

نوشته دکتر دیل ا. فایف Dale A. Dr. Fife، جوزف ل. گارلینگتون Joseph L. Garlington
۲۴ صفحه، ناشر: Whitaker House، فوریه ۲۰۰۲، ۱۷۹۹ دلار.



شبیفته این هستید که در محضر خداوند باشید؟ حسرت ارتباط قلبی با او دارید؟ آرزو دارید در زمره افرادی باشید که لطف و رحمت خداوند شامل آنان می‌شود؟ می‌خواهید در مکانی پنهان، به تأمل و تعمق بنشینید و او را عمیقتر بشناسید؟ این کتاب قدرت تأمل و تفکر، شناخت و معرفت و اشراق و الهام در درون شما به وجود می‌آورد، زمینه تجربه عمیقتر در ارتباط با خداوند را در شما فراهم می‌کند و در زندگی شما تحول می‌آفریند.

کتاب

اهل معرفت و اسماء و صفات الهی



اسماء و صفات حق، نوشته دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، چاپ اول، قطع رقی، ۲۹۹ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۱۴۵۰۰ ریال.

اسماء و صفات حق، بعد از ظهور مقام اطلاق ظاهر می‌شوند و همین مقام است که اهل معرفت، از آن به مشیت و مقام احدیت تعبیر کرده‌اند. در این مقام کثرت آشکار می‌گردد، چرا که حق - تبارک و تعالی - به اسماء و صفات خود ظاهر می‌شود. این صفات و اسماء حق تعالی عین ذات او و ازلی و ابدی است.

مظهر صفات و اسماء حق در عالم وجود، انسان است و در میان انسانها، پیامبران بهترین مظاهر آن صفات و اسماء‌اند. در میان همه پیامبران، پیامبر اکرم (ص) مظهر تام و کامل اسماء و صفات حق تعالی است.

نویسنده در این کتاب، سخنان حکما و متکلمان و برخی ارباب سلوک را در باب اسماء و صفات الهی مورد توجه قرار داده و بر بررسی و نقد و تحلیل آنها پرداخته است.

عناوین فصلهای کتاب عبارت‌اند از: اسماء و صفات حق؛ نصب مهربان از معرفت اسماء؛ صدرالمتألهین؛ برهان بدیع سبزواری؛ بیان بدیع برخی از اهل تحقیق؛ اسم، آئینه، آیت؛ عقل قدسی آئینه قدم است؛ کمال معرفت، معرفت کمال است؛ موضع خاص قاضی سعید قمی در باب اسماء و صفات حق؛ در نظر قاضی سعید، علم حق نه حصولی است نه حضوری؛ صفات فعل در نظر قاضی سعید قمی؛ معنی صفات حق از دیدگاه قاضی سعید؛ قاضی سعید، ابن سینا، افلاطون؛ ابداء یا ابتداء؛ امهات اسماء؛ ذات و صفت؛ اسماء حسنی الهی و اقتضای ظهور؛ سهروردی و افکار صفات حقیقیه حق تبارک و تعالی.

نیز از شاه‌الله در دو چاپ جدید می‌آید. در ده ساله گذشته تحقیق مفصلی هم در ده ساله گذشته با عنوان «تاویل طبیعت» یا فرهنگ نمادها و نشانه‌ها در اندیشه مولانا انجام داده که قرار است در دو جلد از سوی انتشارات سروش چاپ شود. این کتاب را قبلاً برای نظر خواهی به آقایان دکتر نصر، دکتر سروش و آقایان فانی و خرمشاهی ارائه داده‌ام و بنده را تشویق به اتمام آن کرده‌اند. فکر می‌کنم کار تازه‌ای است که به ویژه اهل هنر با آن رابطه مستقیمی دارند.

در حوزه عرفان مولانا، در حال حاضر کتابی در دست دارم با عنوان «گفتنمان شمس» یا نقد فرهنگ از نگاه شمس تبریزی، شامل نقد عرفان، فیلسوفان، متکلمان و فقیهان؛ زبان؛ ماهیت و شرایط و نحوه گفت و گو و نقد، نقد مبنی و مباحثی از این دست.

از علی تاجدینی این کتابها در دست چاپ است:

۱. فرهنگ جاودان المیزان: فرهنگی است از تعابیر و اصطلاحات در حوزه علوم انسانی که از تمام آثار علامه طباطبایی - از جمله المیزان - تحقیق شده است. این کتاب سالهاست که خاک می‌خورد و امسال به مناسبت صدمین سالگرد تولد علامه طباطبایی قرار است انتشار یابد.
۲. «بذر مشاهده» مجموعه مقالاتی است همگی درباره اندیشه‌های عرفانی امام خمینی؛ مقالاتی مانند ماهیت زبان عرفانی؛ شرح حافظ و مولانا، حکمت ذوقی در اندیشه امام خمینی، انسان کامل در اندیشه عرفانی امام خمینی و...

نسبت اخلاق با سیاست



امام، اخلاق، سیاست؛ نوشته سیدحسن اسلامی؛ چاپ اول؛ قطع رقی؛ ۲۹۴ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ تهران؛ بها: ۱۰۰۰۰ ریال.

موضوع این کتاب که به عنوان پژوهش فرهنگی برگزیده سال انتخاب شد، اخلاق و نسبت آن با سیاست از دیدگاه امام خمینی است.

بخندای این نوشته در سه بخش فراهم آمده است: بخش اول با عنوان منظومه اخلاقی امام به تعریف ناپذیری انسان؛ انسان در وضع طبیعی؛ انسان، عرصه نبرد خیر و شر؛ مدیریت غریز؛ دنیا و آخرت؛ فلسفه رنج؛ علم، یار شاطر یا پارخاطر؛ و رفتار برآمده از اصول اخلاقی می‌پردازد. بخش دوم با عنوان اخلاق و سیاست به بررسی رابطه اخلاق و سیاست؛ آموزه جدایی اخلاق از سیاست؛ آموزه تبعیت اخلاق از سیاست؛ آموزه دو سطحی اخلاق و سیاست؛ آموزه یگانگی اخلاق و سیاست؛ و امام و سیاست اخلاقی می‌پردازد. بخش سوم با عنوان سه رکن اخلاقی سیاست به صداقت، انتقادپذیری و ساده‌زیستی اشاره دارد.

دهد. اگر چه در این کتاب خیلی مختصر به آن اشاره شده است. قصد دارم در مقاله‌ای مفصل این نظریه را به تفصیل بررسی کنم. فکر می‌کنید جای چه اثری در همین زمینه کتاب اخیر شما خالی است؟

جای کتابی که به تجزیه و تحلیل افکار مطهری به ویژه در مقایسه با آن چه به نام وی در طول ۲۰ سال استفاده شده خالی است. بنده امیدوارم بتوانم به تدریج در ضمن مقالاتی که به مطبوعات می‌دهم، موفق به پر کردن این جای خالی شوم. چه کتابهایی را در دست تألیف دارید؟

تاجدینی: بحث از حوزه سیاست در اندیشه مطهری به مراتب برای ما از سایر مباحث ضروریت است



به اعتقاد بنده شیوه نقادی این آثار است. کمتر دیده‌ام که یک فکر یا توجه به ریشه‌ها و زیرساختهای آن مورد نقد قرار گیرد. به هر حال کسی که ادعای تفکر می‌کند، یک سلسله پیشفرضهایی را به صورت پایه‌های فکری بنا کرده است. اگر بتوان متعرض آن زیرساختها شد و استحکام یا سستی آن را نشان داد، سستی یا استحکام طبقات، خود به خود روشن می‌شود.

بجز اندیشه‌های معاصر، اندیشه‌های عرفانی به ویژه مکتب مولانا - شامل خود مولانا، شمس، پدر مولانا و اساتید دیگر وی

حرفهای سیاسی محفلی از آن نوع سخنان و شعارهایی که سیاسیون، له یا علیه رژیمهای سیاسی به کار می‌برند، کمتر یافت می‌شود. بنده با تحقیق در کتاب «استاد مطهری به روایت اسناد ساواک» که مدتی است منتشر شده است، به گفتارهایی از ایشان درباره مسائل روز جامعه ایران برخورد کردم که در هیچ یک از کتابهای استاد طرح نشده بود. در این کتاب فصلی از این نوع سخنان آمده است.

ثانیاً در این کتاب تا حدی نشان داده شده که استاد مطهری میان اسلام و دموکراسی تعارضی نمی‌دیدند. یکی را از نوع محتوا و دیگری را از مقوله شکل و قالب تحلیل می‌کرده‌اند. مطابق نظریه مطهری، دموکراسی شیوه‌ای است که علم جمعی بشر به آن دست یافته و لذا مبارک است. اما دموکراسی نیز شیوه نهایی نیست. اگر احیاناً علوم سیاسی و تجربه سیاسی به مدل دیگری که از دموکراسی کارآمدتر است، برسد، اسلام به آن روی خواهد کرد.

ثالثاً در جامعه اسلامی، ایدئولوژی مردم، اسلام است و دموکراسی اقتضای می‌کند که ایدئولوژی مردم مورد احترام قرار گیرد. بنابراین اسلامشناس از طرف مردم حق نظارت پیدای می‌کند. در حوزه اجرانی اساساً مرحوم مطهری در صفت عدالت به شکلی که در فقه آمده تردید کرده‌اند. در اجرا آن چه مهم است کارآمدی است.

رابعاً مردم‌سالاری اسلامی تنها با قرائت استاد مطهری می‌تواند پشتوانه تئوریک پیدا کند. متأسفانه در جامعه فعلی به دلیل فشارهایی که از خارج و داخل هست گاهی مسئله‌ای طرح می‌شود و به دنبال آن و برای فرار از مشخصه‌ای شعاری مطرح می‌گردد. به نظر می‌رسد این شعارها، متکی به مطالعات تئوریک قبلی نیست و از قضا چون شعارهای جذابی است، مدتی محل بحث و گفت و گو می‌شود. در نهایت هم تحقیقاتی انجام شده و ثابت می‌گردد که آن شعار از درون دچار تناقض است. در اندیشه مرحوم مطهری تا آنجا که بنده فکر کرده‌ام، حقیقتاً می‌توان پشتوانه‌ای قوی از فکر اسلامی یافت که بتواند «مردمسالاری اسلامی» را به خوبی توضیح

کتاب کتاب

تقریری از درسهای اصول امام خمینی (ره)

متممداصول: تقریر اباحت‌الاستاد اعظم والعلامة الانتم آيةالله العظمى السيد روح الله الموسوى الخمينى قدس سره (۲ جلد)، جلد دوم، نوشته آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۱۵۰۰۰ ریال.

این کتاب به زبان عربی و شامل تقریر درسهای اصول امام خمینی (ره) است.

در این مجلد (جلد دوم) آگاهی‌هایی درباره اصل براهت و مباحث اصلهای اختیار و اشتغال و شرایط اصول و بحثهای تعادل و تراجم و اجتهاد و تقلید را به تفصیل می‌توان خواند.

نظریه انقلاب اسلامی



انقلاب و اندیشه: مباحثی در جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، نوشته دکتر علی محمد حاضری، ویراسته آفسانه دژیان گوی، چاپ اول، قطع وزیری، ۲۸۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۱۲۰۰۰ ریال.

این کتاب که عهده‌دار کاوش در ابعاد گوناگون جامعه‌شناختی انقلاب اسلامی است در بخشهای مختلف خود به فرایند بالندگی ایدئولوژی انقلاب اسلامی؛ هویت تاریخی و انسان‌شناسی انقلاب به عنوان عامل مغفول تبیین انقلاب اسلامی؛ روند تحول آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر؛ ارزیابی نظریه کاریزما در تطبیق با واقعیت انقلاب اسلامی ایران؛ تأملی در علل و پیامدهای انقلاب فرهنگی؛ امام خمینی به عنوان فقیه و فیلسوف فکرها؛ مسائل اجتماعی متأثر از تعارض ارزشها در دوران گذار؛ واگرایی و همگرایی علم و دین در تاریخ معاصر ایران؛ هویت فرهنگی و گفت‌وگو تمدنها؛ آسیبها و خطرات ایران وحدت حوزه و دانشگاه؛ و بررسی عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان در حوزه فرهنگ می‌پردازد.

این آیات کتاب روشن و روشنگر است. ما آن را در قالب خواندنی به زبان عربی فرو فرستادیم تا شما که عرب زبان هستید [پتوانید آن را دریابید و] در آن بیندیشید. قرآن کریم، سوره یوسف، بخشی از آیه ۲

کسی که خود را با کتابها آرامش دهد، هیچ آرامشی را از دست ندهد. امام علی (ع)، گزیده میزان الحکمه، حدیث ۵۴۴ به نقل از غررالحکم

دنیایچه

تاریخنویسی و داستان نگاری مذهبی: نکته ها و چالشها- ۶

ابزارهای درون متنی سنجش و درک

۲. زبان غیرنمادین

در ادیان الهی و در متون مقدس این ادیان، تا آنجا که به سخن خداوند و مقدسان مربوط می شود به این ارتباط می یابد که خداوند خواسته است با مردم سخن بگوید یا فرد مقدس خواسته است پیامی را به مردم برساند یا مطالبی را با آنان در میان بگذارد. اصل و فرض بر این است که زبان متر، طبیعی و غیرنمادین است. به عبارت دیگر، قرار است با مردم به گونه ای زیبا، ساده و عادی سخن گفته شود و پیامهای منافع مقدس به این وسیله به مردم برسد. در واقع، مفاهیم، به زبان مردمی بیان می شوند تا هیچ گونه شک و شبهه در تأویل و اختلاف در فهم معنای پدید نیاید و همگی از عارف و عامی معنی سخن را دریابند. قرآن تصریح دارد که فرستادگان خدا «بازبان قوم خود» با مردم سخن می گویند تا ابهامی در کار نباشد (سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۴).

این که معنای ممکن است در حوزه تأمل و تدبیر، دارای آموزه های عمیق و تو در تو یا لایه های متعددی از معرفت باشد، چیز دیگری غیر از وحدت معنی الفاظ است. در زبانهای غیر نمادین، الفاظ معنی حقیقی و متبادر خود را دارند. کوه، درخت، آب، آسمان، سیب، مرغ، زن، پسر، دست، سر و همه الفاظ دیگر، به معنی کوه، درخت، آب، آسمان، سیب، مرغ، زن، پسر، دست، سر و دیگر معانی متبادر و حقیقی خویش اند و از این معانی عدول نمی کنند. در زبان طبیعی و غیرنمادین، هر گونه مجاز، تشبیه، تمثیل، استعاره و نمادنگاری حتماً دارای الفاظ و ادوات خاص خویش و قراین لفظی و معنوی است.

دلایل غیرنمادین بودن زبان کتابهای آسمانی بسیار است از جمله این که در طول تاریخ، چه مؤمنان معاصر و وحی و چه مؤمنان نسلهای بعد، برداشت حقیقی از الفاظ متون مقدس داشته اند. مؤمنان نمی پنداشته اند که مثلاً فردی به نام «نوح» وجود نداشته است یا بلبل موجودی خارجی نیست یا مقصود از غسل نه شست و شوی تن که پاکسازی روح و تهذیب نفس بوده است یا پادشاه کبیرهایی که در جهان آخرت اند، همگی روحانی اند و هیچ گونه شاخصه دیداری، شنیداری و دیگری ویژگیهای حسی مانند بعد و شکل خاص و قابلیت لمس ندارند.

یکی دیگر از دلایل غیرنمادین بودن زبان متون مقدس این است که اگر قرار بود خداوند و قادیسان به زبان حقیقی سخن گویند و از موجودات حقیقی و دستورهای عملی بگویند، باز همین زبان را می بردند. سپس چه تفاوتی میان زبان حقیقی و نمادین و چه دلیلی است برای آن که الفاظ و دلالتها را از صورتهای حقیقی خود دیگرانیم. دلایل دیگری که برای حقیقی بودن معنای متون مقدس می توان برشمرد.

نمادگرایی در تفسیر متون مقدس و نظریه مجازی و نمادین بودن همه یا برخی از واژه ها و گزاره های دینی بعد از آن است که بسیاری پدید آمده که منکر بخشی از آموزه ها یا دستورهای دینی بودند اما نامی خواستند یا نمی توانستند الفاظ را تکذیب کنند.

بنابراین، اصل در درک معنی متن مقدس بر این است که معنای، سمبولیک و نمادین نیستند و زبان، زبان تمثیل و استعاره و مجاز نیست مگر آن که قرآینی لفظی یا قرآینی دیگر در متن، با قرآینی صریح و قطعی و یقینی از عقل یا علم یا حکمت دیگر در متن مقدس، یا شرایط و موقعیت مخاطبان مستقیم آن بخش از متن (که وجود آن شرایط از نظر علمی و تاریخی ثابت شده باشد)، معنی دیگری بجز معنی ظاهری و حقیقی به همان بخش از متن ببخشد و برای ما کشف کند که مخاطبان نخستین سخن قدسی نیز آن بخش را به همین گونه غیر ظاهری درمی یافته اند.

کتاب

منش و بینش امام (ره)

الخميني، روح الله؛ سيرة ذاتية، الجزء الاول؛ نوشته دکتر علی قادری؛ ترجمه منیر سمودی؛ چاپ اول؛ قطع وزیری؛ ۴۴۱ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه؛ انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ تهران؛ ۱۳۲۲ ق = ۲۰۰۱ م = ۱۳۸۰ ش؛ بها؛ ۹۰۰۰ ریال.

این کتاب به زبان عربی است، به زندگی معنوی و سیره عملی و اخلاقی امام خمینی از ابتدای عمر می پردازد.

تجدید و نوآوری

گفت و گو با علی تاجدینی به انگیزه انتشار «در آمدی بر اندیشه سیاسی استاد مطهری»

اندیشه سیاسی مطهری
کارآمدترین مبنای عمل جمهوری اسلامی



● علی تاجدینی: در اندیشه مرحوم مطهری می توان پیشتوانه ای قوی از فکر اسلامی یافت که بتواند مردمسالاری اسلامی را توضیح دهد

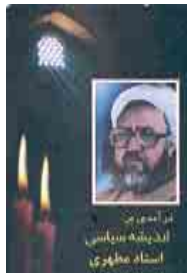
شما که کتاب «اندیشه سیاسی شهید مطهری» را تألیف کرده اید علت پیدایش این دیدگاه را چه می دانید که می گویند «شهید مطهری سیاسی نبوده است»؟

در آثار مرحوم مطهری، کمتر از هر بخشی، مباحث سیاسی طرح شده است و احیاناً اگر مطالب سیاسی یافت شود، از نوع فلسفه های سیاسی است که آن هم نه به طور مستقل بلکه در ضمن بحثهای دیگر آمده است. این در حالی است که اگر کسی با اندیشه های استاد مطهری به خوبی آشنا باشد، می داند که وی عمیقاً دنیا را با دین توأم می دیده و به دنبال تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی بوده است اما کمبود مطالب صریح در عرصه سیاست برخی را به این موضع کشانده که آقای مطهری سیاسی نبوده است. ما در فصل اول کتاب که سیر زندگی سیاسی شهید مطهری را توضیح داده ایم به نحو مستوفای این مسئله پرداخته ایم.

فکر می کنید طرح دیدگاههای سیاسی شهید مطهری تا چه حد می تواند کاربرد امروزی داشته باشد؟

از طرفی اهمیت که اندیشه های شهید مطهری از نظر عمق و نظر اسلامی دارد، باعث می شود تا اگر وهمای مختلف فکری از چپ و راست، نظر خود را مستند به استاد مطهری کنند. مثلاً در بحثهای جامعه مدنی، آزادی و دینداری، جمهوریت و اسلامیت و مردمسالاری دینی که در سطح جامعه مطرح می شود، دیدگاههایی به نام شهید مطهری در رد یا قبول نظریه ای مطرح می گردد. مباحث سیاسی از این دست تا

تأمل است. از قضا در حوزه اندیشه سیاسی با کتابها و مقالاتی روبه رو هستیم که در برخی از آن کتابها و مقالات، نویسنده اثبات می کند که مثلاً شهید مطهری معتقد به نظریه «تصب» در بحث ولایت فقیه بوده است، و در برخی مقالات نظریه «انتخاب» اثبات می شود. حال آن که یکی از این دو مبنا یا هیچ یک از این دو نظر درباره دیدگاه شهید مطهری ممکن است صحیح نباشد. برای جامعه اسلامی اهمیت زیادی دارد که بدانند در تفکر مرحوم مطهری که «عقل» اصالتی فوق العاده دارد و بسیار هم



● تاجدینی: استاد مطهری میان اسلام و دموکراسی تعارض نمی دیده اند

با واقع بینی توأم است بحث از مشروعیت، ولایت فقیه، رابطه مردم با حاکمان، نهاد های حکومتی، مبانی حکومت دینی و مسائلی از این دست چه پاسخی می یابد. بنابراین بحث از حوزه سیاست در اندیشه مطهری به مراتب برای ما از سایر مباحث ضروریتر است اگر چه متأسفانه بحثهای آن شهید درباره حکومت بیش از چند جلسه ادامه نیافت و ما با کتابی که در آن، نظریه سیاسی وی به صورت منظم تشریح شده باشد، روبه رو نیستیم، اما در مقابل، میراثی از اندیشه های فلسفی، کلامی و اجتماعی مطهری در اختیار ماست که می توان با تحقیق و تأمل به بازسازی اندیشه سیاسی او پرداخت.

آن چه اهمیت طرح اندیشه سیاسی مطهری را افزایش می دهد، نظراتی است که در روزگار ما از تریبونهای گوناگون به نام اسلام مطرح می شود. معتقدم که معقولترین و کارآمدترین تفکری که جمهوری اسلامی باید آن را مبنای عمل خویش قرار دهد، اندیشه های مطهری است. متأسفانه تفکر و روش تفکر وی به رغم آن که مطهری مطهری زیاد می شود اما به دلایلی که چندان هم پوشیده نیست، مهجور است.

چرا در عنوان کتاب خود واژه «درآمد» را نهاده اید؟

بنده در این کتاب تلاش کردم که ابتدا آن چه را از شهید مطهری در حوزه سیاست باقی مانده است، جمع آوری و منقح کنم تا سندی باشد که با آن بتوان به آرا بی که به نام مطهری اعلام می شود، مراجعه کرد و آنها را بدان سنجید. اعتقاد دارم که بسیاری از نویسندگان محترم ایران، در گفتن مسائل عجله دارند و بدون آن که برای پژوهش در موضوعی وقت و دقت کافی به کار ببرند، نظر می دهند. کتاب حاضر می تواند این نیاز را تا حدی برطرف کند.

در این کتاب چه حرفها و نکات تازه ای آمده است؟

از جمله حرفهای تازه این کتاب چند چیز است. اولاً در آثار مرحوم مطهری،

درآمدی بر اندیشه سیاسی استاد مطهری، به کوشش علی تاجدینی، چاپ اول، قطع رقی، ۲۱۶ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه، نشر هماهنگ، تهران، ۱۳۸۱، بها: ۸۵۰۰ ریال.

این کتاب در چندین فصل بلند با عنوانهایی فرعی به: استاد مطهری و عالم سیاست؛ حکومت در اسلام؛ مبانی مشروعیت حکومت دینی در اندیشه شیعه؛ مبانی اندیشه سیاسی در تفکر استاد مطهری؛ اصول حاکم بر نظام اسلامی؛ استاد مطهری به روایت ساواک؛ نظریه ولایت فقیه؛ انتظار از حکومت؛ و مردسالاری دینی می پردازد و به گفته ها و نوشته های شهید مطهری یا درباره آن شهید استاد می کند. با توجه به این که گردآوری موضوعی آثار کسانی همچون شهید مرتضی مطهری می تواند دیدگاههای خاص آنها را بیان کند، در یافتن پاسخ به برخی پرسشهای زمان به کار آید و کار پژوهشگر را در یافتن و گردآوری مطالب آسان سازد، گفت و گویی داشته ایم، با مؤلف «درآمدی بر اندیشه سیاسی استاد مطهری» درباره ضرورتها و بایسته های این اثر.

۱. اهتزاز روح، مبانی زیبایی شناسی و هنر در اندیشه مرحوم مطهری.
۲. دقات ملکوتی، شروح و نقد ادبیات عرفانی بر مبنای اندیشه استاد مطهری.
۳. مجموعه مقالات مبانی معنوی هنر، ج. اول.
۴. مفتاح نور، شرح اصطلاحات عرفانی و فهرست موضوعات عرفانی آثار حضرت امام خمینی.
۵. شهید مطهری و انقلاب اسلامی.
۶-۸. چند یادنامه از استاد مطهری با نامهای «جلوه های معلمی استاد»، «از علامه طباطبائی با نام «یادها و یادگاراها» و شهید سید مرتضی آوینی با نام «همسفر خورشید».
۹. معلم نمونه، تفکر و روش تعلیمی و تربیتی استاد شهید مطهری.
۱۰. روشنفکری از نگاه روشنفکران ایرانی، انتخاب مقالات و مقدمه کار مشترکی با برادر حسین علیزاده. (این کتاب پیش نشد چون ناشر کار خود را تعطیل کرده و کتابها در انبار مانده است.)

۱۱. اندیشه سیاسی شهید مطهری. از نمونه مقالاتی که از وی در مطبوعات به چاپ رسیده می توان به «مقدمه ای بر اندیشه اجتماعی شهید مطهری»، «نسبت تفکر و عمل اجتماعی»، «علم و «دین در اندیشه مطهری»، «سروش و داوری»، «ماهیت تکنیک»، «نقد دیدگاههای داوری و شهید آوینی»، «مردسالاری دینی در اندیشه شهید مطهری»، «نهضت های ضد عقل در تاریخ اسلام»، «تصحیح و وجود در اندیشه استاد مطهری»، «مقایسه تطبیقی مبانی هنر در اندیشه شریعتی و مطهری»، «آراء منتقدین مسلمان درباره سینما»، «اسبب شناسی جامعه مذهبی»، «ولایت فقیه در آراء امام خمینی»، «مفاهیم سیاسی در اندیشه علامه طباطبائی»، «تأثیر اندیشه امام خمینی بر نثر سیاسی وی»، اشاره کرد.

کتاب مرکز فوریت‌ها

شرکت و مؤسسه محصولات فرهنگی دیگری غیر از کتاب مثل فیلم و CD و نوار کاست و... هم ارائه می‌دهد. آقای کجویی می‌گوید: «فازهای بعدی این طرح در مراکز شهرستان‌ها اجرا خواهد شد.» وی می‌افزاید: «هر فرد تهرانی می‌تواند با شماره ۶۴۰۲۲۵۵ (۶۴۰ بزودی به شماره‌ای ۳ رقمی تبدیل می‌شود) تماس بگیرد و نام کتاب مورد نظرش را بر ای‌میل بگوید اگر کتاب در فهرست ۶۰۰۰ عنوان کتاب ما باشد، ظرف ۲۴ ساعت و اگر کتاب ایران است: «در راستای لزوم فعالیت‌های نظری و تئوریک در حوزه بازرگانی نشر از سال قبل در این مرکز واحد تحقیق و مطالعه بازار شروع به کار کرد و پیرامون شیوه‌های رایج در بازار نشر مزایا و معایب آنها بررسی‌های کارشناسی به عمل آمد که از جمله آنها روش ارتباط مستقیم (direct dialogue) بود.»

وی معتقد است: «این تئوری در بازار نشر ما جایز خالی است و اکثر تولیدکنندگان اطلاعات را بصرف کنندگان ارتباط مستقیم ندارند و بین آنها را افرادی پر کرده‌اند که متأسفانه منفعل نیستند و در انتقال محصول از تولید به مصرف دخالت، رد یا پذیرش می‌کنند. نمونه آن کارهایی است که یک کتابفروش با کتاب می‌کند و هنگام عرضه کتاب درباره آن قضاوت و دخالت می‌کند. قضاوت این فرد و ممیزی غیرقانونی‌اش باعث ماندن کتاب در انبار است.»

اینجاست که تئوری ارتباط مستقیم با مخاطب ارزش خود را پیدا می‌کند و طرح مرکز فوریت‌های کتاب نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. کتابت کجویی تعریف جدیدی از نشر ارائه می‌دهد که آن را زیر شاخه‌ای از صنعت چاپ نمی‌داند و معتقد است: «یکی از صنایعی که نشر به خدمت می‌گیرد چاپ است و نشر یعنی انتشار اطلاعات از هر طریقی نه فقط چاپ.»

از طرف دیگر در بازار کتاب دو نوع مشتری وجود دارد. الف: مشتری‌هایی که بر نادانسته‌های خود مشرف هستند و به دنبال برطرف کردن آن نقص هستند. به این دسته مشتریان هدفدارم گفته می‌شود. ب: مشتریانی که نمی‌دانند چه می‌خواهند و در واقع به دنبال این هستند که چه کتاب‌هایی منتشر شده تا بتوانند از میان آنها گزینش کنند. این دسته اکثراً جهت موضوعی کتاب را در نظر دارند.

کجویی می‌گوید: «مرکز فوریت‌ها بر اساس ارتباط با گروه اول مشتریان، تأسیس شده است. از نظر ما مشتری کتاب با مشتری سایر کالاها متفاوت است چون ارزش وقت آنها بیشتر است و حتی نیازهایشان نیز متفاوت با افراد عادی است.»

مرکز فوریت‌های کتاب ایران از مشتری می‌پرسد که چه کتابی می‌خواهد و کتاب را به در منزل او می‌دهد بدون اینکه مبلغی بیشتر از قیمت پشت جلد کتاب از مشتری اخذ کند.

مرحله اول مرکز فوریت‌ها در تهران اجرا می‌شود ظاهراً ۷۰ درصد مخاطبان تهرانی هستند. کل کتاب‌های این مرکز ۶۰۰۰ عنوان است که متعلق به انتشارات سروش و ۲۱۰ ناشر دیگر است.

البته این مرکز غیر از کتاب با همکاری ۲۲

من کرد و بسیاری از منابع را در اختیار گذاشت. جادو که از او تشکر کنیم. جزوه ۱۸۰ صفحه‌ای دانشگاه هاروارد که به اسم «تاریخ شفاهی ایران» منتشر می‌شود، کمک زیادی به من کرد به این دلیل که ساعدی در آنجا بدون هیچ پرده‌پوشی حرف زد. این ساعدی، ساعدی در تهران نبود. به هم ریخته و داغان بود ولی حرف‌هایی که زد، نگران این نبود که جالبی به کسی بر بخورد، پنهان کاری نکرد و صریح و بی‌پرده حرف زد.

در ایران هم جریان ساعدی را به سمت خاصی از نوشتن هل می‌داد. با این گزینش، ماندن و رفتن ساعدی چندان در سرنوشت آقاوش اثرگذار نبود!

ببینید، این مسائل را ساعدی در کتابش به صراحت مطرح می‌کند و می‌گوید: آنچه می‌نویسم خوانده نمی‌شود و آنچه هم خوانده می‌شود، فهمیده نمی‌شود. این یک واقعیت است. روشنفکران ما هم آثار یکدیگر را نمی‌خوانند.

با احساسات نمی‌شود وارد بازی‌های سیاسی شد. ساعدی در کتاب اشاره می‌کند به آنجا که رفت همه شروع کردند از شهرتش بهره برداری کردن، از موقعیت اجتماعی‌اش سوء استفاده کردن. ساعدی یکی از برجسته‌ترین نماینده‌های نوسان دهه چهل و پنجاه ایران بود. ساعدی قربانی صداقت خودش شد.

به همین دلیل است که در مقدمه کتاب مطرح می‌کنید، ساعدی قربانی تب تند عوام‌زدگی روشنفکری شد؟ این همیشه مطرح بود که ساعدی چرا مثل شاملو و دیگران نتوانست با «سیاست کج دار و مرین» در ایران بماند و به زندگی‌اش ادامه دهد

عوام‌زدگی را می‌توانید تشریح کنید؟ ببینید، کشاندن اهل ادبیات به بازی سیاست اگر نگوئیم خیانت، باید بپذیریم که اشتباه بزرگی بود. فکر نمی‌کنید، قبل از انقلاب بخش غالب ادبیات ما در حوزه داستان و رمان و شعر، سیاسی بود و غیر از این هم با اقبال خواننده روبه‌رو نمی‌شد؟ امثال زرین کوب، زریاب خوبی و... اصلاً مطرح نبودند، چون آثار سیاسی نمی‌نوشتند. از آن طرف افرادی با سبک شعر سیاسی به شهرت می‌رسیدند، هر چند بعدها فراموش شدند.

همین است. من همه حرف این است که اهل ادبیات باید کار خودش را بکنند. شاعران را بکنند. نیا باید قربانی سیاست بازی در عرصه عمومی باشند. می‌توانم افرادی را مثال بزنم که فرصت طلبانه هر دو سو را نسبت به خود راضی نگه می‌داشتند، اما ساعدی جزء این دسته از افراد نبود. متأسفانه در دهه چهل با هل دادن آل احمد به سمت سیاست، سیاست‌بازی بین ما مدام شده بود که نویسنده و اهل ادبیات، باید سیاسی کاری هم بکنند. به همین دلیل شعر سیاسی و رمان سیاسی نوشته شد و زمانی که انقلاب شد، همه این آثار سفارش فراموش شد. چون خودشان انقلاب را نمی‌شناختند نمی‌دانستند چه خواهد شد؟ فردی مثل آندره مالرو هم اهل ادبیات است و هم اهل سیاست، وزیر هم می‌شود، به‌عنوان نویسنده هم مطرح می‌شود و در نهایت به کام می‌رسد. افرادی مثل مالرو خودشان را به دانش سیاسی مجهز کرده بودند که موفق بودند. ما در میان روشنفکران ایرانی قربانی سیاست زیاد داشتیم که اگر کار هنری‌اش را با باور خود انجام می‌داد، جایگاه رفیعی پیدا می‌کرد.

شما در همین کتاب، سیاست‌زدگی روشنفکران را مطرح کردید که نتیجه‌اش را نتیجه‌اش به ادبیات می‌دانید. آیا به همین دلیل ادبیات ما در جهان مطرح نشد؟ خود ساعدی می‌گوید: تازه اوج تجربه و پختگی من فرا رسیده بود و می‌توانستم آثار بزرگ خودم را خلق کنم. پایان غم انگیزش را که در غربت دیدید. خیلی از نویسندگان و شعرا و هنرمندان ما با شعار وارد سیاست نمی‌شدند و آثار ماندنی بسیاری خلق می‌شد. پس از انقلاب، جهان کنج‌کاو شناخت ادبیات ایران شد. آثار اندکی هم ترجمه شد و شرایطی عالی فراهم شد که وارد بازار

جهانی بشویم. آثار قابل عرضه به جهان نداشتیم، هنوز هم بوف کور هدایت حرف اول و آخر را می‌زند.

آقای جمشیدی، پدیده جوانمرگی در ادبیات ما بحث تازه‌ای نیست، بسیاری از شاعران و نویسندگان ما بهترین آثارشان را در جوانی نوشته‌اند. یعنی این مسأله محدود به ساعدی نمی‌شود.

اگر استعدادهای هنری ما صرفاً کار خودشان را می‌کردند، این جوانمرگی به زعم من اتفاق نمی‌افتاد. از دهه چهل جذابیت‌های کاذبی به وجود آمد که هنرمند باید سیاسی باشد و سیاسی بنویسد و همین موجب شد که از کار اصلی خود دور باشند. از آن سو حکومت‌ها هم از ابتدا به فکر آزار روشنفکران بودند. این درگیری همیشه به ضرر روشنفکران شد.

نویسنده اجتماعی‌ترین انسان یک جامعه است. اگر می‌خواهد وارد سیاست بشود باید دانش سیاسی داشته باشد.

فرزندان اغلب هنرمندان، نویسندگان و شاعران در ایران تمایلی به ادامه حرفه پدر نشان نمی‌دهند؟ این پدیده را چگونه تبیین می‌کنید؟

می‌توان این مسأله را باز کرد که چرا هنرمند از دیروز، از امروز و حتی در زمان حال در میان خانواده خودش جایگاه شایسته‌ای نداشته و ندارد. برای اینکه یک نویسنده، یک هنرمند به لحاظ موقعیت اجتماعی که باید داشته باشد تا بتواند به خانواده‌اش به شکل شایسته خدمت بکند و به خواسته‌هایشان پاسخ مناسب بدهد، قاصر است. جامعه‌ای که امروزه به شکل وحشتناک مادی شده و همه چیز را بر اساس میزان درآمد و موقعیت اقتصادی مورد داوری قرار می‌دهند، کسی برای نویسندگی شأن اجتماعی قائل نیست.

به همین دلیل در اولین گام، نویسنده در خانواده نیز از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نیست. همین‌الان وزارت ارشاد که متولی امور فرهنگی کشور است، تمام امتیازات و تمام امکانات را در اختیار ناشران قرار می‌دهد. نویسنده و پدیدآورنده اصلاً جایگاهی ندارد. آن وقت انتظار دارید، فرزندان این خانواده کار پدر را ادامه دهند؟

شما در حالی به جریان روشنفکری ایران حمله می‌کنید که زمانی بیر تحریریه یکی از مجلات روشنفکری ایران بوده‌اید.

من هیچ وقت به جریان روشنفکری ایران حمله نکرده‌ام. جریان روشنفکری ایران یکی از معصوم‌ترین قربانیان سیستم‌های حکومتی بوده‌اند. من سعی می‌کنم تجاربی را که طی چهار دهه در عرصه مطبوعات و اجتماع به دست آورده‌ام، منتقل کنم. سعی می‌کنم به نقد و بررسی رفتار روشنفکری بپردازم.

آیا سوز و شخصیتی بوده که علاقمند باشید در موردش بنویسید و به دلایلی موفق به این کار نشده باشید؟ بله، بوده است. شخصیتی بوده که خیلی علاقمند بودم در مورد زندگی و آثارش بنویسم ولی دیدم شرایط، شرایطی نیست که بتوانم ابزار اولیه را فراهم بکنم. حالا اسمش را افشا نمی‌کنم. البته ناامید هم نشدم، شاید در آینده این کار را بکنم.

الآن که فارغ از فعالیت مطبوعاتی، در خانه نشسته‌اید، چه می‌کنید؟ بخش‌هایی از رمان «کونکاز»، شما را قبلاً در مجله‌ای خوانده بودیم، این رمان و رمان «لچک» چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند؟

این روزها روی این دور مان که از سال‌ها پیش با من بوده‌اند، تمام وقت کار می‌کنم. رمان کونکاز که بخشی از آن قبلاً منتشر شده، در شرایط جنگی نوشته شده، یعنی با اولین موشکی که به تهران می‌خورد، شروع می‌شود. بارها آن را بازنویسی کرده‌ام. چون این رمان خیلی برام عزیز است و هر وقت شرایط چاپ آن مهیا بود، آن را منتشر می‌کنم.

دلمشغولی اصلی من الان این رمان‌ها هستند. به غیر از رمان کونکاز و لچک چند کار ناتمام دیگر هم دارم که سر فرصت به آنها هم می‌پردازم. ولی الان تمام عشق و زندگی من بازنویسی رمان کونکاز است. کتاب «چهره‌های موسیقی» را هم آماده دارم که اگر ناشری پیدا بشود، آن را منتشر می‌کنم.



جمشیدی: برای من این سؤال همیشه مطرح بود که ساعدی چرا مثل شاملو و دیگران نتوانست با «سیاست کج دار و مرین» در ایران بماند و به زندگی‌اش ادامه دهد

عوام‌زدگی را می‌توانید تشریح کنید؟ ببینید، کشاندن اهل ادبیات به بازی سیاست اگر نگوئیم خیانت، باید بپذیریم که اشتباه بزرگی بود. فکر نمی‌کنید، قبل از انقلاب بخش غالب ادبیات ما در حوزه داستان و رمان و شعر، سیاسی بود و غیر از این هم با اقبال خواننده روبه‌رو نمی‌شد؟ امثال زرین کوب، زریاب خوبی و... اصلاً مطرح نبودند، چون آثار سیاسی نمی‌نوشتند. از آن طرف افرادی با سبک شعر سیاسی به شهرت می‌رسیدند، هر چند بعدها فراموش شدند.

همین است. من همه حرف این است که اهل ادبیات باید کار خودش را بکنند. شاعران را بکنند. نیا باید قربانی سیاست بازی در عرصه عمومی باشند. می‌توانم افرادی را مثال بزنم که فرصت طلبانه هر دو سو را نسبت به خود راضی نگه می‌داشتند، اما ساعدی جزء این دسته از افراد نبود. متأسفانه در دهه چهل با هل دادن آل احمد به سمت سیاست، سیاست‌بازی بین ما مدام شده بود که نویسنده و اهل ادبیات، باید سیاسی کاری هم بکنند. به همین دلیل شعر سیاسی و رمان سیاسی نوشته شد و زمانی که انقلاب شد، همه این آثار سفارش فراموش شد. چون خودشان انقلاب را نمی‌شناختند نمی‌دانستند چه خواهد شد؟ فردی مثل آندره مالرو هم اهل ادبیات است و هم اهل سیاست، وزیر هم می‌شود، به‌عنوان نویسنده هم مطرح می‌شود و در نهایت به کام می‌رسد. افرادی مثل مالرو خودشان را به دانش سیاسی مجهز کرده بودند که موفق بودند. ما در میان روشنفکران ایرانی قربانی سیاست زیاد داشتیم که اگر کار هنری‌اش را با باور خود انجام می‌داد، جایگاه رفیعی پیدا می‌کرد.

شما در همین کتاب، سیاست‌زدگی روشنفکران را مطرح کردید که نتیجه‌اش را نتیجه‌اش به ادبیات می‌دانید. آیا به همین دلیل ادبیات ما در جهان مطرح نشد؟ خود ساعدی می‌گوید: تازه اوج تجربه و پختگی من فرا رسیده بود و می‌توانستم آثار بزرگ خودم را خلق کنم. پایان غم انگیزش را که در غربت دیدید. خیلی از نویسندگان و شعرا و هنرمندان ما با شعار وارد سیاست نمی‌شدند و آثار ماندنی بسیاری خلق می‌شد. پس از انقلاب، جهان کنج‌کاو شناخت ادبیات ایران شد. آثار اندکی هم ترجمه شد و شرایطی عالی فراهم شد که وارد بازار



ژانر ادبی زندگینامه‌نویسی

در گفت و گو با اسماعیل جمشیدی

زندگینامه‌نویسی و خود زندگینامه‌نویسی امروز به عنوان یک ژانر ادبی در جهان شناخته می‌شود و علاقمندان فراوانی دارد. اما در میان نویسندگان و سیاستمداران و هنرمندان ایرانی چندان جدی گرفته نشده است، هر چند پس از انقلاب، این نوع ادبی ابتدا در میان سردمداران رژیم گذشته رواج یافت و با استقبال وسیع روبه‌رو شد. اسماعیل جمشیدی نویسنده و روزنامه‌نگار با سابقه، زندگینامه‌نویسی را پیش از انقلاب با کتاب «خودکشی صادق هدایت» و «حسن مقدم و جعفرخان از فرنگ آمده» و «زندگی و مرگ صمد بهرنگی» شروع کرد. جمشیدی متولد ۱۳۲۲ آمل از سال ۱۳۴۰ با نوشتن داستان کوتاه در مجله روشنفکر وارد حوزه مطبوعات شد و تاکنون ۱۷ عنوان اثر چاپ شده و چندین عنوان اثر چاپ نشده دارد. «دیدار با ذبیح الله منصور» اثر دیگر اوست. ماه گذشته کتاب «گوهر مراد و مرگ خودخواسته» از او توسط نشر علم به بازار آمد.



بنویسم. البته این نظر را همیشه داشته که روشنفکران سیاسی ما دانش سیاسی ندارند. در دیدارهایی که با سیمین دانشور و دوستان سعدی داشتیم، دیدم که ابزار کار فراهم است، هر چند بعداً فهمیدم ابزار، چندان فراهم نیست.

برای نوشتن کتاب «گوهر مراد و مرگ خودخواسته» چه مشکلات و موانعی پیش رو داشتید؟

بیشتر دوستان و نزدیکان سعدی، ویژه یکی از دوستان بسیار نزدیکش که از دوستان دوران دبیرستانش هم بود، از گفت و گو پیرامون سعدی پرهیز می‌کردند. این از مشکلات زندگینامه‌نویسی در کشور ماست.

بیشترین سختی‌ها را از میان این آثار، پیرامون کتاب سعدی متحمل شدم. تمام افرادی که فهرست کردم تا گوشه‌ای از زندگی و شخصیت سعدی را با من در میان بگذارند، عموماً پرهیز می‌کردند و از زیر این کار شانه خالی کردند.

پیرامون کدام بخش از زندگی سعدی حاضر به حرف زدن نبودند، زندگی سیاسی یا زندگی ادبی‌اش؟

هر دو بخش، یعنی هم زندگی سیاسی و هم زندگی ادبی‌اش را نمی‌خواستند مطرح کنند. یعنی گروهی می‌گفتند، این بخش از زندگی‌اش را می‌خواهیم بگویم و اگر بگویم الان موقعش نیست. محافظه‌کاری که در افراد هست، کسی را که می‌خواهد دست به چنین تحقیقی بزند، خسته می‌کند.

از مجموعه «تاریخ شفاهی ایران» که در آمریکا منتشر می‌شود، یک کتاب هم به سعدی اختصاص داشت. آیا این منبع استفاده کرده‌اید؟

همه آن چیزهایی که پیرامون زندگی سعدی می‌خواستیم نتوانستیم در اینجا به دست بیاوریم. از دوستی به اسم فرزانه خواستیم که منابع را از آن طرف برایش بفرستد که ایشان بیشترین خدمت را در این مورد به من کرد.

یعنی سعدی در فرانسه دوستان بسیاری داشت که دوست مشترک فرزانه هم بود. کتاب را که نگاه کنید، می‌بینید چقدر عکس و مطلب از آنجا برایش فرستادند. بخش عظیمی از منابع کار از آن سو تأمین شد. بخش کودکی و جوانی زندگی سعدی را به کمک برادر سعدی که بی‌دریغ با من همراهی و همکاری داشت، فراهم کردم. بخش دیگر را طی صحبت‌هایی که با گلشیری، دانشور و... داشتیم، تدارک دیدم. تا در نهایت نسل جدید و حتی هم‌مشریان سعدی بتوانند شناختی از شخصیت سعدی داشته باشند. این کتاب جواب می‌دهد. برای من این سؤال همیشه مطرح بود که سعدی چرا مثل شاملو و دیگران نتوانست با «سیاست کج‌دور و مرز» در ایران بماند و به زندگی‌اش ادامه دهد. چرا رفت؟ و چرا در آنجا نتوانست به دور از سیاست بازان زندگی خودش را داشته باشد؟ عنوان کتاب را مرگ خودخواسته گذاشته‌ام، چون زندگی سعدی را نوعی خودکشی می‌دانم. روشنفکران سیاسی ما عموماً سر خورده شدند و شکست خوردند. چون دانش سیاسی نداشتند، چون بی‌گدار به آب زدند و بی‌جهت وارد سیاست شدند.

آقای جمشیدی، به بحث روشنفکران هم می‌رسیم بحث من این بود که از «تاریخ شفاهی ایران» چقدر استفاده کرده‌اید؟ چرا این کتاب در ایران منتشر نشد؟ از این کتاب بهره‌های زیادی نتوانستم ببرم. اینکه چرا این کتاب در ایران منتشر نشده، من جوابش را نمی‌توانم بدهم. این برمی‌گردد به سیاست‌های ناشران و کسانی که این نوع آثار را چاپ می‌کنند.

در ایران آقای دهباشی هم کمک‌های زیادی به

پراختند، کتاب‌هایش به چاپ‌های متعدد رسیدند، یکی از کتاب‌هایش به چاپ بیست و نهم رسید. فکر می‌کردم که باید پول خوبی گیر خانواده‌اش آمده باشد. یکی از دوستان گفت، امتیاز چاپ دائم آثارش را به اندک فروخته. می‌بینید که نویسنده پس از مرگش هم، بابت آثارش سودی به خانواده‌اش نمی‌رسد. مثلاً «سینوه» به چاپ سی و نهم رسیده است و با شماره‌گان ده هزار و هفتاد و شش هزار تومان چیزی حدود شصت میلیون تومان در یک چاپ گردش سرمایه دارد.

چیزی حدود ۹۰ میلیون تومان باید به ورثه مترجم این اثر داده شود، شما بهتر می‌دانید که چنین چیزی امکان ندارد. اگر قرار بود چنین پولی به مترجم داده شود، هیچ وقت ناشر رغبتی به تجدید چاپ آن نشان نمی‌داد.

اینکه می‌گویند روزنامه‌نگاری، نویسنده و هنرمند را دچار روزمرگی می‌کند، شما در تجربه عملی چه تحلیلی از این مسأله دارید؟

من در شرایط سال‌های ۴۰ و ۵۰ کارهای ادبی و مطبوعاتی کردم که یک نشریه خاص ادبی نبود. این موضوع به علاقه خود شخص برمی‌گردد. به نظر من روزنامه‌نگاری مکمل کار یک نویسنده است. بسیاری از نویسندگان بزرگ دنیا، با مطبوعات کار می‌کردند. روزنامه‌نگاری به نویسنده کمک می‌کند تا آثارش و خودش تعالی پیدا کنند، چون دائماً با سفر، با آدم‌های مختلف و هنرمندان گوناگون روبه‌رو می‌شود. موضوعی که مطرح کرده‌اید شاید به دلیل شتاب کار در مطبوعات باشد. شتاب کار فرصت نمی‌دهد که عمیقاً وارد بعضی از مسائل بشوی و یا تأثیر را دقیق ویرایش بکنی. مجبوری دائماً کار کنی و صفحات سفید نشریه را پر کنی.

اگر من کتاب «خودکشی صادق هدایت» را با شتاب روزنامه‌نگاری نوشتم، در طول زمان آن را تکمیل کردم.

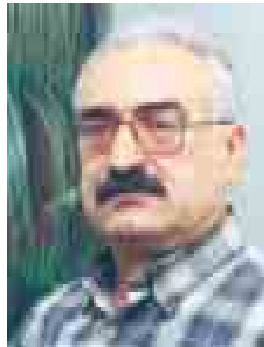
اگر اجازه بدهید، برگردیم به کتاب «گوهر مراد و مرگ خودخواسته». پیش از این کتاب‌هایی چون «شناختنامه سعدی»، «بختک‌نگار قوم»، «غلامحسین سعدی» و... از نویسندگان جوانی چون مجابی و سیف‌الدینی و اسدی منتشر شده بود. چه شد که شما به سراغ سعدی رفتید؟

هیچ‌یک از کتاب‌هایی که در حوزه «زندگینامه‌نویسی نویسندگان» نوشته‌ام، پیش از من کسی به سراغ آنها نرفته بود. کتاب سعدی را من در سال ۷۵ نوشته بودم. این کتاب حدود شش سال در پیچ و خم اداره میزبانی گرفتار بود. همه کتاب‌هایی که پیرامون سعدی نوشته شد، بعد از این کتاب بود. من در اولین مقاله‌ام در گردون این را مطرح کردم. آن زمان بخشی از سعدی در میان نبود. با سوژه خودکشی هدایت رانتهام داشتم، یا به شهادت همه اطرافیان ذبیح‌الله منصور تنها با من گفت و گو داشت. در مورد حسن مقدم من امکاناتی داشتم که با برادرش دوست بودم و توانستم اطلاعات کاملی پیرامون زندگی‌اش به دست بیاورم.

سعدی را از زمانی که در ایران بود، می‌شناختم و دیدار و گفت‌وگو‌هایی با او داشتم. هیچ وقت به ذهنم خطور نمی‌کرد که در موردش کتابی بنویسم. سعدی زمانی که از ایران می‌رود و تن به یک مهاجرت خودخواسته می‌دهد، زندگی سختی به او تحمیل می‌شود که در مقاله خانم مهستی شاهرخی در مجله بخارا خواندم و به عمق مصیبتش پی بردم. آن مصیبت در من انگیزه‌ای شد که در موردش

مبلغ را می‌دهیم، با همین سبک کار، در مورد فلان کس بنویس. من همه پیشنهادها را رد کردم. هیچ‌یک از این افراد که زندگینامه‌شان را نوشتم بدون مطالعه انتخاب نشده‌اند. معرفی هر یک از این شخصیت‌ها انگیزه خاصی داشت. مثل شعر برای شاعر، این شخصیت‌ها آن تلنگر را درون من باید می‌زدند که مرا وادار به نوشتن بکنند. هیچ‌کدام از این پنج اثر نه سفارشی بوده، نه دستوری بوده و نه به میل روز تألیف شده‌اند.

زندگینامه‌نویسی - اینگونه که شما می‌نویسید - چه تفاوت‌ها و تمایزهایی با زندگینامه‌نویسی به شکل مرسوم دارد؟ به استثنای غلامحسین سعدی، زندگینامه‌افزادی را که نوشتم هیچ‌کدام را ندیدم. نوع زندگی و آثارشان در جایی تلنگری به من می‌زد تا به سراغشان بروم. ابتدا طرح اولیه‌ای برای چاپ در نشریه‌ای که کار می‌کردم، ریخته می‌شد. مثلاً کتاب «دیدار با ذبیح‌الله منصور» را برای اطلاعات هفتگی و «جعفرخان از فرنگ آمده» را برای مجله سپید و سیاه شروع کردم و صمد بهرنگی را که برای همین مجله نوشته بودم، به سبب وضعیت سانسور در آن زمان نتوانستم چاپ کنم. آن زمان به



● جمشیدی: بر من همان رفت که بر دیگر نویسندگانی که در مطبوعات کار می‌کردند.

مادر اینجاییچ وقت از دستاورد آثاری که منتشر کرده‌ایم منتفع نشدیم

تبریز رفته بودم و در منطقه زحمت زیادی کشیده بودم برای تهیه و تدارک مستند گزارش و زندگی صمد بهرنگی، که متأسفانه اصل اثر بعداً گم شد و در سال ۵۶ به کمک بعضی از یادداشت‌ها و به کمک حافظه، دوباره آن را نوشتم.

از ۵۷ به بعد شرایط به من اجازه نداد که کار ثابت و مناسبی در مطبوعات داشته باشم. اگر دقت کرده باشید چاپ اول «دیدار با ذبیح‌الله منصور» حدود ۱۷۰ صفحه است، چاپ چهارم و پنجم نزدیک به پانصد صفحه شد. یعنی دائماً بازنگری و کامل شده‌اند. کتاب‌های دیگر هم به این شکل بود.

نوشتن این آثار و تجدید چاپ‌های مکررشان باید از نظر اقتصادی تا حدودی زندگی شما را تأمین می‌کرد. بر من همان رفت که بر دیگر نویسندگانی که در مطبوعات کار می‌کردند. ما در اینجا هیچ وقت از دستاورد آثاری که منتشر کرده‌ایم منتفع نشدیم. یادم می‌آید جواد فاضل که فوت کرد و مطبوعات به او

آقای جمشیدی، زندگینامه‌نویسی در ایران هنوز به عنوان یک ژانر ادبی شناخته نمی‌شود. شما چگونه و کی قدم زدن در این حوزه را شروع کردید؟

زندگینامه‌نویسی را ابتدا من در مطبوعات باب کردم و تا حالا هم پنج عنوان کتاب در این زمینه منتشر کرده‌ام. من به عنوان داستان‌نویس وارد مطبوعات شده بودم و یکی از موضوعات مورد علاقه من رمان‌نویسی است. آثار بسیاری که در سال‌های اخیر نوشته‌ام هنوز چاپ نشده است. گزارش‌نویسی در آن زمان خیلی مورد توجه بود، من هم گزارش‌نویسی ادبی را در مطبوعات شروع کردم. خودکشی صادق هدایت، کتابی که تا به حال نه بار چاپ شده، در اصل از یک گفت‌وگو با کسی که از جریان خودکشی هدایت عکس تهیه کرده بود، شروع شد. این گفت‌وگو می‌توانست در دو شماره مجله تمام شود، منتها وقتی دیدم سوژه‌ای جذاب و پرخواننده است، طرح خودم را برای چند شماره مجله گسترش دادم و در نهایت در هیأت کتاب منتشر کردم.

چه طیفی از مخاطبان را در نظر داشتید و به خواننده اثر چقدر بها می‌دهید؟

یکی از کسانی که با او وارد کار مطبوعات شدم پرویز نقیبی بود. نقیبی همشهری ما بود و به او علاقه داشتم. نقیبی داستان‌نویسی بود که کار ترجمه هم می‌کرد. اولین داستانی را که نوشتم و به او دادم در مجله روشنفکر چاپ کرد. بعد از مدتی گزارش‌نویسی به سراغ بیوگرافی نویسی رفتم؛ بیوگرافی نویسی به شیوه‌ای که در مطبوعات ایران خواننده داشته باشد. در کشورهایی که فرهنگ مطالعه نهاده‌اند، اسم نویسنده کفایت می‌کند که خواننده به سراغ آن کتاب برود، مثلاً در مورد داستایوفسکی صدها کتاب نوشته شده است. در ایران من سعی کردم به صورتی بنویسم که خواننده داشته باشد. چون برای من خواننده مهم است و به آن بها می‌دهم. کتابی که خواننده نشود چه فایده‌ای دارد؟ شیوه‌ای که من برای بیوگرافی نویسی انتخاب کردم، طوری بود که وقتی در مجله چاپ می‌شود، شماره‌گان مجله را بالا ببرد و وقتی به صورت کتاب منتشر شود، ناشر ورشکست کن نباشد. این پنج عنوان کتاب که در زمینه زندگینامه‌نویسی منتشر کرده‌ام، عموماً بخش‌های مهمش در دل مطبوعات چاپ شده است، غیر از کتاب «گوهر مراد و مرگ خودخواسته» که اخیراً منتشر شده است.

از این مجموعه گویا کتابی را به «حسن مقدم و جعفرخان از فرنگ آمده» اختصاص داده‌اید؟

«حسن مقدم و جعفرخان از فرنگ آمده» بارها تجدید چاپ شده و الان هم در بازار نیست. اثری دوست داشتی و از نظر من بسیار مهم است. حسن مقدم انسانی مهم و نویسنده‌ای با ارزش و با استعداد بود. با همین یک نمایشنامه «جعفرخان از فرنگ آمده» نامش و این اثرش در ادبیات ما ماندگار شد. کسی نمی‌تواند تاریخ ادبیات فارسی را بنویسد و اسم مقدم را نیاورد و یادی از این نمایشنامه نکند.

برای زندگینامه‌نویسی بر اساس معیار خاصی به سراغ افراد می‌رفتید، یا به اقتضای شرایط این شخصیت‌ها مورد توجه شما قرار گرفتند؟

من دلایل خاصی داشتم که به سراغ این شخصیت‌ها رفتم. اوایل انقلاب که کتاب «زندگی و مرگ صمد بهرنگی» منتشر و پرفروش شد و کتاب «جعفرخان از فرنگ آمده» درآمد، چندین ناشر - از جمله یکی از ناشران که دوست من بود - پیشنهاد دادند که فلان

دکتر محمدباقر نجفی محقق برجسته ایران و اسلام درگذشت

استاد دکتر محمدباقر نجفی محقق و دانشمند فرزانه که آکنده از عشق به اسلام و ایران بوده سوی مینو پر کشید.

وی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در خرمشهر به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر و آبدان و تهران با پایان رساند. زنده یاد دکتر محمدباقر نجفی تحصیلات خود را در رشته های اقتصاد و حسابداری تاخذ درجه دکتری ادامه داد اما علاقه و دلبستگی به مباحث ادبی، فلسفی و تاریخی او را به سوی مطالعه و پژوهش در مقولات مذکور سوق داد و از محضر استادانی چون علامه سید محمد حسین طباطبایی، جلال الدین همایی، مجتبی مینوی، محمد محیط طباطبایی و سید محمد فرزانش دانش اندوخت. سپس با اقامت در قاهره و جامعه الازهر مدت زمانی به تکمیل آموخته های خود بویژه زبان عربی، تهیه فهرست از نسخه های خطی پرداخت و آنگاه به ایران بازگشت و در پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ملی به کار و تحقیق مشغول شد.

دکتر محمدباقر نجفی تا آغاز جنگ تحمیلی و اشغال خرمشهر در آنجا به سر می برد و سپس در سال ۱۳۶۹ به آلمان مهاجرت کرد و تا پایان زندگی پرثمرش (تیرماه ۱۳۸۱) در این کشور اقامت داشت. از مرحوم نجفی نزدیک به ۶۰ اثر منتشر شده است که جملگی آنها نشانه هایی از روح تحقیق و دقت و امانت علمی او هستند که در این میان می توان به برخی از مهمترین کتاب ها و مقالات ایشان همچون متافیزیک مسیحی، زندگی و اصالت مذهبی، جهان بینی انسانی، خروش حماسه ها، سوز مسلمانی، دین نامه های ایران، مدینه شناسی، منابع تفاهم در مذاهب اسلامی، آثار ایران در مصر، غرب در فرهنگ ایران، هویت فرهنگی ایرانیان، نقد تاریخی گسترش اسلام در ایران، شاهنامه فردوسی به دور از تعصبات و بهره برداری ها، بعد جهانی فرهنگی ایران، نیایش مهاجران، دانشمندان مهاجر، مقامات بایزید بسطامی، فرهنگ گفت و گو، اشتقاقی در گفت و گو فرهنگ ها، غم و عزادار فرهنگ ایران، فرهنگ صلح، فرهنگ ایران در آستانه هزاره دوم و... اشاره کرد.

روانش شاد

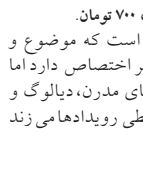
کتابت کتاب

سرگشتگی عارف



سرگشتگی، اوشو، حمید حیدری نژاده نشر آویژه، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۹۰۰ تومان. اوشو از جمله عارفانی است که به سال ۱۹۵۳ و به هنگامی که ۲۱ سال داشت، نور اشراق در دلش تابیدن گرفت و آیین ها و به باورهای دیرینه سالی که سخت در اندیشه هندیان ریشه داشت خرده گرفت و تازیانه نکوهش خود را بر سامانه باورهای دروغین فرود آورد. اوشو، خود را به سان پلی می دانست که میان درک خاور زمینیان از مراقبه و تمنای غربیان برای عمل گرای و دست یاری دادن به خویشتن فراز گشته بود. در اعتقادات او بینشی تازه آمیزه ای از وجد و جذبیه درون گرای گوناگونی بود و کشف لذت ها و شور دنیای بیرونی زور را بر یک جا وجود داشت.

هفت داستان



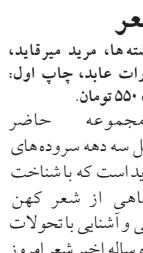
ژاله، حسن سپهر، انتشارات مدیر، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۷۰۰ تومان. ژاله مجموعه هفت داستان کوتاه از حسن سپهر است که موضوع و مضمون داستان ها به مسائل و معضلات جامعه معاصر اختصاص دارد اما نویسنده در خلق داستان ها به جای استفاده از شگردهای مدرن، دیالوگ و ساخت و پرداخت داستان، دست به تعریف و روایت خطی رویدادها می زند و به شرح حوادث می پردازد.

داستان هایی درباره طبیعت



صدای پای طبیعت، محمدرضا غفاری، نشر اصلح، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۱۲۰۰ تومان. در فصل اول پنج داستان کوتاه مربوط به شکار و توصیف طبیعت و پدیده های درون آن آمده است. فصل دوم نیز پنج داستان است که از زبان دیگری به فارسی برگردانده شده که مضمون آنها کوهنوردی، فتح قله ها، ورزش ها و سنت های پهلوانی است. در فصل سوم داستان بلندی از ایوان آرمیبلف در مورد مزرعه پرورش گوزن در سبیری روایتی خواندنی به دست می دهد.

درس عشق و زندگی



دیروز گریستم، ایانا و ونزت، منصوره وحدتی احمدزاده، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۲۲۰۰ تومان. نویسنده آمریکایی کتاب فوق آفریقای تبار و ساکن بروکلین است و دوران کودکی و نوجوانی سختی را گذرانده است. این کتاب خود زندگینامه نویسنده است. ایانا لایمن تعریف دوره از زندگی خود تحلیلی برای رویدادهای زندگی و عملکردهای خویش و اطرافیان ارائه می دهد و خواننده در بخش هایی از کتاب تشابهی بین تجربیات خود و تجربه نویسنده پیدا خواهد کرد.

مرید شعر

پرو نوشته ها، مرید میرقاید، انتشارات عابد، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۵۵۰ تومان. مجموعه حاضر حاصل سه دهه سروده های میرقاید است که با شناخت و آگاهی از شعر کهن فارسی و آشنایی با تحولات پنجده ساله اخیر شعر امروز و فرایند گوناگون زبان و بیان در راه و رسم نیمایی دست به سرایش اشعار فوق زده است. همه شعرهای مجموعه، شعرهای کوتاه و در قالب سپید و جزو شعرهای اندیشه فرامی گیرند.

گزارش خبری

مجتبی زارعیان جهرمی

حضور ۵۶ ناشر و بیش از ۴۸ هزار عنوان کتاب در سومین نمایشگاه کتاب استان کرمانشاه

کتابخانه وجود دارد. سپس حجت الاسلام زرنی، امام جمعه کرمانشاه در سخنانی برگزاری نمایشگاه کتاب را ابزار شکوفایی و بالفعل شدن استعداد های انسان دانست. امام جمعه کرمانشاه برگزاری نمایشگاه کتاب به صورت سالانه را از استاندار و مسؤولان ارشاد درخواست کرد و افزود: بنا بر آمار بیشترین خرید کتاب در استان مربوط به کتاب های مذهبی است، وی همچنین از دولت خواست که بارانه ای را به خرید کتاب اختصاص دهد. برنامه های جنبی این نمایشگاه عبارتند از: نقد و بررسی ادبیات معاصر استان کرمانشاه، شاهنامه خوانی، میزگرد گاهگی به مطبوعات استان، کتاب و خانواده و با آیات کتاب آسمانی. لازم به ذکر است این برنامه ها با همکاری انجمن شعر و ادب رشید یاسعی، کمیته امور فرهنگی، شورای پژوهشی، خانه مطبوعات و کمیسیون امور بانوان این استان برگزار می شود.

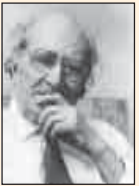
سومین نمایشگاه بزرگ استان کرمانشاه و شصت و چهارمین نمایشگاه سراسری کتاب استانی صبح چهارشنبه - دوم مرداد ماه - گشایش یافت. کتابشناسی این نمایشگاه آقای نظری مدیرعامل مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، حجت الاسلام زرنی نماینده محترم ولی فقیه، دکتر ترک نژاد استاندار کرمانشاه، مدیرکل ارشاد استان و جمعی از ناشران و غرفه داران و دوستان کتاب حضور داشتند.

در ابتدای این مراسم شاه حسینی مدیرکل ارشاد استان، طبق آمار و ارقام، گزارشی از شمار کتابخوان ها، کتابخانه ها و فرهنگ کتابخوانی در استان ارائه داد.

وی افزود: در سال ۱۳۸۰ چهل و هفت کتابخانه عمومی با ۴۰۰ هزار جلد کتاب پذیرای ۴۰۰ هزار نفر مراجعه کننده بوده است و در استان به ازای هر ۳۷ هزار نفر یک

خنده ها و گریه ها

سید محمد محیط طباطبایی



سید محمد محیط طباطبایی در سال ۱۳۸۱ در قریه ای از توابع لرستان به دنیا آمد. طباطبایی در طول حیات بیش از ۲۵۰۰ مقاله نوشته و ۱۹ عنوان کتاب تألیف کرده و زمانی نیز به سرودن شعر کلاسیک می پرداخت که حاصل آن بیش از بیست هزار بیت است.

طباطبایی بر بسیاری از آثار کلاسیک ادب فارسی مقدمه و بررسی نوشته است. آثاری چون بهارستان جامی، یادنامه بیرونی، سه یاد داستانی، امیر کبیر و دارالفنون، جشن نامه ابن سینا و یادنامه شیخ طوسی، سخنان علی بن الحسین (ع)، صائب و سبک هندی که مجموع آنها به ۳۰ عنوان می رسد.

طباطبایی در نخستین سال های ورود به تهران و همکاری با روزنامه اقدام که سردبیری آن را عباس خلیلی به عهده داشت، می گوید: «اشعاری که حاصل تأثیر عوامل اجتماعی روز در روحیه جوانی روستایی ورنجیده از شهر بود، سرودم و برای اقدام فرستادم و آنها در همان شماره های «پیام» که به جای شماره های توقیف شده اقدام به چاپ می رسید، منتشر کردند.» محیط طباطبایی پیرامون وضعیت تاریخ نگاری آورده است: «وقتی رفته سراغ خرمین تاریخ ایران، دیدم مجموعه ای از دروغ را به لباس راست در آورده اند، نمی دانم ۵۰ سال یا ۶۰ سال رویش کار کردم تا بتوانم از این دروغ ها بکاهم.»

طباطبایی در سال ۱۳۳۱ اولین اثر خود رساله ای با عنوان «تأثیر شاعر و فیلسوف هندی» تألیف کرد و از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۳۷ به ارزیابی و بررسی نسخه های خطی کتابخانه مجلس می پرداخت.

وی در سال ۵۰ به انتشار انقش سیدجمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین که به اهتمام سیدهادی خسروشاهی اقدام کرد و در سال ۵۵ از طرف دانشگاه ملی موفق به دریافت درجه دکترای افتخاری گردید و در سال ۵۷ «جایزه مجموعه تحقیقات و خدمات و آثار یک محقق در طول عمر» را از طرف انجمن آثار ملی دریافت کرد. از طباطبایی کتاب «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران» در سال ۶۶ و کتاب «آن چه درباره حافظ باید دانست» به مناسبت کنگره بزرگداشت حافظ در سال ۶۷ و کتاب «تاریخ تطور حکومت در ایران بعد از اسلام» در همین سال به بازار آمد. وی در سال ۶۹ کتاب «فردوسی و شاهنامه» را منتشر کرد. «خیامی یا خیام» اثر دیگری از او است که به تحقیق در آثار و احوال خیام شاعر و خیام ریاضیدان می پردازد. اخیراً کتاب «اردستان نامه» در دو جلد به اهتمام محمد گلین توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بازار آمده که در آن پیرامون استاد محیط طباطبایی و زندگی و آثارش مطالبی آمده و پیرامون فعالیت مطبوعاتی وی نیز مقاله ای به قلم سیدفرید قاسمی چاپ شده و آخرین صاحب او با کیهان هوایی را هم در همین کتاب می بینیم. مجموعه اشعار استاد در یک جلد تحت عنوان «دیوان اشعار محیط طباطبایی» نیز در دست انتشار است. استاد طباطبایی در ۲۷ مرداد سال ۱۳۷۱ بر اثر بیماری در تهران درگذشت.

سر دبیر: علی اصغر رمضانپور

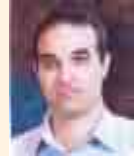
مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی

صاحب امتیاز: خانه کتاب ایران

مدیر امور اجرایی: محمد رضا قدیمی امور اداری: حجت الله زایدلو امور مالی: محمد اسکندری قادی، امیر شمس امور آگهی ها: رضا کتبی تلفن آگهی ها: ۲۰۴۸۵۹۷ مسئول دفتر امور اجرایی: عادلہ صادقی تلفن امور اجرایی: ۸۳۱۸۶۵۹	توزیع: عزیزالله امرایی، علیرضا امرایی طراح صفحات الکترونیکی: علی رضا کریمی نظارت چاپ: محمود رضا طلوعی لیتوگرافی، چاپ و توزیع: ایرانچاپ تدارکات: محمد صادقی خدمات: علی محمدی، علی رحیمی	عکس: سیاوش حبیب الهی محمد رضا دشتی، رضا خندکار مدیر هنری: بهروز متین صفت مدیر فنی و صفحه آرا: ناظم رام حروفین: منیر سرگلی، غزاله نوروزی تصحیح: منیر السادات حسینی نقشه منبج: محمد ملا حسینی هماهنگی: آرش آذرنگ	هیات تحریریہ: رسول آبادیان، فرانک آرتا اسدالله امرایی، حمید باباوند نرگس بازخانه ای، نگار پدارم لیلی پور اسکندر، مریم جباری زهرا حاج محمدی، همایون خیری ابراهیم رزم آرا، سید علی محمد رفیعی محمد رضا نوری، فرزین شیرزادی مریم طاهری مجد، سایر محمدی	شورای سردبیری: دکتر یونس شکرخواه سید فرید قاسمی حمید رضا اسلامی محمد هاشم اکبریانی سید ابوالحسن مختاباد مسئول دفتر تحریریہ: آمنه عربکی تلفن تحریریہ: ۸۸۴۰۱۹۹
--	--	--	---	--

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی، اول خیابان فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم، صندوق پستی: ۱۳۱۳-۱۳۱۴۵
نشانی کتاب هفته در اینترنت: <http://www.ketabnet.org.ir/weekbook>

بی مخاطب و پرکار



هفته‌هایی که بعد از برگزاری کنکور سراسری دانشگاهها می‌گذرند، فرصت فرار از خواندنی‌های پرتراکم و بی‌وقته‌ای است که تنها به قصد عبور از دروازه تنگ آموزش عالی انجام می‌شوند. بی‌گمان همه آن خواندنی‌ها در همان روزهای اول ورود به دانشگاه بی‌هیچ مقدمه‌ای بلااستفاده می‌شوند و دلیلی جز این نیست که خواندنی‌های دانشگاه نوعاً از جنس دیگری هستند و در کنار این بطالت پرفشار یک ساله، آنچه باید به دور ریخته شود همان‌هایی است که به قصد ورود به دانشگاه در ذهن آزمون‌دهندگان تلنبار شده. همانکه اگر وزارت علوم هم عزم جزم کند تا کنکور سراسری را از این شکل آزمون گرفتن رها کند، می‌توان به سهولت پی برد که اهل نشر کتاب‌های مرتبط با کنکور از درآمد هر ساله چاپ کتاب‌ها به صرافت مقابله برآیند، کما اینکه همین خوان گسترده چاپ و همان کتاب‌های کنکوری دست و پای سازمان برگزارکننده آزمون رانیز در پوست گردو کرده و عمری برای درآمد خارج از وظایف سازمانی فراهم آورده است.

به ضرس قاطع، نه، اما به تقریبی نزدیک به واقعیت می‌توان گفت بازار نشر علیرغم ظاهر فرهنگی که در خود دارد قادر است تصمیم‌گیری سیاستگذاران عرصه‌های مختلف را تحت تأثیر خود قرار دهد. کنکور یکی از همان عرصه‌هاست که پرده نازکی آن را از عرصه چاپ و نشر مجزا کرده و آن پرده را به آسانی می‌توان کنار زد. اما نگاه کنجکاوی اگر باشد، بازار نشر و نوشتار در دیگر حوزه‌های درآمدزایی می‌تواند بیاید که حتی به اندازه کنکور سراسری نیز مخاطب سالانه ندارد اما پرکارتر از ناشران این عرصه به کار نشر مشغولند.

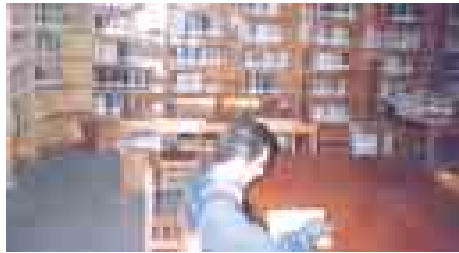
کتاب

اپیدمیولوژی بالینی



اپیدمیولوژی بالینی (۱)، دکتر مایکل اس. کرامر، دکتر کریم الله حاجیان، دانشگاه علوم پزشکی بابل، ۱۶۰۰ تومان. این کتاب دارای سه بخش به شرح ذیل است: - بخش یک به طرح تحقیق اپیدمیولوژیک و استنتاج تحلیلی شامل مسائلی نظیر اندازه‌گیری‌ها، میزان‌ها، صورت‌های اصلی مطالعات مشاهده‌ای و اپیدمیولوژی تجربی می‌پردازد. - بخش دو در مورد قوانین و کاربردهای آمارزیستی با تأکید بر استنتاج آماری است. - بخش سه شامل چهار فصل بوده که دارای عناوین خاص مانند، آزمون‌های تشخیصی، تحلیل تصمیم‌گیری، تحلیل بقا (جدول عمر) و علیت است.

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران



کشور فراهم ساخته است. با این روش می‌توان آخرین دستاوردهای علمی خودمثل پایان‌نامه در حال دفاع شده، طرح پژوهشی، مقاله ارائه شده در همایش یا مجلات علمی و فنی، گزارش دولتی، کتاب‌های فارسی و لاتین محققان و متخصصان را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مجموعه اطلاعات پایگاه‌های این مرکز افزود. قابل ذکر است که کتابخانه مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران خدماتی نظیر تهیه مدارک از خارج کشور، جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعات مرکز و اطلاعات لاتین موجود در کتابخانه، تهیه یکی از مدارک بازیابی شده و جست‌وجو در اینترنت را برای مراجعان انجام می‌دهد.

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران در خیابان انقلاب، بین فلسطین و صیای جنوبی، شماره ۱۷۸۸ بوده و آدرس سایت اینترنتی آن www.iran.doc.ac.ir است.

به کمک راهنمای تلفن مرکز معرفی شده با شماره‌های ۶۹۵۱۴۳۰ و ۶۲۹۴۹۸۰ می‌توان به اطلاعات بیشتری درباره خدمات و منابع علمی موجود در این مرکز دسترسی یافت.

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران جمع‌آوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات و انواع مدارک علمی را زیر پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام می‌دهد. از عمده وظایف و اهداف مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران انجام پژوهش‌های علمی در حوزه‌های علوم اطلاع‌رسانی و کتابداری، اصطلاح‌شناسی، تحلیل اطلاعات، مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی و تکنولوژی اطلاعاتی است.

مرکز گفته شده پس از شناسایی و گردآوری مدارک علمی از سراسر کشور آنها را در قالب پایگاه‌های اطلاعات کامپیوتری، فصلنامه و پذیرش سفارش جست‌وجوی اطلاعات به مراجعان ارائه می‌دهد.

همین‌طور از طریق سفارش جست‌وجوی اطلاعات حضوری یا مکتوبه‌ای پایگاه‌های اطلاعات خارجی نیز قابل دسترسی هستند. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران اقدام به انتشار کتاب‌هایی در زمینه علوم اطلاع‌رسانی نموده و به عنوان نماینده رسمی کتابخانه ملی استرالیا (NL) ارائه‌دهنده خدمات کتابخانه بریتانیا (BL) مدارک مورد

نیاز پژوهشگران، اساتید و دانشجویان سراسر کشور را در مدت زمان ۲ ساعت تایم ماه و با توجه به هزینه‌های مربوطه، تهیه می‌کند و تحویل می‌نماید.

همچنین این مرکز با کارشناسان و اعضای هیأت علمی در زمینه‌های تخصصی اطلاع‌رسانی و کتابداری، کامپیوتر، مدیریت، زبان‌شناسی و مهندسی صنایع برای مشاوره و اجراء تولید پایگاه‌های اطلاعاتی آمادگی دارد.

برای سرعت بخشیدن به شناسایی و گردآوری اطلاعات علمی کشور و به منظور روزآمدسازی پایگاه‌های تولید شده، این مرکز امکان ثبت اطلاعات از راه دور (به کمک شبکه اینترنت) را برای جامعه علمی

نجوم

ابراهیم خندان

مونت پالومار و نجوم به زبان ساده

تمام این گفته‌ها برای این است که بگویم متأسفانه این کتاب ارزشمند دچار بی‌مهری بزرگی چه از جانب مترجم و چه از طرف ناشر شده است. چاپ‌های اولیه کتاب در دو مجلد منتشر می‌شد که جلد اول آن در برگزیده مفاهیم اولیه اخترشناسی بود و جلد دوم هم به شناخت منظومه شمسی می‌پرداخت. در انتهای هر جلد یک واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی و یک نمایه وجود داشت. علاوه بر آن بخش‌ها، ضمیمه‌هایی در انتهای هر جلد قرار داشت.

در چاپ‌های جدید ناشر با حذف و ادغام کردن جلد‌های فوقی کتاب، آن را در قالب یک کتاب تک جلدی منتشر کرد و فارغ از این اندیشه بود که با یکی کردن دو مجلد، آوردن نمایه و واژه‌نامه در وسط کتاب نشان‌دهنده بی‌سیلنگی ناشر است و باعث سردرگمی خواننده خواهد بود.

بازنگری در طرح جلد و صفحه‌آرایی و آرایش کلی کتاب می‌توانست تأثیر خوبی در خوانندگان این کتاب بگذارد و حداقل این نکته را به ایشان القا کند که ما خواستار تغییر هستیم ولی در تغییر محتوا دستمان خالی است؛ محتوایی که با کمی صرف وقت و هزینه می‌شد آن را روزآمد کرد. این تغییرات هم در توان مترجم است و هم حجم آن به اندازه‌ای نیست که موجب بازنویسی کتاب شود. حتی اگر مشغله مترجم و نداشتن وقت کافی وی را برای عدم تغییر در محتوای کتاب درست و بحق بدانیم از ناشر انتظار می‌رفت که با همکاری و معرفی مترجم، یک ویراستار جدید برای کتاب می‌یافت. حداقل ناشر می‌توانست اطلاعات جدید را در قالب یک ضمیمه بیست یا حداکثر چهل صفحه‌ای با قلم شخصی دیگر به انتهای کتاب بیفزاید.

فکر می‌کنم ناشر محترم خود واقف بر این باشد که کتابش به صورت غیررسمی در کشور به عنوان یکی از کتاب‌های معتبر آموزشی در حیطه اخترشناسی درآمد آهسته است و این نکته کوچکی نیست و شاید منحصر به فرد هم باشد و آنقدر ارزش دارد که با کمی صرف وقت و هزینه بر اعتبار خود بیفزاید و با حداقل آن رازبر سؤالی نبرد.

نجوم به زبان ساده» با وضعیتی که دارد در حال حاضر مانند همان تلسکوپ پنج متری مونت پالومار است که باید آن را به موزه سپرد، اگر چه به خاطر نبودن رقیبی جدی و با وجود وضعیت نشر کتاب همچنان که‌تاز میدان باشد!



مونت پالومار بود که قطر آینه اصلی آن پنج متر بود و در زمان خود جزء عجایب فناوری بود ولی امروزه این تلسکوپ اگرچه هنوز در حال کار است ولی از آن به عنوان یک عتیقه نام برده می‌شود. امروز تلسکوپ‌های بزرگ هشت متری و ده متری و بزرگتر که در کشورهای مختلف در حال بهره‌برداری، به ابزارهایی شناخته شده و معمول تبدیل شده‌اند. اطلاعات ما از زمانی که فضاپیماها و ایکنینگ یک و دو بر روی سطح مریخ نشستند (۱۹۷۶م) تاکنون نسبت به این سیاره بسیار زیادتز شده است.

سیاره مشتری اسرار زیادی از خود در درونی این دوازده سال برای ما بازگو کرده است و تلسکوپ فضایی هابل افق دید ما را آنقدر گسترش داده است که به جرأت می‌توان ادعا کرد همانند کوری بودیم که بینایی خود را به وسیله این تلسکوپ با یافته‌ایم.

این بینایی باعث شده است که فرضیات جدیدی شکل بگیرد یا از فرضیات قدیم در کیهان‌شناسی و اختر فیزیک عده‌ای مرده و عده‌ای دیگر تأیید شوند.

بیست و شش سال یا حتی دوازده سال امروز واقعاً زمانی طولانی است. زمانی که تحولات هر روزه علم و فناوری براسستی غیرقابل چشم‌پوشی است. در دنیای امروز کتاب‌هایی که در زمینه علوم و فناوری نوشته و منتشر می‌شوند، عمری طولانی ندارند و تقریباً هر چهار یا پنج سال یک بار در آنها تجدیدنظر کلی صورت می‌گیرد. حتی اگر این کتاب‌ها در حوزه‌های تألیف شوند که در آن باره تغییراتی را شاهد نبوده‌اند، باز مؤلف و ناشر با تغییراتی در ویرایش و گرافیک کتاب سعی می‌کنند حتی در ظاهر هم که شده ظاهر کتاب را روزآمد نگاه دارند.

ISSN:1029-3345

شنبه ۵ مرداد ۱۳۸۱
۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۲۳
۲۷ جولای ۲۰۰۲
شماره ۷۳، بیابانی ۴۶۰
شمارگان ۷۰۰۰
۳۲ صفحه، ۱۰۰ تومان

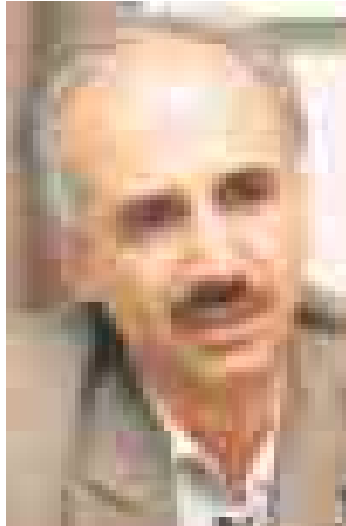
چهارمین جلد

باغبان قصه گوی
خانه ما



گفت و گو با چهره‌زاد بهار
فرزند استاد محمد تقی بهار

۱۳



مشاهیر ادب معاصر یک پژوهش مستند

گفت و گو با علی میرانصاری

چهارمین جلد کتاب «اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران» توسط سازمان اسناد ملی ایران منتشر شد. این مجموعه را علی میرانصاری به تنهایی گردآوری کرده است و امیدوار است تا پایان سال ۸۵، کل مجموعه که شامل ۸ یا ۹ مجلد است کامل شود. مجموعه اسناد مشاهیر ادب معاصر ایران به ۵۰ شاعر و نویسنده اختصاص دارد که از صد سال پیش تا کنون یا خود در حوزه ادبیات تأثیرگذار بوده‌اند و با آثار ادبی و تحقیقات آنها در شکل‌گیری جریان ادبی کشور سهمی داشته است. میرانصاری معتقد است که با مراجعه به منابع و مآخذ مقالات و یا کتاب‌های تحقیقاتی و دیدن نام این مجموعه به نام یک اثر مفید برای مراجعه می‌توان به استقبال خوبی که از مجموعه اسناد مشاهیر ادب معاصر شده است پی برد.

۸

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

همه بار مسائل فرهنگی بر عهده وزارت ارشاد نیست

۲

ژانر ادبی زندگینامه‌نویسی

گفت و گو با اسماعیل جمشیدی

زندگینامه‌نویسی و خود زندگینامه‌نویسی امروز به‌عنوان یک ژانر ادبی در جهان شناخته می‌شود و علاقمندان فراوانی دارد. اما در میان نویسندگان ایرانی و سیاستمداران و هنرمندان ایرانی چندان جدی گرفته نشده است، هر چند پس از انقلاب، این نوع ادبی ابتدا در میان سردمداران رژیم گذشته رواج یافت و با استقبال وسیع روبه‌رو شد. اسماعیل جمشیدی نویسنده و روزنامه‌نگار با سابقه، زندگینامه‌نویسی را پیش از انقلاب با کتاب «خودکشی صادق هدایت» و «حسن مقدم و جعفرخان از فرنگ آمده» و «زندگی و مرگ صمد بهرنگی» شروع کرد. جمشیدی متولد ۱۳۲۲ آمل از سال ۱۳۴۰ با نوشتن داستان کوتاه در مجله روشنفکر وارد حوزه مطبوعات شد و تاکنون ۱۷ عنوان اثر چاپ شده و چندین عنوان اثر چاپ نشده دارد. «بیدار با ذبیح‌الله منصوری» اثر دیگر اوست. ماه گذشته کتاب «گوهر مراد و مرگ خودخواسته» از او توسط نشر علم به بازار آمد.

۲۰



دایرةالمعارف جامعه‌شناسی بزودی منتشر می‌شود

۵

گزارش

کتاب مرکز فوریت‌ها

بازار نشر کتاب
در ایران و نگاهی به رئوس
یک طرح تازه

۲۱



کام‌اول

این پسرهای کتانی

گفت و گو با محمد رضانی فرخانی
سراینده منظومه
این پسرهای کتانی

۹

چهارمین جلد



سیدمحمد
محیط طباطبایی
۳۳

ادبیات بیابانی



شهبلا لاهیجی

۱۷

تعریف ویرایش نیاز به خرد جمعی دارد

گفت و گو با سیاره مهین فر، سرپرست بخش ویرایش بنیاد دایرةالمعارف اسلامی،
ناشر دانشنامه جهان اسلام

۷